بامداد ایران

Bamdad-e Iran

ویژه بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۲

January& feb 2004

از انتشارات

جبهه اتّحاد ملّی و میهنی ایران

با همکاری شورای نویسندگان

این شماره به احمد باطبی تقدیم می شود

تلفن: ۸۳۶۵۰۸۸۰-۲۰-۴۴ (۰۰)

تاسیس ۱۹۹۷-(۱۳۷۷)

Po Box 25900

London N18 4WP- England

Tel: (0 0) 44 - 20 8365 0880

Fax: (0 0) 44 - 20 8365 0117

Email: bamdadiran@talk21.com

http://www.ufin.org

روی جلد، طرحی از جوانان میهن پرست ایرانی

مقالات وارده مندرج در این مجله الزاماً نظرنشریه نیست. اما چاپ آنها نمایانگر دگر اندیشی در بر خورد با مسائل است، شورای نویسندگان حق ویراستاری و کوتاه کردن مقالات را برای خود محفوظ می دارد. مطالب، مقالات و انتقاد های خود را بروی یک طرف کاغذ و حتی المقدور کوتاه بنویسید.

فریدون مشیری

رنج

من نمی دانم.
- وهمین درد مرا سخت می آزارد-
که چرا انسان،
این دانا،
این پیغمبر،
در تکاپوهایش،
- چیزی از معجزه آن سوتر - !
ره نبرده ست به اعجاز محبت،
چه دلیلی دارد؟

چه دلیلی دارد
که هنوز،
مهربانی را نشناخته است؟
و نمی داند در یک پنهان است!

من بر آنم که درین دنیا
خوب بودن، به خدا، سهل ترین کار است.
و نمی دانم،
که چرا انسان،
تا این حد،
با خوبی
بیگانه ست
و همین درد مرا سخت می آزارد

فریب حاکمان متزور را نخورید

بازداشت های متصل به محکومیت!

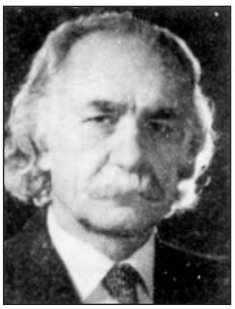

احمد بشیری

در سال های اخیر که "بگیربگیز" اهالی مطبوعات و برخی از "دگراندیش"ها، از سوی مقامات قضایی کشور، اعم از دادگاه های عمومی یا انقلابی، رواج یافته است، همواره موضوع "اخذ تأمین" از متهمان پرونده، مرکز گفتگوها و نقد و نظر فراوان بوده است و است.

در طول این مدت، هر گاه که، به هر دستاویزی، اتهامی به پای کسی بسته شده است، همواره، مهمترین مطلبی که پس از "پرس وجو" درباره گناه او، بر سر زبان ها افتاده، چگونگی "آزادی"اش، دلمشغولی دیگر کسانی بوده است که از دور، به چنین رویدادهایی نگاه می کنند و همه این "پچ پچه"ها، نوعاً در این جمله کوتاه، خلاصه می شده است: "چه کارش خواهند کرد؟" و چون معمولاً، "سرنوشت محتوم" بسیاری از این متهمان، یکی از انواع "بازداشت" است، ناگزیر، چند ساعت پس از احضار متهم به مرجع قضایی، خبر بازداشت او نیز به بیرون می رسیده و طبعاً جمله کوتاه دیگری بر سر زبان ها می افتاده است: "کی، آزادش می کنند؟"

شگفت آنکه، پاسخ این جمله آخری، تقریباً همیشه با جمله نخستین، چنان جوش خورده است که پاسخ هر دو، با هم داده می شود. یعنی "آزادی" متهم، با روز "تعیین تکلیف نهایی" او، که معمولاً "پایان محکومیت" است، همزمان می گردد!

آنان که با مسایل قضایی سروکار دارند، بی شک می دانند که فقط در موارد "نادر"، و برای مسایل ویژه، "بازداشت" متهم، مقدمتاً ضرورت پیدا می کند و در موارد و مواقع دیگر، کمتر اتفاق می افتد که حضور متهم در پیشگاه مقامات قضایی، به بازداشت او منتهی شود زیرا که در این مواقع متهم، با سپردن "تأمین" سبک به مرجع قضایی، تا پایان محاکمه و قطعی شدن حکم محکومیت، آزاد می شود.

روشن است کسانی که با مسایل قضایی آشنایی ندارند، به درستی از موضوع تأمین سر در نمی آورند و از آن، برداشت های گوناگون دارند.

برای آشنایی این دسته از مردم، که شمارشان کم هم نیست، بهتر است توضیح کوتاهی درباره تأمین و به اصطلاح: "اخذ تأمین" داده شود. به طور کلی، اخذ تأمین، یک "قرارداد" است که میان مقام قضایی رسیدگی کننده پرونده و شخص متهم بسته می شود. به این معنی که مقام قضایی، برای آنکه خاطرش جمع شود که هرگاه به حضور متهم نیازی بود و "احضار" شد، در مهلت تعیین شده، خودش را معرفی خواهد کرد و گم وگور" نخواهد شد، از "متهم" یک تعهد می گیرد و متهم به نحوی که قانون مقرر داشته است، با مقام قضایی، پیمان می بندد که از دسترس او دور نشود و هرگاه مقام قضایی او را خواست، حاضر شود و اگر چنین نکرد، "تاوان" بدعهدی خودش را بپردازد.

این تاوان بدپیمانی، درجات قانونی گوناگونی دارد و برحسب مواردی که در عهدنامه فیمابین مقرر شده است، تفاوت می کند.

درجات تأمین، چنانکه در قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است، اینها است!

۱ التزام به حضور، با قول شرف

۲ التزام به حضور، با تعیین وجه التزام

۳ سپردن کفیل در برابر وجه الکفاله معین

۴ سپردن وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

۵ بازداشت موقت برابر شرایطی که در قانون پیش بینی شده است.

چنانکه گذشت، منظور از اخذ یا سپردن تأمین، درواقع امر، "تأمین خاطر" مقام قضایی است که دلواپس "فرار" یا "طفره" روی متهم و طولانی شدن کار رسیدگی پرونده نباشد با این فرق کوچک که گاهی، خسارت و "ضرر و زیان" وارد شده به شاکی یا مدعی خصوصی هم، مورد توجه مقام قضایی قرار می گیرد و در این صورت، متهم باید تأمین سنگین تری بسپارد تا اگر حکم دادگاه درباره اش صادر شد و به مرحله اجرا درآمد و او، از دسترس دور شده بود، از محل تأمینی که سپرده و معمولاً "وجه الکفاله یا وثیقه است، "ضرر و زیان" مدعی خصوصی کارسازی شود.

از این کوتاه سخن، می توان دریافت که فقط هنگامی که پای ضرر و زیان مدعی خصوصی در میان باشد، گرفتن تأمین سنگین ضرورت پیدا می کند و در غیر این مورد، تأمینی که متهم باید بسپارد، بستگی دارد به میزان اعتماد مقام قضایی به متهم و رسیدن مقام قضایی به این حد از اطمینان خاطر که هر وقت متهم را بخواهد، حاضر خواهد شد.

استثناء این قاعده، در مواردی است که طبق قانون، تامینی که باید از متهم خواسته شود، از پیش و در متن قانون مقرر شده است مانند "بازداشت موقت" در برخی از موارد جنائی و "وجه الضمان" در مورد کشیدن چک بی محل و غیره.

برابر دستورهای مؤکد قانون آیین دادرسی کیفری، هر لحظه که متهم تأمین خواسته شده را آماده کند، مقام قضایی مکلف به پذیرفتن آن است و اگر به این تکلیف قانونی عمل نکند، "متخلف" شناخته می شود و قابل تعقیب انتظامی یا کیفری خواهد بود.

اما شیوه کار مقامات قضایی، در سال های اخیر، چنان بوده است که غالباً "تأمین"، به صورت یک "ابزار" برای فشار آوردن به متهم درآمده است.

بررسی آماری نشان می دهد که از گذشته تاکنون، از میان طبقات برجسته جامعه، معمولاً نویسندگان، روزنامه نگاران، دانشگاهیان (استاد یا دانشجو)، وکلای مجلس، وکلای دادگستری، روشنفکران ملی یا مذهبی و... "شکار" فرشته عدالت شده و در بسیاری از موارد نیز، در پایان نخستین جلسه تحقیقات مقدماتی، به دستاویز دسترسی نداشتن به تأمین خواسته شده از سوی مقام قضایی، راه "زندان" را در پیش گرفته اند.

همین بررسی آماری نشان می دهد که به طور کلی، از این کسان، فقط تأمین "وثیقه" نقدی یا مکلی خواسته شده و به انواع دیگر تأمین های یاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری، التفاتی نشده است!

چنان پیداست که "متاع قلیل" حیثیت و شرافت اجتماعی متهمانی که به آنها اشاره شد، در بازار عیارگران و صرافان دستگاه قضایی، "مطلوب" نیفتاده یعنی "ناسره" شناخته شده و خریداری نیافته است تا بتوانند با سپردن "التزام به حضور، با قول شرف" یا "التزام به حضور، با تعیین وجه التزام"، از پنجره مخوف زندان، دور شوند. نیز، در میان بستگان و یاران آنان، فردی نبوده است که آبرو و اعتبار او، "کفایت" آن را داشته باشد که از متهم های موصوف، "کفالت" کند و طبعاً، برای مقامات قضایی،

بقیه در صفحه ۱۸

مرگ بر مرده ها، زنده باد زنده ها

تفسیر سیاسی

یاد داشت ماه

انتخابات در ایران و ترفندهای گروه های حاکم بر ایران

تحصن

استعفاء

و ...

بیش از چند روز به شوی انتخاباتی برای انتخاب وکلای مجلس جمهوری اسلامی نمانده و شعبده بازیهائی که از مدت ها قبل شروع گردیده از طرف گروههای خودی جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. از رهبر جمهوری اسلامی و رئیس جمهور آن تا کارگزاران و بازیگران دیگر مردم را به شرکت گسترده در انتخابات فرا می خوانند، با قدری تفکر و تعقل این نتیجه برای هر فرد صاحب شعوری بوجود می آید که چرا خواسته همه جناحها ی به اصطلاح رقیب از مردم یکسان و همه آنان افراد اجتماع را به شرکت گسترده در انتخابات تشویق و ترغیب و در مواردی التماس گونه از مردمی که ۲۵ سال است بحقوقشان تجاوز کرده و کشورشان را بنابودی و ورشکستگی کشیده اند این چنین بی پروا برای استقرار حکومتشان می خواهند که بر ادامه فرمانروائی و چپاولشان صحه بگذارند. پاسخ بسیار روشن و واضح است. چه از رهبر گرفته تا رئیس جمهور، از مجمع تشخیص مصلحت تا شورای نگهبان و از قوه قضائیه تا مجلس شورا و از روحانیت مبارز تا روحانیون مبارز یک هدف مشترک دارند و آن ادامه حکومت بر مردم شرافتمند و با فرهنگ ایران در لوای حکومت جمهوری اسلامی است و بس، بقیه هیاهو برای گمراه کردن افراد است. بخاطر بیاوریم که این طبقه روحانی حاکم بر ایران برای رسیدن به مسند خلافت چه شعارهای فریبنده که بخورد مردم نداد و بیست سال است چه نقشها که برای ادامه حکومت نیافرید، از ظاهر کردن عکس خمینی در کره ماه تا موی ریش آن خدانشناس در سوره بقره قرآن، از دادن در آمد نفت سرانه برای هر خانواده ایرانی شب به شب تا آزادی و عدم تجاوز به حقوق هم میهنان - از تشکیل مجلس خبرگان تا ولایت فقیه از رنگ و روغن زدن به در و دیوار تهران و حیف و میل میلیارد ها تومان اموال عمومی تا دادن لقب سردار سازندگی به فردیکه از مسئولین درجه اول ورشکستگی کشور است. از دوم خرداد تا هجوم بساحت دانشگاه و از تشکیل گروه سازندگی تا حزب فرا گیر، از گروه روحانیت مبارز تا گروه روحانیون مبارز و حتی استفاده تبلیغاتی از مصیبت زدگان شهر بم و ...

و اکنون بقرار اطلاع در روزهای اخیر مردم را تهدید می کنند که اگر مهر انتخابات در شناسنامه آنها نباشد از مزایای کوپن محروم خواهند شد و استفاده از تخفیف ویژه برای خرید قبر در گورستان ها و ...

با این بازی گران حرفه ای چگونه بایستی مواجه شد؟

بنظر می رسد که ۲۵ سال شاهد و ناظر شامورتی بازی حاکمان فعلی ایران ما را به این نتیجه رهنمون شود که این رمل و اسطرلابها و گروه بازی ها جز چشم بندی و انحراف افکار عمومی هدفی نداشته . دسته بندیهای هیئت حاکمه منحصراً برای ادامه حکومت آنها آنهم بنام اسلام است و بس: اگر این مطلب روشن شود راه چیست و چه باید کرد؟ ما بعنوان کوچکترین ها نظر خود را چنین اعلام می داریم ـ توجه کنیم که گروه سازندگی و گروه دوم خرداد، روحانیت مبارز ، روحانیون مبارز، حوزه علمیه قم، جمعیت مؤتلفه اسلامی ، مجاهدین انقلاب اسلامی، وکلای مجلس شورای اسلامی، مطبوعات جناح چپ و راست، تشکیلات مقام رهبری، ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت ، مجلس خبرگان ، هیئت دولت، قوه قضائیه همه در دست یک طبقه کوچک روحانی از اجتماع ایرانند قشر ها وطبقات و اقوام و گروه های مترقی و ملی و ... که اکثریت قریب به اتفاق ملت ۷۰ میلیونی ایران را تشکیل میدهند از تمام مزایا و دخالت در سرنوشت خود محروم گردیده اند.

پیشنهاد ما به مردم شریف ایران این است :

۱- حکومت از دست یک طبقه خاص بایستی خارج و بعموم مردم طبق یک انتخابات آزاد منتقل گردد.

۲ - تا این گروه به مردم حکومت می کنند آزادی و انتخابات مردمی محال و غیر ممکن است.

۳ - عدم شرکت در انتخابات را یک وظیفه ملی می دانیم و با نه گفتن به این حکومت خودکامه و مردم فریب مشروعیت حکومت اسلامی را چه در داخل و چه در برابر افکار عمومی جهانیان متزلزل سازید. این نه بزرگ به مانند انفجاری سران و والیان مستولی بر ایران را سرنگون خواهد ساخت.

۴ - برای آگاهی دادن به توده های اجتماع، دانشجویان پیشرو بعنوان پرچم دار مبارزات مردمی وظیفه بس سنگینی مانند گذشته بعهده دارند.

۵ - سقوط حکومت خود کامه و استقرار حکومت ملی را یگانه راه دانسته و تا رسیدن بهدف از کار نه ایستیم.

سلام بر مردم ایران - درود بر دانشجویان پیشتاز راه آزادی - جاوید ایران

Support NITV

As we are not affiliated with any political groups, we are desparately in need of your financial support. Please forward your contributions in the form of cheque, direct deposit, credit card, and cash (in the order of preference) to any of the following:

For Direct Deposit in US
US Dollar Account
For Contributions in US Dollar Currency.City National Bank
21800 Oxnard Street, Woodland Hills, CA 91367
Account No: 022380923
Routing No: 122016066
Account Name: DARYA PRODUCTION For Direct Deposit in Europe
US Dollar Account

For Contributions in US Dollar Currency.Barclays Bank Plc
PO Box 391
Bowater House , 68 Knightsbridge , London SW1X 7BU
Account No: 88097011
Sort Code: 20-47-35 For Direct Deposit in Europe
Sterling Account

For Contribution in Pound Sterling, Euro or any other currencies, except US Dollar.Barclays Bank Plc
PO Box 391
Bowater House , 68 Knightsbridge , London SW1X 7BU
Account No: 80657174
Sort Code: 20-47-35 For Sending Cheques or CashNITV Head Office
16311 Ventura Blvd.
Suite 555, ENCINO, CA 91436
USAFor Supplying your Credit Card infoTel: +1-818-990-7888
Fax: +1-818-990-3488

Important Note:The above bank accounts to be used for contribution purposes only. These accounts are not to be used for purchasing of viewing cards, receivers, etc. Please contact your nearest NITV agent to obtain NITV satellite receiving equipment and/or viewing card.

مصاحبه با آقای علی بفروئی
دبیر کل جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

به مناسبت سالروز ۲۲ بهمن روز عزای ملی و انتخابات مجلس اسلامی ، مصاحبه کوتاهی با آقای علی بفروئی دبیر کل جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران انجام داده ایم که در زیر از نظر خوانندگان می گذرد.
با سلام خدمت شما امیدوارم که وقت شما را نگرفته باشم ، در رابطه با ۲۲ بهمن امسال و انتخابات مجلس شورای اسلامی می خواستم اگر نظر خاصی دارید. برای خوانندگان مجله بیان کنید.

علی بفروئی:

با سلام متقابل خدمت شما و همه همکاران خوب و زحمت کش شما و همه خوانندگان گرامی مجله بامداد ایران و بخصوص سلام و درود فراوان به هموطنان ارجمند و مبارزم که در طول سالهای گذشته ما را مورد حمایت های بیدریغ خود قرار دادند.

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران، ۲۲ بهمن را همه ساله با برگزاری تظاهرات در اکثر کشورها برگزار کرده است و امسال نیز با کمک حزب مشروطه ایران شاخه لندن و دیگر گروه های مبارز سعی خواهیم کرد که سالروز عزای ملی ایرانیان را هرچه با شکوه تر برگزار بکنیم. من از این فرصت استفاده می کنم و از همه دست اندرکاران گروه های سیاسی و مبارز ایرانی که در طول سالهای گذشته همه گونه از ما پشتیبانی کرده اند سپاسگزاری می کنم بخصوص حزب مشروطه ایران شاخه لندن، ایران پاد ، حزب ایران فردا و....

امسال را به فال نیک میگیریم چه مردم دلاور ایران با دقت بیشتری حرکات و دسیه بازی های رژیم منفور ولایت فقیه را دنبال کرده اند و من با صراحت می توانم بیان کنم که امروز دیگر اکثریت مردم ایران زمین شمارش معکوس برای سقوط این رژیم شیطانی که از هر فرصتی برای ادامه بقا نحس خویش استفاده می کند را شروع کرده اند.

امروز شاهد بودیم که این شیطان پرستان چگونه با مردم زلزله زده بم رفتار کردند. سران رژیم چگونه از این فاجعه مصیبت بار قصد استفاده های سیاسی را داشتند . این آقا زاده ها... ببخشید دزد زاده ها چگونه برای به انحصار گرفتن قراردادها جهت بازسازی این شهر مصیبت زده با هم به رقابت پرداخته اند و چه قول و قرار ها که درپشت درهای بسته و میز گردهای شورای نگهبان گذاشته نشده است. از همه جالب تر رقابت سپاه پاسداران و کمیته امداد امام خمینی است که هر کدام خود را قیم مردم مصیبت زده بم می دانند و می خواهند که همه کمک ها ی رسیده را در اختیار خودشان بگیرند امروز با گذشت هفته ها میبینیم که مردم شریف بم در چادرهای پاره، بدون بهداشت چگونه به زندگی مشقت بار تحمیل شده ادامه می دهند و این نمونه بارزی از بی توجهی مسئولین رژیم به جان و مال مردم ایران زمین می باشد. که ملت ایران با تحریم انتخابات می تواند پاسخ قاطعی به این جنایات رژیم بدهد و توجه داشته باشید که شاه زاده رضا پهلوی نیز با سخنرانی های بسیار مثبت و آینده ساز بخوبی و روشنی در باره این دوره از انتخابات و بازی های از پیش طراحی شده نمایندگان مجلس توضیحات کافی داده اند و بخصوص در این لحظه های بحرانی همانند ما و همه آزاد اندیشان در خط مقدم جنبش آزادیخواهانه ملت ایران به مبارزه خود ادامه می دهند . ما هر روز بیشتر از روز گذشته خود را با خط مشی ایشان نزدیک و نزدیک تر می بینیم چرا که ایشان در بسیاری مسائل از ما که خود را طرفدار یک حرکت ملی می دانیم، **ملی ترند** ، حرکت های ایشان مرا بیاد سخنان دوست خوبم آقای فرهاد مشیری می اندازد که همیشه می گوید : « **اگر شاهزاده رضا پهلوی را نمی شناختم فکر می کردم که ایشان طرفدار مصدق است و من مشروطه خواه**، چرا که در این موقعیت زمانی، ایران نیاز به افرادی دارد که چون مرحوم دکتر محمد مصدق و رضا شاه کبیر مرد صحنهٔ مبارزه باشند و این خصلت در چهره شاهزاده ، حرکات و سخنان ایشان به وضوح نمایان است ، ای کاش که مصدقی ها هم اندازه شاهزاده در باطن مصدقی بودند».

بامداد ایران:

اجازه می خواهم که برای آخرین بارجهت روشن شدن بعضی اذهان کج اندیش دو باره بپرسم که: آیا شما بعنوان یک گروه ملی و طرفدار آقای دکتر محمد مصدق، هیچ تضاد و مشکلی در راه همکاری با گروه های سلطنت طلب و مشروطه خواه و چپ نمی بینید؟

علی بفروئی:

مسلماً خیر ، توجه داشته باشید که امروز دکتر محمد مصدق در میان ما نیست و تنها چیزی که به نیکی از ایشان یادگار مانده ، تفکرات و آرامانهای این شخصیت مبارز و ملی می باشد و در حال حاضر با بررسی دقیق در رهنمودها و آرامانهای آن مرحوم است که ما را بر آن می دارد که با کلیه گروه های سیاسی مبارز و وطن پرست بویژه سازمانهای طرفدار شاهزاده رضا پهلوی همکاری نزدیک داشته باشیم.

من در اینجا از این فرصت استفاده می کنم و یک بار دیگر به همه افراد و گروه هایی که با سوءِ استفاده از نام آقایان دکتر محمد مصدق - جناب شاه زاده رضا پهلوی و یا نام های دیگر شخصیت های سیاسی ، برای خود دنیایی خیالی ایجاد کرده اند و رویای رسیدن به قدرت و پول و مقام را در سر می پرورانند، اعلام می دارم که از خواب غفلت بیدار شوند و به آغوش گرم ملت بزرگ ایران باز گردند. امروز وطنمان در خطر است. ما باید همه دست ها را بهم داده و از آرمان های مردم مبارز ایران دفاع بکنیم ما باید پشتیبان جنبش های مردمی بویژه جنبش های دانشجویی باشیم. به همین منظور ما اطلاعیه جدیدی صادر کرده ایم و از همه اعضاءِ و طرفداران خود خواسته ایم که همه گونه با گروه های مبارز همکاری نزدیک بکنند. متن فراخوان ۲۲ بهمن امسال ما یک اطلاعیه مشترک با حزب مشروطه ایران شاخه لندن است که ما از کلیه گروه ها ی مبارز و آزادیخواه برای شرکت در این تظاهرات دعوت کرده ایم. این فراخوان را در همین شماره به اطلاع خوانندگان گرامی می رسانیم.

بامداد ایران :

لطفاً موضع جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران در مورد انتخابات فرمایشی مجلس اسلامی را بیان دارید ؟

علی بفروئی:

موضع ما نظر ملت ایران است که اکثریت قریب به اتفاق آن را تحریم کرده اند. ما فکر می کنیم شرکت در انتخابات فرمایشی همان شریک شدن در قتل و عام مردم ایران، بویژه مردم مظلوم شهرستان بم و شهرک های بابک و خاتون آباد است. شرکت در این دوره از انتخابات همانند تائید همه جانبهٔ جنایت های رژیم جمهوری اسلامی است . بنظر ما و بنا بر شواهد زلزله بم یک قتل عام بود که رژیم با هشدارندادن بموقع آن به مردم بم ، سعی در استفاده روحی و تبلیغاتی از آن برای سرپوش گذاشتن بحرانهای داخلی را داشت.

بامداد ایران - من از شما بسیار تشکر می کنم که وقت خود را در اختیار مجله گذاشتید.

علی بفروئی - من هم از شما سپاسگزارم که این فرصت را به من دادید تا یکبار دیگر بعنوان دبیر کل جبهه با هم میهنانم رابطه ای نزدیکتر داشته باشم و به آنها بگویم که تا ما جان در بدن داریم آن را فدای خاک پاک میهن عزیزمان ایران خواهیم کرد، سر بلندی ملت بزرگ ایران و نجات مردم دلاور مان از دست این ددمنشان روحانی نما، تنها آرزوی ما اعضاءِ جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران است.

پیروز با د ملت بزرگ ایران
درود بر دانشجویان مبارز و در بند
و همه آزادیخواهان - پاینده ایران

از ما بپرسید؟

بعلت نزدیک بودن انتخابات و حرام بودن تحصن و استعفاء، تصمیم گرفته شد که این بار جواب های مسائل سوال شده از ما را بعلت کمی وقت بدون هیچ گونه دستکاری و یا سانسور عیناً از کتاب توضیح المسائل خمینی، چاپ قبل از ۵۷ در این بخش چاپ بکنیم.
امید است که توانسته باشیم قسمتی از خواسته های بر حق شما خوانندگان گرامی را برآورده کرده باشیم.

مسئول امور دینی
حاج شیخ اصغر حسینی

مسئله ۱۱۳ـ اگر انگور و آب انگور بخودی خود جوش بیایند حرام ولی نجس نیست مگر آنکه معلوم شود که مست کننده است و اگر بواسطه پختن جوش بیاید خوردنش حرام ولی نجس نیست .
مسئله ۱۱۴ ـ خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند پاک و خوردن آنها حلال است ، اگر چه احتیاط مستحب آنستکه از آنها اجتناب شود .
مسئله ۱۱۹ ـ اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند ، بنابر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب کند ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد از حرام جنب شود ، عرق او پاک است .
مسئله ۱۷۲ ـ غذای نجسیکه لای دندان مانده اگر آب در دهان بگردانند و بتمام غذای نجس برسد پاک میشود .
مسئله ۱۸۲ ـ اگر شکر آبشدهٔ نجس را قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند پاک نمیشود .
مسئله ۱۵۸۴ ـ جماع روزه را باطل میکند ، اگر چه فقط بمقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید .
مسئله ۱۵۸۵ ـ اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید ، روزه باطل نمیشود ولی کسیکه که آلتش را بریده اند اگر کمتر از ختنه گاه را هم داخل کند روزه اش باطل می شود .
مسئله ۱۵۸۶ ـ اگر شک کند که به اندازهٔ ختنه گاه وارد شده یا نه ، روزه او صحیح است و کسی هم که آلتش را بریده اند اگر شک کند که دخول شده یا نه روزه او صحیح است .
مسئله ۱۵۸۷ ـ اگر فراموش کند که روزه است و جماع کند ، یا او را به جماع وادار کنند ، روزه او باطل نمیشود . ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید ، یا دیگر مجبور نباشد ، باید فورا از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود ، روزهٔ او باطل است .
مسئله ۱۸۰۷ ـ اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند ، مال خود اوست و باید خمس آنرا بدهد .
مسئله ۱۸۰۸ ـ نصاب گنج بنابر احتیاط ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلاست یعنی اگر قیمت چیزیرا که بدست می آورد، بعد از کم کردن مخارجیکه برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد . بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد .
مسئله ۲۴۲۱ ـ صیغه کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است .
مسئله ۲۴۲۴ ـ زنی که که صیغه شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد .
مسئله ۲۴۱۶ ـ زنی که از شوهر اطاعت میکند اگر مطالبهٔ خرجی کند و شوهر ندهد میتواند در هر روز باندازهٔ خرجی آنروز بدون اجازه از مال او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند ، در موقعی که مشغول تهیهٔ معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست .
مسئله ۲۴۵۶ ـ اگر زن بگوید یائسه ام نباید حرف او را قبول کرد ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول میشود .
مسئله ۲۵۴۴ ـ اگر کسی زن خود را بدون اینکه او بفهمد طلاق دهد چنانچه مخارج او را مثل وقتیکه زنش بوده بدهد و مثلا بعد از یک سال بگوید یکسال پیش تو را طلاق دادم و شرعا هم ثابت کند ، میتواند چیزهائی را که در آن مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است از او پس بگیرد ، ولی چیزهائی را که مصرف کرده نمتواند از او مطالبه کند .

نامه ای از ایران

نامه ای از شهر مصیبت زده بم
حقیقتی تلخ از ظلم و ستم
حاکمان روحانی نما

نامه ای
از غریبی
به غریبی دیگر

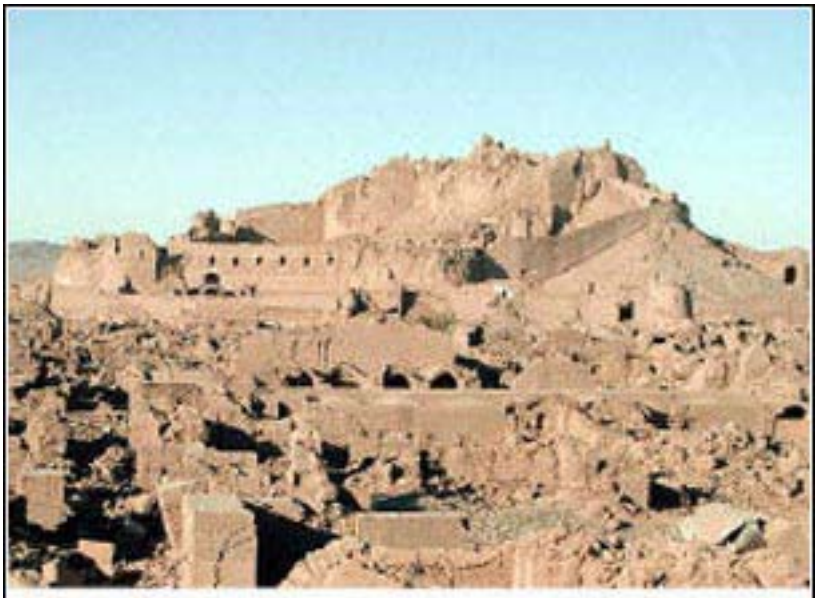

هم وطنم : سلام

دلم میخواد با تو هموطنی که تلاش کردی تا با دستان گرم و شیرینت از سردی و تلخی این فاجعه بکاهی درد و دل کنم !

آخه فقط یه هموطن می تونه درک کنه ، چقدر سخته که دختر ۳ ساله ات را ، دختر شیرین زبانت را ، دختری که تازه حرف زدن به صورت کودکانه شروع کرده را ، با دستان خودت به آغوش خاک بسپاری ... !

بهار من خیلی خوشگل و با مزه بود ، کاش امروز زنده بود تا خودش با شما حرف میزد تا می دیدید ! کاش الآن زنده بود تا عروسک بزرگی که قول داده بودم وقتی وضعم خوب شد میخرمش را براش میخریدم ... ! بهارم ، هنوز هم عروسک دوست داری بابا ... ؟ !

بابکم ، بابک پسر ۱۷ ساله ام را چه بگویم ، بابک همیشه می گفت : « بابا جون ، خوب درس می خوانم تا دکتر شوم بعد دیگه لازم نیست تو این همه کار کنی من خودم خرج دانشگاه بهرام و بهار را می دهم ...»

ولی بابکم کجاست ؟ می دونی او هم کنار خواهر و برادرش با دنیایی از آرزو آرام خوابیده است .

از همسر فداکارم چه خبر داری ؟ او کجاست ؟ همسری که می گفت : « اینقدر به خودت فشار نیار ، نگران هزینه دانشگاه بابک نباش ، اگر دانشگاه دولتی قبول نشد من کلیه ام را می فروشم تا بتوانیم هزینه دانشگاه آزادش را بدهیم .»

ولی امروز او هم ....

از کدام خویش و اقوامی برایت بگویم ، از کدامشان یاد کنم و نگریم که چه مظلومانه نابود شدند .

می خواهی از بهرام پسر ۱۰ ساله ام هم بدانی ؟!

با دست خالی و کلهٔ خون آلودم آوارها را کنار میزدم ، هیچ کس نبود که کمکت کند ، صدای گریه های بهرام را شنیدم که می گفت : بابا ، مامان ، داداش بابک کمک ! کمک...! با شنیدن صدایش قوی و قویتر میشدم آوارها را با چه بدبختیها کنار زدم ، وقتی در آغوش گرفتمش می لرزید ، گریه می کرد و مادرش را می خواست ...!

به دنبال خواهر و برادرش جستجو را ادامه دادم ولی ای کاش مرده بودم تا ببینم که ... !

وقتی بهار ، عزیز در دانه ام را بیرون کشیدم ،

بقیه در صفحه ۳۱

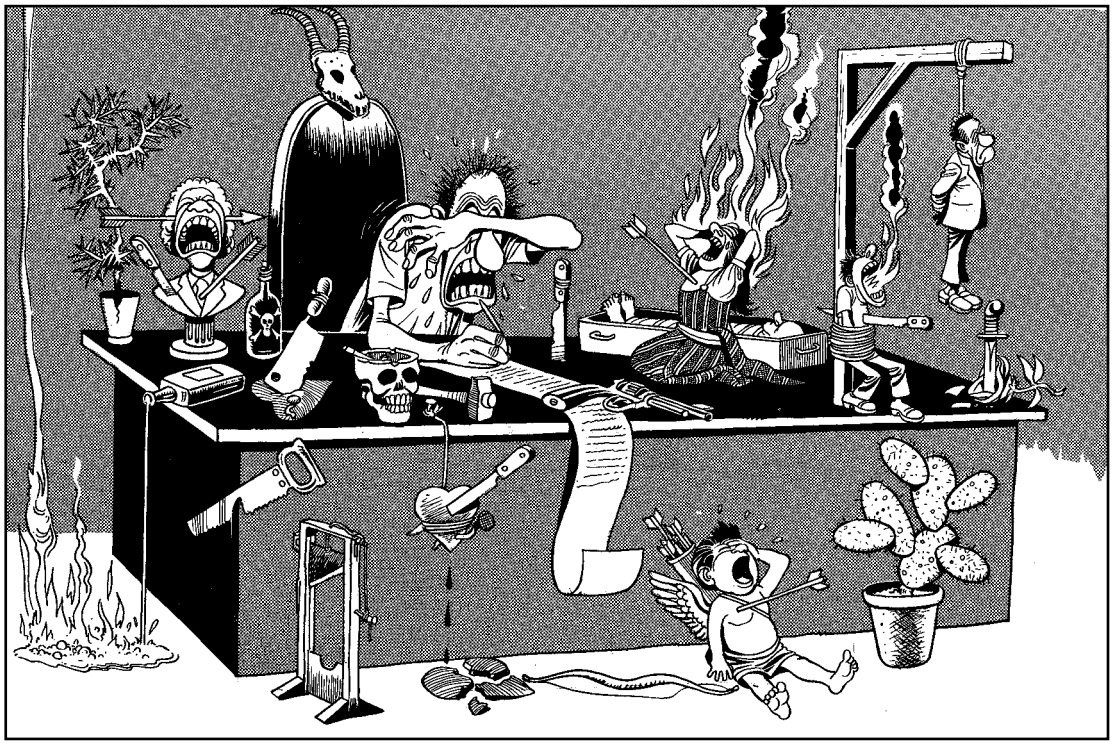

مصاحبه اختصاصی با قاضی مرتضوی

با سلام و صلوات فراوان از اینکه وقت گران بهای خود در اختیار ما گذاشته اید صمیمانه تشکر می کنم و خواهش می کنم که خود را برای خوانندگان مجله معرفی بکنید.

قاضی مرتضوی - از اینکه شما ما را دعوت کردید بسیار خوشحالیم چون همیشه این ما هستیم که روزنامه نگاران را به دادگاه دعوت می کنیم و بعد هم در زندانهای انفرادی برای آنها مهمانی میگریم و انواع نوشابه ها را بطور رایگان در اختیار آنها می گذاریم.

بامداد ایران - لطفاً برای خوانندگان ما توضیح بدهید که شما چرا از روزنامه نگاران دلخوشی ندارید.

قاضی مرتضوی - بنام خدا و بنام رهبر فرهیخته انقلاب، من باید به همه بگویم که این روزنامه نگاران هستند که خودشان پا از گلیم خود بیرون می گذارند و حرف هایی می زنند که باعث ناراحتی خاطر رهبر معظم انقلاب می شوند و بعد هم ما وظیفه داریم که از گل انقلاب حفاظت بکنیم در ثانی شما خودتان را در نظر بگیرید، در شروع صحبت و سئولات خود آیا نامی از رهبر انقلاب بردید؟ نه، اصلاً فراموش کردید که رهبری هم وجود دارد همین فراموشی شما باعث خواهد شد که بنده در پایان همین مصاحبه شما را هم به یک نوشابه کوکا کولا مهمان بکنم تا در فرصت های بعدی چنین، دچار فراموشی و تفکر های ضد انقلابی وارداتی نشوید و برای همیشه با دیدن شیشه کوکا کولا نام رهبر معظم انقلاب را با احترام بیان کنید. شما ها مثل بقیه هم صنفی های خود از جمله او زنیکه عکاس نیمه کانادایی و نیمه شیرازی فکر می کنید اینجا فرنگستان است از ما انتظار حرکات غیر مذهبی دارید.

بامداد ایران - حالا که خودتان اسم خانم زهرا کاظمی را عنوان کردید. لطفاً در باره اتهاماتی که بر شما وارد کرده اند کمی توضیح بدهید.

قاضی مرتضوی - بنام رهبر فرهیخته انقلاب، اولاً که موضوع ایشان مثل جریان آن پاک سازی زنجیره ای که شما ها آنرا قتل های زنجیره ای عنوان می کنید. مدتی است که دچار فراموشی شده و همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمان دادند و مانند همیشه به ما رهنمود دادند. ما پرونده ایشان را راکت اعلام می کنیم و دیگر بیش از این وقت گران بهای خودمان را صرف این گونه مسائل که موجب ناراحتی خاطر رهبر انقلاب می شود نمی کنیم.

بامداد ایران - اما موضوع ایشان هنوز یک بحث داغ و زنده از نظر مطبوعات می باشد و حتی آقای رئیس جمهور هم در این باره دستور عمل های صادر کرده اند.

قاضی مرتضوی - بنام رهبر فرهیخته انقلاب، اول باید برای آخرین بار به شما و همه روزنامه نگاران داخلی و خارجی از مسلمان و کافر بگویم که برای ما صحبت ها آقای رئیس جمهور هیچ گونه ارزشی ندارد و خیلی خودمانی به شما بگویم که ایشان بعضی وقت ها حرف های می زند که نباید بزند. در ثانی ما اصلاً کسی بنام و شغل رئیس جمهور نداریم ایشان کارش چیز دیگری هست (ملیجگ) که من در اینجا بخاطر مسائل امنیتی نمی توانم بگویم و حرف بزنم. ولی شما باید بدانید که حرف آخر و اول در این مملکت را فقط به فقط رهبر معظم و فرهیخته انقلاب می زند و بس و بقیه همه .... در پایان باید به شما بگویم که شما هم داری یوا ش یواش خودت را به مهمانی دعوت می کنی، ما تازه می خواستیم ازخانواده این خانم روزنامه نگار که ما هنوز نفهمیدیم که عکاس بوده یا روزنامه چی شکایت بکنیم ولی بخاطر مسائل انسانی از شکایت خومان صرفنظر کردیم.

بامداد ایران - شما شکایت بکنید؟

قاضی مرتضوی - بنام رهبر فرهیخته انقلاب و همه شهیدان جهان، بله بنده خودم از این خانم عکاس شکایت داشتم. بارها و بارها گفته ام که ایشان خودش سرش را که حجاب هم نداشت محکم بر ته کفش بنده زد و من هنوز پایم درد می کند آنهم نه یکبار بلکه صد بار. همه بچه ها شاهد هستند که بنده چه پادردی از همان روز گرفتم تازه هوس یک کاره های دیگری هم با ما داشت که نگو آنهم بدون صیغه. حالا اگر بخاطر این حمله ای که ایشان به بنده کرده اند، ما هیچ نگفتیم بد کردیم؟ ... تازه کفش های نازنین بنده را خونی کرده اند که آنهم نجس است. دیگر هم بیش از این در باره اش صحبت نکنید چون وقت رفتن به دادگاه است و بنده هزار کار دارم و باید لیست نمایندگان مجلس را که برای خشنودی رهبر در این بازی تحصن و ... شرکت دارند را از مهمانان دیگر جدا کرده و در اختیار بچه ها بگذارم. در ضمن به شما هم یک نصیحت می کنم و آن این است که در باره مسائلی که به شما مربوط نیست آنقدر چرت و پرت پخش نکنید و سلام ...

ای ایران ای مرز پر گهر

با عرض سلام و خسته نباشید حضور عزیزان و زحمت کشان جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران.

اینجانب -ت. م - مدتی است که برای پناهندگی به کشور انگلستان آمده ام و تقاضای پناهندگی داده ام.

در تاریخ ۲۹ / ۹ / ۲۰۰۳ مجله شمامربوط به فروردین ۸۲ را مطالعه کردم و از تمام مطالب آن لذت بردم. خیلی دوست داشتم هر روز نشریات شما را مطالعه کنم ولی در این شهر نمی توانم آنها را پیدا کنم و این تنها شماره هم توسط یکی از دوستان برایم فرستاده شده بود. با اینکه بیش از یکصد ایرانی وطن پرست در این شهر زندگی می کنند. خیلی دوست داشتم ادامه مطالب شما را مطالعه بکنم.

در حین مطالعه این مجله در صفحه ۸ به گزارش اجلاس سالانه جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران برخورد کردم و چند بار آنرا خواندم تا قسمت مصاحبه آقای ناصر انقطاع و خانم نسرین محمدی، که ایشان در مورد دانشجویان زندانی فقط به پنج الی شش نفر اشاره کرده است، در صورتی که همه می دانند چه تعداد زیادی از عزیزان دانشجو در زندان های رژیم ایران به سر می برند و گروهی از آنها حتی مثل برادران خانم محمدی نه سخنگو دارند و نه برای مرخصی به بیرون از زندان می آیند بلکه هنوز پدران و مادران آنها نمی دانند که آنها در کدام زندان هستند.

در زمره همین عزیزان همسر خود بنده زهره . ق که دانشجوی سال چهارم پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که در بیستم تیر ماه سال هشتاد و یک دستگیر و به مدت ۴۵ روز در بدترین شرایط و زیر شکنجه نیروهای به اصطلاح اطلاعات خواهران به سر برد و چون بچه پنج ماهه در شکم داشت زیر شکنجه سقط جنین کرد دادگاه انقلاب شعبه هشت قاضی نظیفی رای به آزادی او بصورت حکم تعلیقی داد که اکنون بعد از گذشت یکسال اینجانب با شکایت های پی در پی خود از وزارت کشور تا مقام به اصطلاح رهبری نتوانستم به نتیجه ای برسم. تنها نتیجه ای که گرفتم و جوابی که به من دادند اخراج من از وزارت دفاع و بازداشت خود من بود.

آیا این است جواب جوانان عزیز دانشجو؟

آیا این است دم زدن از حقوق بشر؟

آیا این است که زن حامله من زیر شکنجه ...؟

پس ای خانم نسرین محمدی لطفاً بدون اطلاعات و بدون تحقیقات سخنرانی نفرمایید، برادران و چهار پنج نفر دیگر تنها دانشجویان زندانی در ایران نیستند.

شماخانم نسرین محمدی حتماً خوب می دانید که بعضی از دانشجویان زندانی پس از سالها زجر و شکنجه تنها آرزوی دیدن یک لحظه ای خورشید را دارند چه رسد به مرخصی! آنها همانند برداران شما یک یکروز در میان به مرخصی نمی روند و تمام دنیا از هر گونه نقل و انتقال آنها با خبر نمی شود آنها اصلاً پزشک را نمی بیند چه رسد که به بیمارستان بروند و لثه های خود را معالجه بکند و یا با رسانه های گروهی خارج مصاحبه هم بکنند. به راستی بعد از این همه مدت لثه ای هم برای آنها مانده است که آنرا معالجه بکنند؟. در حقیقت خسارت مرخصی رفتن برادران شما را آنها با خون خود می دهند و صد افسوس که شما آنها را فراموش کرده اید .

چون این اولین نامه من به شما عزیزان زخمت کش در جبهه اتحاد ملی و میهنی بود بصورت خلاصه و چکیده نامه ای نوشتم، انشاءِ الله در آینده مطالب مربوط به شکنجه خود و همسرم و آن گروه از عزیزان دانشجو را که سالها است که رنگ آبی آسمان را هم ندیده اند را بصورت کامل برایتان ارسال خواهم کرد.

سپاسگذار شما

ت.م

کمی فکر کنیم!

یک روزنامه نگار انقلابی شاغل در ایران با پیرمردی از ساکنین زندان اوین مصاحبه می کرد:

روزنامه نگار: روز بخیر پدرجان، می خواهم سوالاتی در باره وضع شما در اینجا بپرسم، می توانید به من بگویید که چند سال دارید:

- ۵۲ سال

- چند سال است که شما ساکن اینجا هستید؟

- ۲۵ سال

ـ مذهب و ملیت شما چیست؟

ـ ایرانی مسلمان

- شما مثل یک انسان ۹۲ ساله بنظر می رسید، به هر حال پس شما زندگی قبل از انقلاب را دیده اید، آیا می توانید بگویید که در زمان آن چه مشکلاتی داشتید:

- ما فقط به دو چیز فکر می کردیم: آزادی بیان - درس خواندن

- به به، زنده باد، تصویر خوب و بسیار زیبایی را برای خواننده های ما ترسیم کردید، آیا می توانید یک چنین تصویر زیبایی هم از وضع حاضر ترسیم کنید؟

- بله، امروزه ما دیگر ایرانی مسلمان نیستیم ، به ما مسلمان ایرانی می گویند. ما فقط به سه چیز فکر می کنیم: گرسنگی،شکنجه و فریب خوردن، ولی امروزه باید بخاطرآنها مجازات بشویم ، به نماز جمعه برویم طبق بخشنامه و تشکر و حق شناسی هم بکنیم.

حزب ایران فردا

انتخابات فرمایشی

نه، نه، نه

خجالت نمی کشید، آقایان اصلاح طلب با شما ها هستیم، می شنوید؟!

چگونه می توانید حرف - آزادی، جامعه مدنی و دفاع از حقوق مردم را به زبان بیاورید در حالی که دیدیم به یک اشاره کوچک آقا، چگونه وقیحانه از صحنه ساختگی و دروغین نمایشتان فرار کردید.

آخر یک آدم (حسابی و نا حسابی که بجای خود) در میان شما نبود که از رهبر بپرسد: کدام آیه قرآن و یا کدام اصل قانون اساسی تحصن و استعفا را خلاف شرعی، قانونی و در نهایت حرام دانسته؟

شما ها که جرات پرسدن این سئوال را **حتی بصورت نمایشی** ندارید چگونه مدعی دفاع از حقوق مردم تحت ظلم آقای خویش هستید؟

اصلاً از کجا معلوم که آقا، فردا زنهایتان را نیز به شما حرام و خلاف شرعی و قانونی اعلام کند!... واقعاً که....

این نقش ها و دقل بازی های شما ما را بیاد سیرکی می اندازد که حیوانات هنرمندش جهت دریافت لقمه نانی و رضایت خاطر ارباب (آقا)، بصدای شلاق آقا پاسخ مثبت می دهند.

سخنان
تاریخی امام

این مطالب فقط بمنظور شناسائی چهره واقعی خمینی و دروغ پردازی ها ی او و آشنائی جوانان با سطح فکر و افکار این ویرانگر که نه تنها تمامیت ایران بلکه اسلام را با تفسیرنادرست خود و مزدورانش بر زیر سئوال برده است چاپ می شود .

حفظ وحدت کلمه یک تکلیف الهی است

دنبال این مطلب آن چیزی که مهم است این است که باید تمام جناح مرجعیت وعلمیت تا جناح ارتش، تا جناح بازاری ، تا فرهنگستانی، تا دبیرستانی ، تا دانشگاهی، تا بیابان نشین ها ، تا کوخ نشین ها ، تمام اینها باید تفکر کنند ومورد تفکر خودشان قرار بدهند وسران قوم باید روابط داشته باشند، باهم، متفرق نباید باشند، امروز روزی نیست که شماها باتفرقه کار انجام بدهید ، اگر چنانچه تفرقه داشته باشید تا آخر همین هستید و از همین بدتر. تکلیف است، تکلیف الهی است باید با هم باشید، بای این جناح ها روابط زیر زمینی با هم داشته باشند بزرگانشان ، باید آشکارا نباشد، زیرزمینی باشد روابطشان، اماروابط داشته باشند که اگر یک وقتی بنا شد صحبت کنند همه صحبت کنند، اگر یک وقتی بناشد که چنین کنند، همه چنین کنند ، اگر یک وقتی بنا شد ساکت باشند، همه ساکت باشند، دست واحد باشند، نه متفرقات که یکی حزب بخواهد درست کند، آن یکی مثلاً فرض کنید چه درست کند، این صحیح نیست ، ما همه باید ید واحد باشیم، مسلمین باید ید واحد باشند، اگر مسلمین ید واحد باشند کسی نمی تواند مقابل این جمعیت قیام کند، هیچ غلطی نمی توانند بکنند ، نه اینها ، ممالک دیگر هم غلطی نمی توانند بکنند اگر اینها ید واحد باشند.

همه مکلفیم که بر ضد شاه قیام کنیم

لکن آنها تفرقه می اندازند و ما هم باور می کنیم ، باید این باورها را کنار گذاشت ، باید این ظاهر الصلاح بودن اینها را کنار گذاشت ، باید این سالوسی که هر سال یک دفعه یا دو دفعه به مشهد می رود و مقابل حضرت می ایستد و(باید دید حضر ت چه می گوید به این آدم ، خدا می داند اگر حضرت زنده بود او را راهش نمی داد، مگر می شود این فاسد و فاجر را حضرت رضا راه بدهد؟ یک آدم قاتل جانی را راه بدهد؟ لکن حالا ایشان که نیستند) یک آخوندی هم می برند تعریف می کند و هیاهو می کند و انیها که مردم همه به اعلیحضرت چه دارند و فلان و خودش هم رفته در یک جای دیگر ببین چه کرده. چه حرف هایی ! .

باید روابط باشد، باید کارهای شما روی روابط و ضوابط باشد، باید روی یک برنامه باشد کارهای مسلمین ، باید احزاب باهم دست به هم بدهند، این حزب کذا و آن حزب کذا، آن حزب کذا، هر که برای خودش کار بکند، نباشد، باید انگشت روی جانی بگذارند اگر می شود به صراحت، اگر نمی شود با تلویح و اگر هم نمی شود جنایت را به کسی دیگر متوجه نکنند، همین بگویند جنایت هست، « دولت این کار را کرده» دولت چیست ؟ « شهربانی این کار را کرده » شهربانی چیست بیچاره ؟ همین دیروز، پریروز، دیروز بود که بعضی

بقیه در صفحه ۱۷

بتاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۴۱

بسم اللّه الرحّمن الّرحیم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

پس از اهدا و تحیّت و دعا به طوری که در روزنامه ها منتشر شده دولت در انجمن های ایالتی و ولایتی، اسلام را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده و به زن ها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است . مستدعی است امر فرمایند مطالبی را که مخالف دیانت مقدّسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگوئی ملّت مسلمان شود.

الّدعاعی - روح اللّه الموسوی (خمینی)

صحیفه نور- سازمان مدارک انقلاب اسلامی جلد اول صفحه ۳۷
کتاب پدر و پسر- محمود طلوعی صفحه ۷۲۳ چاپ سوّم تهران ۱۹۹۳/۱۳۷۲
الّداعی «دعاگو»

یک خبر بد به دنبال یک خبر خوب

سازمان بهزیستی در اواسط سال جاری از اجرای طرحی خبر داد که بر اساس آن تمام زنان خانه دار بالای ۱۸ سال می توانند ماهی ۵ هزار تومان به مدت پنج سال به این سازمان بدهند و پس از پنج سال ، تا پایان عمر خود مبلغی معادل پنجاه هزار تومان به شکل ماهانه از این سازمان دریافت کنند . ظاهر این طرح بسیار خوشایند بود و بسیاری از زنان خانه داد را امیدوار می کرد که پس از پرداخت ۵ ساله ، برای همه عمر از حقوق ماهانه برخوردار خواهند شد . به این ترتیب یک عروس ۱۸ ساله می توانست تا بیست و سه سالگی ماهی پنج هزار تومان به سازمان بهزیستی بدهد و مطمئن باشد تا پایان عمر خود ماهی ۵۰ هزار تومان از این سازمان خواهد گرفت .

اینکه چگونه چنین کاری ممکن است را مسئولین سازمان بهزیستی چنین توضیح می دادند که در حقیقت از راهکاری که در شرکتهای بیمه انجام می شود ، این پولها از زنان خانه دار گرفته می شود و دولت هم هر ماه معادل همین مقدار به شرکت بیمه کمک می کند تا شرکت بیمه بتواند از عهده چنین کاری بیرون آید . اما رئیس سازمان بهزیستی ، چند روز پیش در برابر سئوال یک خبر نگار که از او دربارهٔ سرانجام این طرح پرسید ، چنین گفت :

متأسفانه دولت که قول داده بود بخشی از این طرح را با کمک به شرکتهای بیمه تأمین کند ، تنها توانسته است نیم در صد پولی که قرار بود در اختیار شرکتها قرار دهد تأمین کند !! و از پرداخت ۹۹/۵ در صد از این مبلغ خودداری کرده است و به این ترتیب معلوم نیست که انجام این طرح تا چه زمانی به تعویق بیفتد .

ظاهرا زنان خانه دار فعلا باید همچنان به آنچه شوهرانشان به عنوان خرجی به خانه می آورند قناعت کنند و دعا کنند که ... !

ما از دست شورای نگهبان هم شکایت داریم:

آهای شورائی ها مگر نشنوید که آقا گفتند تحصن و اعتراض نمایندگان خلاف شرعی و حرام میباشد !

پس چرا نمایندگانی همچون نمایندهٔ تبریزکه مرتکب این خلاف شرعی شده و در تحصن نمایندگان مجلس شرکت کرده را تأئید کرده اید ؟مگر شما آقا را آدم حساب نمی کنید ؟آهای برادر فلاحیان ، برادر سعید عسکر کجایید تا ببینید که این کافران برای اماممان تره هم خرد نمی کنند ؟

.....

از نماینده تبریز سئوال شد:

برادر گرامی ، شورای نگهبان که شما را تائید کرده ! پس چرا همچنان در مجلس به تحصن روی آورده اید ؟

ایشان در جواب فرمودند : خب ، من هم برای همین تحصن کردم ، آخه قرار بود مرا هم اول مثل بقیه برادران رد صلاحیت بکنند و بعدش به دستور رهبر و با مداخلهٔ او همه چیز درست شود . ولی با این اشتباه لپی که شورای نگهبان کرده و مرا زود تائید کرده ، حالا من دیگه چگونه رای بیاورم ؟

احمد باطبی
و دیگر یاران او هنوز
اسیر دژخیمان هستند.
ملت قهرمان ایران
با شرکت در تظاهرات
از زندانیان سیاسی و
دانشجویان مبارز
جنبش آزادیخواهان
دلیران ایران زمین
حمایت کنید.

اتحاد - مبارزه - پیروزی

برای آگاهی از
آخرین اخبار
و گزارش های مستند
از سایت اینترنت
جبهه
اتحاد ملی و میهنی ایران
دیدن کنید

www.ufin.org

خطبه های نماز جمعه پ . ف . پایا

حاج شیخ اصغر حسینی ، لندن، ژانویه ۲۰۰۴

نغمهٔ آزادی انتخابات،

حیله ای برای انحراف اذهان از مسیر اصلی حرکت

اخیراً دولت نغمهٔ ناموزونی را به راه انداخته است مبنی بر آزادی انتخابات ، در صورتی که وقت آن یک ماه دیگراست و این نغمه قبل از ماه مبارک ذلحجه برای انحراف اذهان از مسیر اصلی حرکت است که خوف افشاء هرچه بیشتر جنایات رژیم ولایت فقیه در این ماه در مساجد ، مجامع اسلامی و ملی می رود. ملت باید بداند که این حیله جز نگهداری ولی فقیه از تعرض گویندگان و پرخاش جوانان غیور ایرانی نیست و لازم است گویندگان محترم ، روحانیون معظم ایران و دانشجویان شدیداً از آن احتراز کنند و باید بدانند که خیال انتخابات آزاد با برقرار بودن قدرت شیطانی ولی فقیه امری موهوم است و جز صحنه ای شیطانی برای قانونی نمایش دادن انتخابات در دنیا نیست و تا قدرت طاغوتی ولی فقیه و دارو دسته اش برقرار است دیگران نمی توانند حتی یک وکیل انتخاب کنند و اینجانب قبل از انتخابات کلمهٔ خود را خواهم گفت:

نه، نه نه ، نه

تلاش ولی فقیه برای جایگزینی مهره های خویش در صفوف مبارزین

اکنون که ولی فقیه خود را دربین ملت شکست خورده و زبون می بیند به صحنه سازی هائی دست زده است ومی خواهد افرادی را که چندین سال است با مقاصد شیطانی ولی فقیه همراه و به تغییر احکام اسلام وتغییر تاریخ پر افتخار ایران به تاریخ عربها و پول پرست ها رای داده اند ، ملی جلوه دهد تا در موقع حساس با نفوذ در صفوف دانشجویان مبارز مأموریت شوم خود را با چهره ای ملی اجرا نمایند و دانشجویان و مردم مبارز باید آنان را به جامعه معرفی نمایند . باید دید چه تغییری در نظام ولی فقیه پدید آمده است که نمایندگانش، اینان تا دیروز دست بوس بودند و چاکر و امروز مخالف و باید ملت شریف هشیار باشد که این مهره های خطرناک، خود را در بین آنان جانزنند.

رسیدگی به وضع بازماندگان شهدای شهر بم

تقاضای اینجانب از ملت شریف و متعهد ایران آنست که با کمال اهمیت و دلسوزی اقدام به بررسی کشته شدگان وخانواده های آنان کنند و به هر ترتیبی که می توانند سرشماری از کشته ها با نام و نشان نمایند و مارا مطلع کنند و به بازمانگان آنان سرکشی برادرانه نمایند و از آنان دلجوئی کرده و سلام من را که در سوگ آنان است به همه برسانند و تأثرات اینجانب رابه مردم ابلاغ کنند و به کسی که در مرگ عزیزش احتیاج مادی دارد لازم است به بهترین وجه کمک شود و خواسته آنها برآورده شود یا هر چه زودتر به من مراجعه شود تا با تمام طاقت به آنان رسیدگی نمایم.

نهضت ملی، دانشجوئی و مردمی را ثبت کنید تا سرمشق جوامع و نسل های آینده گردد

لازم است برای بیداری نسل های آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت ملی بپردازند و قیام ها و تظاهرات مردم ایران را در شهرستان های مختلف با تاریخ و انگیزهٔ آن ثبت نمایند تا مطالب ملی ونهضت‌دانشجویان سرمشق جوامع و نسل های آینده شود. ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همهٔ ما به روشنی اتفاق افتاده است دنبال می کنیم، فرصت طلبان و منفعت پیشگانی را می بینیم که با قلم و بیان بدون هراس از هر گونه رسوائی ، مسائل ملی ونهضت دانشجویان را برخلاف واقع جلوه می دهند ، به حکم مخالفت با اساس نمی خواهند واقعیت را تصدیق کنند و قدرت مردم را نمی توانند ببینند و شکی نیست که این نوشتجات بی اساس به اسم تاریخ در نسل های آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت روشن شدن مبارزات اصیل مردمی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تاکنون و رویدادهائی که در آینده اتفاق می افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و عالمان متفکر و متعهد بدان بپردازند. درست آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسل های آینده مبهم می باشد و تاریخ ، روشنگر نسل های آینده است و امروز قلم های مسموم درصدد تحریف واقعیات هستند، باید نویسندگان امین این قلم ها را بشکنند.

تلاش کنید که جنایات و ستمگری های رژیم خونخوار ولایت فقیه بیان و تفسیر گردد

حضرات ائمه جماعت محترم دامت برکاتهم گویندگانی را دعوت نمایند که معتقد و علاقه مند به نهضت ملی و با هدفی اصیل روشنگری مردم را بر عهده گیرند و از دعوت وعاظ السلاطین و اشخاصی که به نفع دستگاه جبار ولایت فقیه، دانسته یا ندانسته مطالبی را انتخاب می کنند دوری و احتراز کنند و فداکاری در راه ایران و مصالح مردم را در رأس برنامه خود قرار دهند.

۶ سخنرانی خمینی از کتاب دکتر لندنی

پ. ف. پایا

۱۸ تیر

باید سرلوحه قضایا و مبدأ تفکر باشد

ما یک چنین زندگی داریم، ما یک چنین تمدن بزرگی داریم که قبل از آمدن ۱۸ تیر جوان های مارا می گیرند حبس می کنند، قانون جنگل هم معلوم نیست این جور باشد ، مغول هم که این جور نبوده ، حال اینکه آنها هم یاسا داشتند و هم ساواما، قانون داشتند، به چه قانونی باید گرفت فلان را به چه قانونی باید کشت فلان را به چه قانونی باید چه کرد شما که مردم را می کشید، بی قانون می روید منزل علمای اسلام، تا یک کسی بلند می شد که ما کاری نکردیم، بعد مردیکه می زند، می کشد یکی هم نیست که بگوید چرا؟ ۱۸ تیری که، جنایاتی که این مرد در ۱۸ تیر کرد معلوم نیست در تاریخ نظیرش اتفاق افتاده باشد (الا نادر) که مردم بیگناه را همین طور درو کردند، اشخاصی که دیده بودند می گفتند، می گتفند که همین طور می آمدند ، این کامیون ها می آمدند، این زرهپوش ها همین طور مردم را درو می کردند و می ریختند توی خیابان ها. این ۱۸ تیر را نمی گذارند یک کسی آه بکشد برای آن ، لکن ملت ایران نباید این ۱۸ تیر را از یاد ببرند، خوب ۱۸ تیر باید زنده بماند ، این جنایتی است که آثارش باید محونشود، حالا بحمد الله به دست خودشان یکقدری دارد زنده

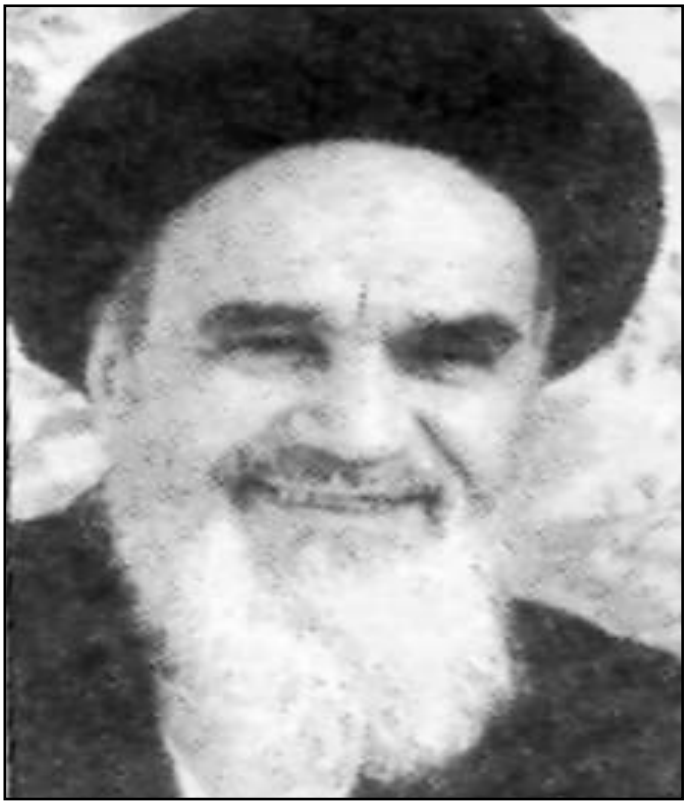

می شود برای اینکه همین جلوگیری و همین آدم گیری وهمین ها زنده می کند ۱۸ تیر باید زنده بماند ، این جنایتی است که آثارش باید محونشود، حالا بحمد الله به دست خودشان یکقدری دارد زنده می شود برای اینکه همین جلوگیری وهمین آدم گیری وهمین ها زنده می کند ۱۸ تیر را. ملت ایران نباید ۱۸ تیر را از یاد ببرند و نباید هیچ یک از این جنایاتی که از۱۸ تیر به این طرف شده است و جلوترش به دست خامنه ای و رفسنجانی این شده است نباید هیچ باشد. نباید ملت ایران آنها را از یاد ببرید، اینها باید سرلوحهٔ قضایای آنها باشد برای اینکه مبدأ تفکر باشد، باید سران قوم تفکر کنند در این امور ، ۱۸ تیر را باید حفظش کنند، می توانند با جار و جنجال و هیاهو وتظاهرات ، نمی توانند با مقاومت منفی و بیرون نیامدن از منازل ، اگر می بینید که اینها مثل گرگ به جان مردم افتادند و جوان های اینها را می خواهند بکشند، در منازل بمانند در انتخابات شرکت نکنند این یک وظیفه شرعی است بر گردن شما مردم مسلمان ، یک جور تنفر است از این رژیم و از این آدم که خودش به خودش خدا خطاب می کند.، اعتراضاً در منزل بمانند، اگر می توانند تظاهر کنند اما از یاد نباید برود، باید این زنده باشد و انشاءِ الله از یاد هم نمی رود.

انشاءِ الله این انتخابات گوش کر همه خارجی ها و اجنبی ها را هم بیدار کند تا همه بدانند که ۱۸ تیر را فراموش نکنند و اگر دوباره خر شوند و رای دادید، دیگر نگوید که ما به شما نگفتیم. شما مگر کور هستید.۱۸ تیر را یادتان نرود من با آن روی حرف با مردم شهر بم هستم دیدید که چگونه شما ها را به کشتن دادن. روی سخن من با مردم شهرک بابک است شما بم و ۱۸ تیر را یادتان رفت. شما خودتان خود را جلوی گوله انداختید.

نگوید چرا ملت ایران آنها را از یاد نمیبرد

والسلام علی من اتبع الهدی

روح الله الموسوی الخمینی

بقیه از صفحه ۱۳

آقایان آمده بودند

گفتند که ۱۷ نفر از اینهائی (حالا یا صاحب منصب بودند یا کسان دیگری) که آوردند به قم برای جنایت ، ۱۷ نفرشان قایم شدند و از قرار مسموع این گردشی که کردند در قم و تفتیش که از همه جا کردند از برای پیدا کردن این مسلحین بوده است ، اینها با اسلحه قایم شدند . الان در ارتش هم همین طور است، شما خیال می کنید ارتش دل خوشی دارد از اینها ؟ کسی که زمام همهٔ ارتش را بدهد به دست چهار نفر امریکائی ، مستشار امریکائی که همهٔ جهات در دست آنها باشد، این بیچاره همه در تحت فشار باشند، اینها دل خوشی دارند؟ مگر اصلاً غیر تمند نباشند و الاّ اگر کسی غیرتمند باشد دل خوش نمی تواند داشته باشد، نباید اینها هم ساکت با هم روابط داشته باشند ونقشه بکشند برای زوال این آدم. ملت اسلام و ملت ایران با این آدم آشتی نخواهد کرد، اگر یک کسی بگوید آشتی، این خائن است ، آشتی نخواهند کرد با این ، نه هیچ ملائی آشتی با این می کند و نه هیچ کافری آشتی می کند و نه هیچ مسلمانی آشتی می کند، راه آشتی نمانده است، خوب چه راهی گذاشتند برای این ؟ اینهمه جوان های ما را کشتند ، باز هم آشتی ؟ اینهمه به مقدسات ما توهین کردند، باز هم آشتی؟ آشتی چیست؟ ما آشتی نداریم، دروغ نسبت می دهند به آقایان عظام، دروغ نسبت می دهند، کسی آشتی ندارد با آنها و امکان ندارد یک همچو چیزی ، یک ملتی که همه چیزش به باد رفته است، حیثیت و جهات معنوی و مادیش به باد رفته است و همه را این آدم به باد داده است، خوب چطور آشتی بکند با این ؟ همانطوری که یکی از بزرگان سیاسیون گفته است که یکی از دو راه دارند مسلمین ، ایرانی ها، یا آزادی یا بودن این ، یا باید اختیار کنند بودن این را و همین طور تا آخر تحت فشار باشند و یا باید اختیار کنند آزادی را و این را بیرونش کنند و چون آزادی را حتماً خواهند اختیار کرد پس این را حتماً انشاءالله خواهند بیرون کرد. تکلیف هست آقا

برای همهٔ ما - یک چیزی نیست که - تکلیف است، تکلیف الهی است، یک ملتی همه چیزش را دارد از دست می دهد و از دست داده است ، اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است ، باید شما محکم به این امر باشید والا « فلیس به مسلم» . این از اموری است که لازم است بر همهٔ ما، همه مکلفیم که این کیان اسلام را در ایران حفظ کنیم. این آدم نه با اسلام خوب است و نه با قرآن خوب است و نه با حضرت رضا خوب است، کسی که با اسلام آشنائی داشته باشد این طور جسارت ها نمی کند، ما همه مکلفیم که بر ضد این قیام کنیم، قیام قلمی ، قیام قولی ، هر وقت هم شد قیام به سلاح ، هر وقت ، وقت پیدا کردیم اول کسی که سلا ح را به دو شش بگیرد خود منم اگر توانستم، هر وقت هم نتوانستم حرف می زنم، صحبت می کنم.

همه حیثیات ایران یک حیثیت انگلی است

بعد از اینکه همه این چیزها، همه مراتع ما را از بین بردند (قریب ۴۰ هزار نوشته است) قریب ۴۰ هزار قنات خشک شده است در ایران برای اینکه این سدها را که بستند یا چه کردند، این قنات ها خشک شده است و قهراً وقتی قنات ها خشک شد زراعت نمی شود، وقتی زراعت نشد مردمش کوچ می کنند و می آیند به فقر وفلاکت در تهران یا در یک شهر دیگری و تعمد در این کار هست که مردم را جمع کنند در شهرها که مبادا در دهات مخالفت شروع بشود و دهات مشکل است مهارش . آنهائی که یک نحو شم سیاسی دارند، می گویند مسأله این است که می خواهند کوچ بدهند دهاتی ها را ، کوهستانی ها را، بختیاری ها را که در کوهستان هستند - عرض می کنم که - بلوچ ها که در صحرا و کوهستان ها هستند ، اینها را می خواهند کوچ بدهند به شهرها تا بتوانند کنترل کنند اینها را یعنی هر وقت اینها بخواهد صدایشان در آید با توپ و تانک بتوانند اینها را کنترل کنند، اما اگر چنانچه در جاهای مرتفعات باشند اینجا نمی شود کنترل کرد، یک وقت می بینی تمام قشرها بر خلاف قیام می کنند و آنوقت سرایت می کند به همه جا ، حالا یا این است نکته اش ، یا نکتهٔ « استفاده » است که همه را به دست چپا ولگری های شرق و غرب بدهند ، هر چه هست الان وضع ایران یک وضعی است که نظیر نداشته است یعنی اگر از حیث جنایات، آدمکشی و اینها نظیر داشته از

بقیه در صفحه ۲۰

بیقیه از صفحه ۴

گزیری نمانده است جز آنکه از تأمین های قانونی باقیمانده، یعنی "وثیقه" یا "بازداشت موقت" استفاده کنند!

می توان گفت که کارگیری از تأمین "بازداشت موقت" نیز، که به لحاظ داشتن برخی شرایط ویژه، گهگاه به "بازداشت موقت دایم" تعبیر می شود، (و نظایری هم داشته است!) بنا به ملاحظاتی خاص، خیلی رایج و متداول نیست، از این رو، مقامات قضایی، ناگزیر می شوند که به همان تأمین "وثیقه" بس کنند.

اما این تأمین "وثیقه" نیز برای خودش داستانی دارد و برحسب شرایط و اوضاع و احوال و شخصیت متهم، از "سنگین سنگین" تا "سبک سبک"، در نوسان است و از شوری بخت، اکثراً نوع نخستین، یعنی "سنگین سنگین" آن، نصیب همان چندگروهی می شود که پیشتر، نامشان گذشت و اتفاقاً، همین سنگینی و ناهنجاری تأمین است که به سادگی، درهای زندان را، به روی آنان می گشاید و می روند به آنجا که "عرب، نی انداخت"!

جای گفت وگو نیست که اگر متهم، در شمار "از ما بهتران" باشد توانایی مالی و "ملائت" بسنده داشته باشد، و بتواند وثیقه ای را که از او خواسته شده است، بسپارد، نباید نگران شود، مثلاً برای کسانی که "کاسب" حبیب الله هستند و از این راه، با "عرب و عجم"، زدوبند دارند و دستشان برای تصرف و تبذیر منال عمومی (اصطلاحا بیت المال = بیت الما) باز است، و به "دیگر سخن، ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند" تا دنیا به تمام این موجودات "خدا دوست داشته بگردد و به مدد "کدیمین" و "عرق جبین"! و از راه "کسب حلال" و تلاش بی زوال، "نانی به کف آرند و صد البته، "به راحت بخورند" سپردن چندین "میلیارد" وثیقه، مانند آب خوردن است و یک ساعت هم در زندان نمی مانند که گفت: "هر که پایندان او شد وصل یار/می نترسد از گزند روزگار" اما برای یک دانشگاهی "حقوق بگیر" یا یک مطبوعاتی "یک لاقبا" یا یک دانشجو، که با "پول جیبی" گذران می کند یا...

"البته واضح و مبرهن است" که سپردن وثیقه "چندصد هزار تومانی" هم، دشوار و توانفرسا است که: "در خانه مور، شبنمی، توفان است"! و اگر تنها متاع اینگونه کسان، که "شرافت" و "حیثیت اجتماعی" شان است، به فریادشان نرسد (که نمی رسد)، راهی جز مسیر زندان پیش پای خود نمی بینند و جایی جز "چاردیواری" زندان، سزاوارشان نیست:

"زر ندارد بنفشه، چون نرگس
قامتی، زان، همیشه، خم دارد"!

یکی از صفات قابل توجه این وثیقه ها، "کشدار" و "پایدار" بودن شان است، به این توضیح که کمتر اتفاق می افتد، شخص که از او، تامین وثیقه خواسته شده است، بتواند به فوریت و سادگی، وثیقه را بسپارد و آزاد شود و تا جائی که می دانیم، مقامات قضائی، به آن آسانی که انتظارش می رود و در قانون پیش بینی شده است، به هر علت متصور، از پذیرفتن وثیقه متهم (که معمولا ملکی است نه نقدی)، خودداری می کنند و متهم بی چاره، مجبور می شود به اصطلاح "به علت عجز از تودیع وثیقه" مدتها در زندان و گاه در سلول تنگ و تاریک "انفرادی" بماند و در انتظار "کمک خدا"، دقیقه شماری کند!

اما مهمترین مزیت تامین وثیقه بر تامین بازداشت

موقت، این است که در تامین بازداشت موقت، قانونا مواعدی برای "اعتراض" متهم پیش بینی شده است یعنی پس از آنکه متهم به قرار بازداشت خود، در موعد مقرر، اعتراض کرد، پرونده به "دادگاه حل اختلاف" می رود و اگر "بخت" با متهم "یار" باشد (که اتفاقی است کمیاب!) دادگاه قرار بازداشت او را "فسخ" می کند و در آن صورت قاضی صادر کننده قرار بازداشت موقت، مکلف است ازمتهم، تامین دیگری بخواهد ولی در تامین "وثیقه" دست قاضی، از هر جهت باز است و او، می تواند بدون "آقا بالاسر" و دغدغه خاطر، درکار خودش "فعال مایشاء" باشد و تا هر وقت که بخواهد، "قبول وثیقه" را، به تاخیر بیندازد و متهم را، در زندان نگهدارد!

بازی کردن مراجع قضایی، با تأمین خواسته شده از متهم، با همه بدی و دلازاری اش، متأسفانه یک شیوه و شگرد قدیمی است و معمولاً مراجع تحقیق قضایی، اگر به علل یا دلایلی، می خواسته اند متهم را، مدتی کوتاه یا بلند، در زندان نگه دارند و آزاد نکنند، برای قبول تأمین متهم، بهانه تراشی می کرده اند و اکنون هم، چنین کاری، در دستگاه قضایی، کالایی است رایج و متعارف!

ساده ترین تعبیری که در این باره می توان کرد، این است که پنداری قضات تحقیق، برای پرهیز از تصمیم "بازداشت موقت" و تبعات ناگوار آن، تأمین "وثیقه" را، جایگزین کرده اند و که "انعطاف پذیر"تر است و در مقام "مواخذه" و "محاکات"، گریزگاه"های بیشتری دارد که مهمترین آنها، انداختن گناه به گردن شخص متهم یا بستگان او است که از سپردن وثیقه "مناسب" یا "ارزنده"، خودداری کرده اند!

هنگامی که کسی، از بیرون، به این رفتار مقامات قضایی می نگرد و از رفتار بعضی از قضات تحقیق درباره برخی از متهمان و "بازداشت"های "متصل به محکومیت"، که درباره آنان، روا داشته می شود، آگاه می گردد، طبعاً حق دارد این طور تصور می کند که در حقیقت، صدور "قرار تأمین وثیقه" از طرف قضات یاد شده، یک "آلت سرکوب" و اضمحلال متهمان بخت برگشته است که هرگز با معیارهای قانونی و فلسفه حقیقی "اخذ تأمین" که مسلماً غرض از آن، "محدودیت محترمانه" متهم بوده است و هست، سازگاری ندارد.

کوتاه سخن اینکه، چنین رفتارهای سخت گیرانه و بی ضابطه و قاعده، ولو آنکه به شمار اندکی از قضات نسبت داده شود، مآلاً، حیثیت و اعتبار تمام دستگاه قضاییه را به چالش می کشاند و چهره همه این سازمان عظیم و عزیز را، لکه دار و کدر می گرداند و اگر به این حقیقت آشکارا، باور داشته باشیم که آبرو و اعتبار هر کشور، در درجه نخست، بستگی دارد به متانت و درایت و بی طرفی دستگاه قضایی آن کشور، پس ناچاریم به این حقیقت تلخ نیز تسلیم شویم که ملکوک بودن دستگاه قضاییه، اعتبار و آبروی کل حاکمیت کشور را، در انظار جهانیان مخدوش و مخذول خواهد گردانید.

در این صورت، آیا هنگام آن نرسیده است که برای بازگردانیدن اعتبار از دست رفته قوه قضاییه و ابقای بقایای آبروی آن، تلاشی صمیمانه و از سر صدق کرده و برای به سامان گردانیدن نابسامانی هایی که به هر علت و از جانب هر مقام یا مقام هایی، به این دستگاه عارض گردیده است، عزمی جزم و همتی بلند، به کار گرفته و گامی شایسته و بایسته برداشته شود؟

بنام ایزد یکتا

در روزگار جهل، شعور، خود جرم است. در جمع روحانی نما ها و زبونان پلیدی روح، دلیری دل جرم است. در سرزمین ما دانشجو بودن گناهی نابخشودنی است. پس جرم شما سنگین است چون می دانید، و سنگین تر است چون می آموزید و سنگین تر است چون می زدائید هر ناپاکی را:

اسفند آمد و بهار آزادی نزدیک است.

اسفند، ماه شکوفائی و در حقیقت آغاز جان و اندیشه است، ماه اشتعال آتشکده دنیای عشق و امید. ماه پرستش روشنایی، نور و خرد ، ماه زدایش تیرگی و تاریکی و گام نهادن در دنیای مبارزه و میدان جنگ و جدال نفس گیر با فاسقان جهل و جمود.

اسفند با تمام زیبایی و قشنگی باز فرا رسید و دو باره ما را به آغاز بهاری دل آمیز و امید بخش وعده داد. ولی افسوس و صد افسوس که هنوز بعد از گذشت ربع قرن در سرزمینی چهره می نماید که سایه شوم استبداد و آزادی کشی والیان فقاهت کور و وارثان جهل و جور هنوز بر سر مبارک این خاک مقدس افشانده شده است و هنوز فرزندان ما بدست کینه ورزان و تبهکاران یا در زندان و یا اعدام و یا به دیار غربت مجبور به کوچ شده اند.

ماه اسفند بار دیگر آغاز گر نبرد بی امان و نفس گیر آگاهی، دانش و خرد با نا آگاهان و جاهدان و بی خردان است. خرد ستیزانی که خرد، شعور و منطق را بزرگترین مانع و سنگلاخی در راه جنایت، قباحت و اقتدار جور مطلق خود می دانند. این ددمنشان همچنان به قلع و قمع و محو دانش اندوزان و روشن فکران کمر همت بسته اند. جهان بینی آنها ترور و قتل ، ایدئولوژی آنها: حذف و دفع، رفع و واپسنگری، آموزه های آنها: تخریب شخصیت و حیثیت انسانی است.

پس دانشگاه بعنوان سر منشا تحول و تغییر، جنبش و آگاهی و نو خواهی در جهت مخالف این مجموعه خط و مشی است. پس باید از این منظر همیشه در نوک پیکان نیروهای کج اندیش و بداندیش و دیکتاتوری مسلط بر جامعه قرار گیرد. زهی خیال باطل که دامان دارالعلم را کدام پوزه ای می تواند آلوده و زوزه سگان چگونه مهتاب را پریشان می تواند کرد؟

مردان و زنان دلاور ما این بار با دلی آکنده از توفان کینه و خشم از نامردان، و احساسی مملو از محبت و مهر و عشق به میهن خویش، ذهنی آغشته از دانش، فهم و معرفت از محیط و دنیای مدرن امروز و خواستن آزادی و دمکراسی برای خود و فرزندان میهن عزیزمان ایران به این انتخابات فرمایشی «نه» خواهند گفت و تحت هیچ گونه شرایطی در آن شرکت نخواهند کرد.

این بار همه در کنار دانش پژوهان تازه نفس و نسل نو موضع گرفته و سنگر حق طلبانه خود را خالی نخواهیم کرد. پشت در پشت هم کمر خشک اندیشان و متحجران واپسگرای مذهبی که ذهن و درک آنها در حوزه بسته و از مقولات کهن و گذشته که قتل انسانها را واجب شرعی و دستورات خود را خدایی و حلال می دانند و آنرا موجب اجرت و ثواب دنیوی و اخروی می پندارند را به خاک می مالند. این بار ما بخوبی می دانیم که دیگر تنفس مصنوعی تئوریک اصلاحات و نوش داروی شعارهای واهی خاتمی هرگز مرده اصلاحات و نظام پوسیده ملایان را نمی تواند زنده کند.

این بار ما جویندگان حقیقت و دانش، همانطور همانند گذشته بر تاریک خانه اشباح هجوم برده و هرگز نخواهیم گذاشت که این دلالان مرگ دمی بیاسایند تا شاید امسال اسفند ماه، سال ویرانی و تباهی جانیان و بزهکارانی باشد که جامعه را به فنا و نیستی و قهقرا سوق داده اند و سال دیگر اسفند ماه را با آزادی و سازندگی و آبادانی آغاز کنیم و لبخند را دو باره بر لب مادران زنده کنیم. ما دست در دست هم باید این سکوت سیاهی و استبداد خرافه پرستان را برای همیشه در هم بشکنیم . ما می خواهیم غرور و عشق و پرنده آزادی را دو باره در آسمان میهن درد کشیده خود به پرواز در آوریم چه این مترسکان تو خالی تاب و توان مقاومت در مقابل دلیران و آزادگان این مرز و بوم را ندارند و تاریخ کهن ما همیشه این وجدان و نجابت پاک ایرانی را به خودکامگان خونخوار ثابت کرده است.

پاینده و جاودان باد ایران - مردم آزاده و دانشجویان دلیر ما

فرامرز بیگدلی

آخرین خبر

خبر های رسیده ازداخل دستگاه حکومتی رژیم ، حاکی از جنگ و درگیری شدید بین فرماندهان سپاه و آقا زاده ها میباشد .

پس از قضیه زلزلهٔ دلخراش بم ، پیمان کاران سپاه برای گرفتن سهم بیشتر در بازسازی این شهر ویران شده به جان یکدیگر افتاده اند و در این میان سهم خانوادهٔ مافیایی رفسنجانی را نیز فراموش کرده اند که این گونه فراموش کاری ها به قیمت زندان افتادن بعضی از آنها انجامیده است ...؟ !

شخص علی خامنه ای از کلیه طرفهای درگیر تقاضا کرده است که بحث و جدل بر سر این موضوع را فعلا کنار بگزارند و همه به مشکل انتخابات بپردازند ....!

که ما نیز به دستور آقا چنین میکنیم و از افشاگری در مورد قضایای شهرستان بم ، تا بعد از انتخابات خودداری میکنیم ...؟ !

بقیه از صفحه ۱۷

حیث این جور منافع ایران را به باد دادن ،
شما نمی توانید نظیر برایش پیدا کنید در اعصار سابق برسیم تا هر جا می خواهید جلو بروید، یک همچو موردی که تمام مراتع خوب ایران را به غیر داده باشند ، به شرکت های خارجی داده باشند، تما م شیلات ما را، شیلات ایران را، هم طرف جنوبش را، هم طرف شمالش را از دست مردم گرفته اند و شرکت های خارجی دارند اداره می کنند، اینجا نوشته است هفت هزار نفر در شمال کشته شده است تا شیلات را دولت ملی کرده به اصطلاح خودش و ضبط کرده و داده دست شرکت های بزرگ . آن نفت ما، آن ماهیگیری شیلات ما، آن مراتع ماو آن جنگل ها را شما خیال کردید ملی کردند یعنی به نفع ملت ، این لفظ است ، ملی کردن مثل همان دروازهٔ تمدنی است که می گوید، این هم یک لفظی است که القاءِ می کنند، واقعیت ندارد. بعضی از جنگل های بسیار خوبی که چوبش برای همه چیز خوب است به یک شرکت رومانی دادند و آنها دارند می خورند . ایشان در این نطقش گفته بود که سابقاً پیش از این، یک چند سال پیش از این ایران بین دو منطقه روس و انگلیش تقسیم شده بود و ما آمدیم و چه، آخر این حرف ها را من نمی فهمم که چطور او شعورش نمی رسد، یا می رسد و می خواهد این چند نفر را اغفال کند؟ پس چرا در رادیو می گوید؟ ما این را نجات دادیم از این دو منطقه ای ؟ خوب شما چطور ایران را نجات دادید؟ شما که الان مراتعتان را یک مقدارش را خانم انگلیسی با دارو دسته اش دارد می خورد، یک مقدارش را هم که امریکا و صهیونیست ها دارند می خورند، یک مقدارش هم که خودتان و بچه ها و زاد و لدتان دارید می خورید، این چه ملی شدنی است؟ این چه نجاتی است که ما همهٔ منافع مملکتمان را باید به آنها بدهیم وخودمان خدمتگزار باشیم برای آنها باز؟ ملت ما باید خدمت کنند و همه منافع خودشان را، منافعی که از دستشان پیدا می شود، از هوششان پیدا می شود ، از هوششان پیدا می شود تسلیم آنها بکنند؟ « ما نجات دادیم ایران را » کجا نجات دادید ایران را؟ شما ایران را به باد دادید تا آخر ، شما فرهنگ ایران را بکلی از بین برده اید. ما اگر یک طبیبی حالا بخواهیم باید برویم به انگلستان ، هر چند روز یک نفر راه می افتد می رود انگلستان برای معالجه ، خوب اگر ما طبیب داشتیم چرا انگلستان می رفتیم ؟ شما دانشگاه را از بین برده اید ، الان ما دانشگاه نداریم. یک صورتی است و نمی گذارید هم حتی حتی این صورت محفوظ بماند، چه بکنند بیجاره دانشجوها ؟ آن استادان دانشگاه چه بکنند از دست این هیولا؟ همهٔ حیثیات ایران یک حیثیت انگلی است، تمام حیثیت ایران را این آدم به باد داده و انگل کرده، آنقدر که می شده استفاده بشود داده به شرکت های بزرگ و یک قدری هم با اجازه آنها خودش و دارو دسته اش خورده اند و این بیچاره هائی که در روستاها بودند و به قول خودش دهقان ما درست کردیم، دهقان های بیجاره را از آنجاها کوچ دادند آوردند، این جادر نشین های اطراف تهران و آن زاغه نشین های اطراف تهران همین بیچاره دهقان هائی بودند که دامداری می کردند و برای مملکت ایرا پشم و روغن - نمی دانم - گوشت تهیه می کردند. همهٔ اینها از بین رفت و حالا باید همه از خارج بیاید، گوشتش از خارج بیاید و گندمش از خارج بیاید. - چه کشاورزی ما را بکلی از بین برده است، فرهنگ ما را از بین برده، ارتش ما را از بین برده ، حیثیت ارتش ما را از بین برده، روحانیت ما را خیال دارد از بین ببرد وموفق نخواهد شد انشاءالله.

متفق الکلمه خواستار رفتن شاه باشید که تخلف از این امر خیانت به اسلام است

الان تکلیف است، همهٔ ما مسلمین ، وحدت کلمه و اول کلام که : « این نباشد ما بعد خودمان درست می کنیم» در راس همهٔ کلمات که همه متفق الکلمه باید باشند و اگر کسی تخلف کند، به اسلام خیانت کرده ، این است که این نباید باشد . اگر شما در نوشته یک جزیی دیدید که از آن بیرون می آید که ما قانون اساسی می خواهیم، به طور مطلق این را گفتن، معنایش این است که ایشان (شاه) باید باشد، این خیانت است، باید آنهائی هم که می گویند قانون اساسی و حقوق بشر، بگویند قانون اساسی بعد از اصلاح این موادی که با سرنیزه درست شده است . ما شاهد قضیه بودیم که این موادی که درست شد و اینها را به این سلطنت منحوسه رساند با سر نیزه بود، با سرنیزه رضاخان بود نه اینکه مردم یک مجلس درست کردند و یک چیزی ، خود مردم اختیاری نداشتند ، سر نیزه این کارها را کرد. این مواد، موادی است که مقبول ملت نیست و این موادی که حکومت اینها را تثبیت کرده باید از بین برود . قانون اساسی با متمم قانون اساسی، با اصلاحاتی که متمم قانون اساسی کرده، ما هم حرفی نداریم اما با اصلاحاتش. آن کسی که بگوید قانون اساسی و تعقیب نکند این معنا را که باید اصلاح بشود(ولو به طور ابهام که پس از اصلاح)، این آدم بدانید که مشی صحیحی ندارد یا ملتفت نیست، حالا من که می گویم ، ملتفت باید بشود.

ما همه موظفیم که روابط داشته باشیم، بین ما و خارج ، بین جناح های داخل و جناح های خارجی ، بین علمای اسلام با سایر علما، علمای مراکز با سایر علمای بلاد، بین علمای اسلام با

بقیه در صفحه ۲۲

پیام
مردم ایران
به علی خامنه ای

اگر تمام زندانیان سیاسی را هم کاندید ای مجلس شورای اسلامی کنید و تایید صلاحیت هم بشوند ما باز هم در انتخابات شرکت نخواهیم کرد ، چون حتی در این صورت هم فرقی به حال جامعه نگون بخت ایران نمی کند . گیریم که مجلس قانونی را به نفع مردم تصویب کند ،اول شورای نگهبان و بعد هم شورای تشخیص مصلحت آن را لغو می کند ، اصلا کدام ارگان ضامن اجرای آن می شود ؟ پس بهتر است وقت را الکی به انجام اینگونه بازی های قدیمی و کهنه تلف نکنید و تا وقت دارید از خداوند و ملت تقاضای عفو و بخشش کنید که عذاب الهی بزودی گریبان گیرتان خواهد شد ، مشکل ما ملت وجود نا پاک شخص خود شماست ! نه تایید یا رد صلاحیت شدن نوچه های شما ...

ما میگیم حکومت زور نمی خواهیم ..... آخوند مزدور نمی خواهیم

محسن کتابیان
مسئول جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران شاخه کانادا
و روزنامه اتحاد و مجله بامداد ایران
تلفن: ۷۶۰ ۷۱۳۸ - ۴۱۶
فکس: ۷۶۳ ۲۹۳۹ - ۴۱۶

پخش مجله بامداد ایران - کتابخانه آگاه
Persische Bibiiothek'AGAH'
Postfach 250344
44741 Bochun, W. Germany

محل پخش مجله بامداد ایران
شهر یوواسکولا - فنلاند
سوپر مارکت ایرانی جاده ابریشم
تلفن: ۶۱۹۴۴۴ - ۰۱۴

محل پخش بامداد ایران - بلژیک
Hotel Auberge Belgium
Fax;0032 25130006
Tel: 0032 25139203
Avemue de staungrad
122- 1000 Bruxelles

Hotel Emin
محل پخش
روزنامه اتحاد و مجله بامداد ایران در ترکیه
- استانبول
تلفن: ۵۶ ۵۱۸ ۵۶ ـ فکس: ۷۱ ۵۳ ۵۱۸

محل پخش بامداد ایران - آذربایجان - باکو
C.MOMMAD GULUZADO
142 - BAKO

نماینده و مسئول
جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران
یورک شایر - انگلستان
عبدالمجید توکل
تلفن: ۰۱۹۲۴ ۳۶۶۵۰۵
فکس: ۰۱۹۲۴ ۳۳۹۱۵۶

سوپر ایران محل پخش بامداد ایران
BASELER-STRASSE
KIOSK 19

محل پخش مجله بامداد ایران
سوریه هتل نعمان
تلفن:
۰۰۹۶۳۱۱ ۲۲۱۸۸۰۹

محل پخش مجله بامداد ایران • تایلند - بانکوک
WOOD LAND HOTEL
تلفن: ۰۰۶۶۲۲۳۷۵ ۴۹۳

پاکستان - صوبه بلوچستان ضلع مکران
طاهر خان (محل پخش مجله بامداد ایران)
۰۰۹۲۸۶۱۲۲۹۴ / ۰۰۹۲۸۶۱ ۲۰۲۳

محل پخش بامداد ایران، سیدنی استرالیا
Supe Darya- 331-Penshurst st
Willoughby-2068 N.S.W
Austrslia

بسم الله الرحمن الرحیم

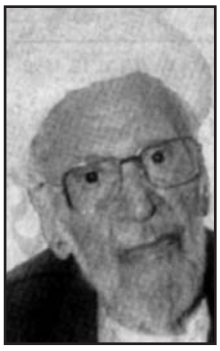

در قرار داد حکومت جمهوری اسلامی، که عاملین آن از طریق برانگیختن احساسات مذهبی که خود یک مغالطهٔ «وضع مألیس بعلة علة» است، و با یک رفراندم عامیانه و جاهلانه این حکومت را بر مردم ایران تحمیل کردند، شرط رهبری ولایت فقیه ذکر شده و به طوری که گفته شده، این شرط در کلّ مخالف با ماهیت و حقیقت رژیم جمهوری اسلامی و موجب فساد و بطلان آن می باشد و در نتیجه بنا به رأی اجتهادی اینجانب، رفراندم و رژیمی که مورد رفراندم واقع شده بکلّی از درجهٔ اعتبار فقهی و حقوقی ساقط و بلا اثر خواهد بود، هر نوع قرارداد و معامله ای که از سوی این حکومت انجام گیرد، غیر قابل اعتبار و نافرجام می باشد. خواه این معامله در داخل کشور و یا شهروندان کشور انجام پذیرد و یا در خارج کشور با شهروندان یا دولت های کشورهای دیگر. و در هر زمان که باشد، ملّت ایران می تواند حقوق حقّهٔ خود را در داخل و خارج مطالبه نماید.

دکتر مهدی حائری یزدی

بقیه از صفحه ۲۰

احزاب، روزی نیست که حزب علیحده باشد وعالم علیحده، حزب خودش هیچ کار از او نمی آید، عالم احتیاج دارد که احزاب باشند در کار، این دو طایفه هستند که مسلمین را باید با هم، مسلمین ایران را باید با هم جوش بدهند وهمه با هم روابط داشته باشند و با صاحب منصبان هم باز روابط داشته باشند، ایجاد روابط باید باشد با صاحب منصب هائی که شرافتشان از دست نرفته و شریف هستند، زیاد است باز بین اینها، زیاد است که خون دل می خورند بیچاره ها از این گرفتاری و آنها هم باید روابط داشته باشند تا یک روزی که بشود قیام بشود و با قیام ، این آدم نباشد انشاءالله ، حکومت اسلامی باشد انشاءالله، احکام اسلام جریان پیدا کند، الان که از احکام اسلام در ایران خبری نیست، طلاقش مطابق احکام اسلام است ؟ نکاحش مطابق احکام اسلام است؟ معاملاتش مطابق احکام اسلام است؟ چه چیزش اسلام است؟ همین من می روم زیارت حضرت رضا، درست می شود با این ؟ یک ریا کاری کار را درست می کند ؟! مردم دیگر گول می خورند از تو ؟!

خداوند انشاءالله ایرانی ها را بیدار کند و از این بیدارتر، حوزه های دینی را حفظ کند، حوزه های اسلامی را حفظ کند. خداوند انشاء الله دست اجانب را از این مملکت کوتاه کند، همهٔ ممالک اسلامی را با هم متحد کند.

والسلام علیکم و رحمةاللّه وبرکاته

پیام امام خمینی به ملت ایران تاریخ: ۵۷/۳/۲۰

بسم اللّه الرحمن الرحیم

تقدیر از رشادت های مردم در تظاهرات خونبار

باز هم برای جندمین بار باید در سوک چهلم مقتولین قم و دیگر شهرها بنشینیم، باز هم باید با مادران و زنانی که عزیران خود را از دست داده اند و با تظاهرات شجاعانه خود رژیم شاه را محکوم کرده اند در عزا باشیم، باز هم باید شاهد کشتار و ضرب و جرح دانشجویان و طلاب عزیز وخراب کردند مدرسه های علمیه و دانشگاه ها و بیرون کردن آنها از مدارس مو کوی دانشگاه باشیم، باز هم دست جنایتکار شاه از آستین مشتی مامور ناآگاه بیرون آمد و ملت مسلم ایران و خصوص دلیران اسلام دوست قم را در عزای عزیرانشان که مردانه در راه اسلام و سرنگونی رژیم ستمکار پهلوی قیام کردند نشاند.

باید به پیروی از رسول اکرم همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند

ما سوکمندانه و متخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است فدا کردیم و این درست را اسلام وبرنامهٔ مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود « ولکم فی رسول اللّه اسوة حسنه» پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند،

شاه درلب پرتگاه است

اکنون شاه در لب پرتگاه واقع است، از یک طرف مواجه است با قدرت لایزل ملت شجاع ایران که با تمام وجود برای آزادی خود قیام کرده و تا بر چیده شدن بساط ستمکاری او نخواهد نشست و از طرفی با انعکاس جنایات و جرائمش در وسائل تبلیغاتی دنیا خوف آن دارد اربابان از او روی برگردانند و از طرفی مواجه است با پوسیدگی و فروریختگی در متن رژیم و رسوائی انقلاب آمریکائی و افتضاح حزب فرمایشی و از طرفی با نارض ایتی افراد شرافتمند لشگری و کشوری که از کشتارها و وابستگی ها به جان آمده اند.

ملت ایران دیگر اغفال نخواهد شد ومجرم اصلی را ازیا نخواهد برد

در این امواج متلاطم غیر تمندانه به تلاش و فریب های تازه ای دست زده است، گاهی می خواهد خود را از جنایاتی که در طول سلطنت غیر قانونیش انجام داده بیخبر جلوه دهد و تما آنچه بر ملت و کشور گذشته است به گردن دیگران اندازد و عمال او از راه مطبوعات و دستگاه های تبلیغاتی برای تحقق آن سخت در تکاپو هستند، تغییر مهره های اخیر از این قماش است غافل از اینکه با تغییر ابزار خیانت که جز آلتی در دست حانی اصلی نیستند، ملت هوشمند ایران اغفال نخواهد شد ومجرم اصلی را از یاد نخواهد برد و این مهره بازی را نخواهد پذیرفت.

افترا به وطنخواهان و طرح خط کمونیسم توسط شاه

و گاهی با اسلحه کهنه افترا و فریب، مخالفین خود را اشخاصی معرفی می کند که می خواهند ایران را تجزیه کنند یا تحت نفوذ اجانب قرار دهند . همه آگاهند که مخالفان او تنها اقشار وطنخواهند، از مراجع معظم و علماءِ اعلام وخطبای محترم و آگاه و رجال سیاسی پاکدامن تا طلاب و دانشجویان جان برکف حوزه ها و دانشگاه های سراسر یاران واز دهقان گول خورده و

بقیه در صفحه ۲۳

بقیه از صفحه ۲۲

کارگر وعدهٔ دروغ شنیده و بازاری متعهد و مسؤول در سراسر کشور، کدام یک از اینان تجزیه طلب یا با نفوذ اجانب موافقند ؟ این شخص شاه است که اجانب بویژه آمریکا را مسلط بر تمام شوؤن کشور کرده و مخازن آن را بیدریغ تقدیم آنان نموده و به آنها مصونیت داده و آنان را حتی بر ارتش حکمفرما کرده است و ایران را مصرف کننده ای خاضع در برابر امریکا نموده است.

گاهی ملت را از خطر کمونیست ها می ترساند که اگر او برود مملکت به دست آنان می افتد و شاید بعضی ها که از واقعیت ها اطلاع ندارند اغفال شوند. کمونیسم در ایران با دست آمریکا، چنانکه حزب توده به دست انگلیس ایجاد شد، به گفتار مطلعین، داغترین کمونیست ها در منطقه مهره های آمریکائی هستند برای خنثی کردن قیام های رهائی بخش ملی و مذهبی ملت های اسیر به دست سرمایه داری و کمونیزم که نمونه بارزش را در سال های اخیر دیدیم.

راه رهائی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد و گاه با شایعه سازی آشتی با بعض جناح های روحانی برای تفرقه افکنی در خود این جناح عظیم و بین آن و سایر وطنخواهان مسلمان که نتیجه اش جز سلامت جنایتکار اصلی و بر باد رفتن زحمات جانفرسای ملت و به هدر رفتن خون کشتگان از مسجد گوهر شاد و پانزده خرداد تا به امروز نخواهد بود، غافل از آنکه هیچ روحانی و مذهبی با دستگاه ضد اسلامی آشتی نخواهد کرد که آن پشت به قرآن کریم و اسلام عزیز است و نتواند کرد که آن پشت بر ملت غیور و آگاه است که حاصل آن سقوط مرگبار سازشگر است.

نغمه های صلح جویانه محکوم است

اکنون ملت که همه چیزش به دست این رژیم به باد رفته مراقب است تا چه کسی و چه جناحی از این مهره بازی شاه فریب بخورد یا با حاضر شدن در مذاکرات صلح جویانه وگرفتن بعض امتیازات توهمی ، خود را به دستگاه قدرت متصل کند، در صورتی که این دستگاه رو به کهنگی و ویرانی آورده و از بنیان با موریانهٔ داخلی مواجه و فروریختن آن حتمی است و از خدعه ها و فریبکاری ها که از کارشناسان خارجی و چه بسا داخلی سرچشمه گرفته ، نغمهٔ اعطاءِ آزادی به همهٔ ابعاد،و مگر در خیانت به کشور است . کشتار چندماهه اخیر ، حبس و شکنجه، تبعید و اختناق از جمله آزادی ها و عطیه های ملکونه است .

اکنون که ملت بزرگ ایران آگاهانه بپا خاسته است و هر چند گاه حوزه ها ، دانشگاه ها ، مدارس، جماعت ها، بازارها و شهرها در اعتراض به شاه تعطیل می گردد ، ملت عزیز پشتیبانی خود را از اسلام و قرآن کریم اعلام و برای استقلال و آزادی کشته می دهد، لازم است سران قوم نقشه های فریبندهٔ شاه را که چیزی جز هدم احکام اسلام و کشور نیست نقش بر آب کنند و با بیداری و آگاهی تا بر انداختن این رژیم به مبارزه ادامه بدهند و با حفظ وحدت کلمه وجهت، نگذارند مبارزات حق طلبانه روبه سستی گراید.

از خداوند تعالی استقلال کشور و آزادی ملت را خواستار و کوتاهی دست اجانب و ستمکاران را امیدوارم.

والسالم علیکم و رحمة اللّه و برکاته

روح اللّه الموسوی الخمینی

۵۷/۴/۱۳

پیام امام خمینی به امت مسلمان ایران در خصوص اعیاد مذهبی

تاریخ :

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جشن و شادمانی با وجود صدمات جانکاه شاه به اسلام، معنی ندارد

کراراً از ایران نظر اینجانب را در باره مراسمی که به عنوان جشن های سوم و پانزدهم شعبان بر پا می شده خواسته اند ، مع الأسف رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است.

دست شاه تا مرفق به خون ملت ایران فرو رفته و در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته ، چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند، شادمانی بر روی اجساد به خون خفته فرزندان اسلام؟ شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاه چال های زندان زیر سخت ترین شکنجه های جهنمی دژخیمان بسر می برند؟ شادمانی در مقابل تبعیدیانی که بر خلاف تمام موازین انسانی و قانونی از اوطان خود بیرون رانهد شده اند ؟! ما که هنوز مادرهای داغدار جوانانمان سیاهپوشند، ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزرگ و کشور اسلامی هستیم جشنی نداریم، ما که در هر فرصت مدارس و مساجد و دانشگاه هایمان مورد هجوم مامورین شاه است، چطور ممکن است چراغانی کنیم.

هر نغمه که ملت را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است منحرف کند، شیطانی است

ملت ایران بداند که دست پلید دولت در فعالیت است که مسیر نهضت اصیل و شکل گرفته و عمومی ایران را تغییر دهد و یکی از شاهکارها همین دامن زدن به لزوم جشن است که در

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه از صفحه ۲۳

پرتو آن خون پاک ملت اسلام را لوث کند ونهضت عظیم اسلامی را به سستی بکشد و یا خدای نخواسته محوکند، ملت ایران بیدار است و راه خود را یافته و با هوشمندی می داند که هرنغمه با هراسم که او را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است منحرف کند، شیطانی است اگر چه با اسم قرآن مجید و یا ولی الله اعظم عجل الله فرجه باشد. ماروزی را عید می گیریم که بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم و دست دودمان ستمکار پهلوی را از ایران قطع نمائیم و آنروز انشاالله تعالی نزدیک است و روز عید سلامی و عید ولی عصر عجل الله فرجه.

اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است بدون هیچگونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد در تمام ایران در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم بپا کنند و گویندگان شجاع محترم ، مصائب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند و هر چه بیشتر کارهای ضد اسلامی و قانونی رژیم را افشاء کنند و خوف را که از جنود ابلیس است از دل بیرون کنند و در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است کوشش کنند و این چراغ فروزنده هدایت را روش و روشنتر نگه دارند و با اعتماد به خداوند تعالی مطمئن باشند که ملت پیروز است.

از خداوند تعالی عظمت اسلام ومسلمین وقطع ایادی اجانب و وابستگان به آنهارا خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخ: ۵۷/۵/۵

پیام امام خمینی به ملت ایران در مرد لزوم تداوم نهضت و هوشیاری ملت در برابر مردم فریبی های شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

تظاهرات مردم، اثبات مخالفت سراسری ملت با شاه

اینجانب از عموم ملت شریف ایران متشکرم که با همبستگی و وحدت کلمه در سوم و پانزدهم شهر شعبان یک مرتبهٔ دیگر به رژیم منحط ثابت کرد که با ارادهٔ ملت نمی تواند مقابله کند و این رفراندمی بود بی نظیر از مخالفت سراسری ایران با شاه، گرچه دستگاه با جلوگیری از بعضی از اجتماعات بزرگ سلب آزادی نمود و نگذاشت مصائب و مطالب مشروع ملت بزرگ تماماً ابراز شود به طوری که اطلاع حاصل شده به دنبال تظاهرات آرام ، دست به جنایاتی که کاشف از سستی پایه های حکومت است زده و در بعضی از شهرها چون مشهد و رفسنجان و جهرم وحشیانه به مردم بیدفاع هجوم برد وعده کثیری را مقتول و مجروح نمود و به طوری که بعضی از خبرگزاری ها اطلاع دادند در مشهد مقدس تعداد کشتگان به ۴۰ نفر رسیده است و بعضی بیش از این گفته اند و از قرار اطلاع ، مامورین شاه وحشیانه به مدرسهٔ نواب مشهد ریخته و طلاب بیدفاع را تا سر حد مرگ کتک زده و سر و دست آنان را شکسته اند ومعنای اعطای آزادی را به ملت فهماندند.

تا محو آثار ظلم وهدم رژیم پهلوی ملت آرام نخواهد گرفت

مردم متدین و شجاع شهرها چون قم قهرمان و تبریز غیور و مشهد ، بیدارشده و برای اظهار تنفر از دستگاه و رژیم شاه تعطیل عمومی نمودند و مشتی محکم به دهان گزافه گویانی که می گفتند این تظاهرات دیگر تکرار نمی شود و ملت به حال عادی خود بازگشته است زدند. ملت عزیز تا محو آثار ظلم وهدم دستگاه رژیم منحط پهلوی آرام نخواهد گرفت و به حال عادی باز نخواهد گشت . ما از این غیورانی که در راه هدف مقدس اسلام فداکاری می کنند و از جان و مال دریغ ندارند و تن به ظلم نمی دهند و سکوت مرگبار را شجاعانه با اهداء جان خود می شکنند و راه و رسم پیامبر اسلام(ص) و امامان تشیع را یافته وبدانان اقتداء نموده اند تشکر نموده و به آنان تبریک می گوئیم.

سکوت و امر به سکوت در این شرایط، مالف مصالح عالیهٔ اسلام است

امروز که ملت ، بپا خاسته و راه خود را خوب و درست یافته است ، سکوت و امر به سکوت مخالف مصالح عالیهٔ اسلام است و خلاف طریقهٔ شیعهٔ جعفری است و امر به تحرک و استنکار و افشاء فجایع خانمانسوز و اسلام بر بادده دستگاه شاه موافق سیره مبارکه انبیا و خصوص رسول معظم خاتم است . اکنون که ماه مبارک رمضان در پیش است و ماه مبارک امسال نمونه است که ملت معظم ایران از سوئی خاطرات چندین ماههٔ اخیر از کشتارهای وحشیانهٔ دستجمعی و اختناق و حبس و تبعید در قلبش زنده است و از سوئی دیگر برای انتقام از بیدادگری های رژیم منحط پهلوی و شاخه های آن، کارگزاران اجانب استعمارگر با بیداری و همبستگی بی سابقه بپاخاسته است ، لازم است مطالبی را تذکر دهم:

نهضت ایران ، نهضتی مقدس و صد در صد اسلامی

۱ - نهضت مقدس اخیر ایران که ابتدای شکوفائیش از پانزدهم خرداد ۴۲ بود صد در صد اسلامی است و تنها به دست توانای روحانیون با پشتیبانی ملت مسلمان و بزرگ ایران پی ریزی شد و به رهبری روحانیت ، بی اتکاء به جبهه ای یا شخصی یا جمعیتی اداره شده و می شود و نهضت پانزده سالهٔ ما چون اسلام است بی دخالت دیگران در امر رهبری که از آن روحانیت است ادامه دارد و خواهد داشت و آنان که اخیراًبرای جلب منافع شخصی به جنب و جوش افتاده و می خواهند نهضت اسلامی را آلوده کنند و یا آن را متکی به بعضی جناح ها یا دنبالهٔ او معرفی نمایند حتماً سوء قصد دارند و احیاناً با ساختن بعضی از آنان با دستگاه جبار می خواهند نهضت را متوقف و شاه را مصون نگه دارند . ملت ایران باید با هشیاری تمام و تردید بدانان نگاه کنند و اگر خدای نخواسته انحراف آنان معلوم شد از آنان جداً اجتناب کنند و صریحاً اعلام می دارم در صورتی که این جمعیت معدود، مطالب خود را که لازمه اش دور نگه داشتن مجرم اصلی است تکرار کنند روحانیت تکلیف خود را در بارهٔ آنان روشن خواهد نمود.

بازبینی ساختار جمهوری اسلامی به روایت تصویر

تصویری که مشاهده میکنید یکی دیگر از افشاگریهای تاریخ است که حقایق تلخ را یادآور میشود. این اثر بوسیله ما جوانهای مقیم بریتانیا که به هیچ گروه سیاسی وابستگی نداریم تهیه شده است. بعضی از تصاویر ما که اخیرا در نشریات و تلویزیونهای ۲۴ ساعته در دید همگان قرار گرفته، روشنگر خیانتهای تاریخی عده ای خود فروخته به بیگانگان میباشد که آگاهی از آن برای نسل جوان بسیار اهمیت دارد. سناریوی فتنه ۲۴ سال قبل را قبلا خارجیها تدارک دیده بودند. نقش اول این بازیگری را به خمینی دادند و با مقدماتی از پیش تهیه شده او را از پاریس به تهران منتقل نمودند. نام منفور او را همه شنیده اند. خونخواری او را همه دیده اند. دول اروپایی و رئیس جمهور وقت آمریکا دست به دست هم دادند و از او خواستند که بکشد، ویران کند، سنتهای ملی را زیر پا بگذارد و ..... همه چیز را در آن سرزمین نابود کند. چه خود فروختگان دیگری در این فاجعه ننگین از بیگانگان اطاعت نمودند و با نیرنگ و عوام فریبی و با سوء استفاده از احساسات مردم ناآگاه مو به مو و قدم به قدم کردند آنچه از آنها خواسته شده بود. این افراد را میتوان به چند گروه تقسیم کرد. نقش کلیدی را آنهایی داشتند که از نفوذ مذهب استفاده کردند. بهشتی، منتظری، مطهری و طالقانی که هم لباس خمینی بودند و علی شریعتی که فقط لباسش با آنها یکی نبود و الا او هم با آنها هم آخور بود. بهشتی بعنوان نماینده مذهبی در شهر هامبورگ پرورش سیاسی یافت. در آنجا بود که با گروه های تروریستی فلسطینی عهد اخوت بست و یکی از این گروه ها ماموریت یافت که سینما رکس آبادان را به آتش بکشد. مطهری بعنوان متفکر و تئوریسین از یک سوی و از سوی دیگر علی شریعتی بعنوان معرکه گردان در پایگاهی بنام حسینیه ارشاد خیمه شب بازی راه انداخته و شماری از جوانان را گمراه و بدینوسیله بسوی خود جذب نمودند که در نهایت هدف همگی آنها براندازی نظام شاهنشاهی بود. اما افسوس و صد افسوس که پاره ای از سیاستمداران آن زمان که کم و بیش از چهره ملی برخوردار بودند همچو کودکی نابالغ خواسته و ناخواسته فریب خوردند و در مسیر این خیانت تاریخی قرار گرفتند. جای تاسف است که یاران خمینی به بازرگان لقب 'پیر خرفت ایران را دادند'. بنی صدر، ابراهیم یزدی و قطب زاده که بگفته خمینی خونخوار، آنها را روی زانوی خود بزرگ کرده بود تکلیفشان روشن است. متاسفانه اتحادی نا مقدس از سرخ و سیاه تشکیل شد و در گوشه و کنار آن نطفه مارکسیست اسلامی شکل گرفت. این ضحاک مار دوش، دو افعی خونریز را برای بلعیدن جان و مال جسم ملت ایران انتخاب نمود که یکی خلخالی جلاد که مبتلا به مرض سادیسم بود و دیگری زندانبان و جلاد قرن یعنی لاجوردی. خمینی عقب مانده ذهنی جانی در سخنرانی خود در بهشت زهرا نظامیان را مخاطب قرار داد و گفت که من میخواهم تو آقای خودت باشی و تو میخواهی نوکر باشی؟ اما در عمل دیدیم که در پشت بام مدرسه علوی محل سکونت او بهترین دلاوران ما را ناجوانمردانه به خاک و خون کشیدند. تاریخ هرگز جنایت ابراهیم یزدی را فراموش نخواهد کرد. در جریان محاکمه غیر انسانی تیمسار رحیمی، فرمان داد تا دست راست او را قطع کنند و با همان وضعیت او را تیرباران کردند. آن دلاور در آخرین لحظه زندگی شعار زنده باد ایران را سر داد و جان سپرد. در مقابل بودند اندک امیران ارتش که خیانت و خودفروشی را ترجیح دادند. قره باغی و فردوست که پوست و گوشت و استخوان و حیثیتشان از نظام شاهنشاهی بود، آنچنان در واپسین لحظات حساس خیانت و جنایت پیشه کردند و پشت پا به تمام مقدسات ملی زدند. فیروزآبادی سرپرست بهداری ارتش دستور داد تا اجساد افراد را با قرار دادن خونآبه بر روی آنها، به معابر بیاورند تا بدینوسیله دوربین های از پیش جاسازی شده موسسه شایعه پراکنی بی بی سی و دیگر رسانه های گروهی وابسته خوراکی برای تغذیه داشته باشند. همه عوامل از پیش ساخته شده دست بدست هم دادند و مردم افسون شده با پذیرفتن وعده های دروغین، آب توی آسیاب این فتنه ریختند. دیری نپایید که مردم به اشتباهات خود پی بردند، ولی افسوس که دیگر دیر شده بود. اما اکنون نسل جوان که خوشبختانه دریافته که چه بلای خانمان سوزی بسرشان آمده برای آزادی و نجات وطن بپاخاستند.

پاینده ایران

گزارشی از فعالیت های....

قضاوت با شما خوانندهٔ گرامی ...
طنز
یا واقعیتی تلخ ...؟

▪سفیر جمهوری اسلامی در لندن اعلام کرد : به دلیل حرکت بی سابقه و انسان دوستانهٔ کارکنان این تجارتخانه که ۳ روز از حقوق خود را به زلزله زدگان بم اختصاص دادند ، این ماه همهٔ کارکنان این تجارتخانه ۵ روز حقوق و مزایا پاداش میگیرند ...!

▪خامنه ای ـ این زلزلهٔ بم آزمایش الهی بوده است و خداوند ما مسلمانان را آزمایش می کند !
ـ اکبر عبدی با زبان بی زبانی سرش را به سوی آسمان برد و از خداوند خواهش کرد که دیگر امتحانشان نکند .
ـ رئیس جمهور ژاپن گفت : پس با این حساب ما مسلمان ترین کشور دنیا هستیم چون خداوند هر دقیقه ما را آزمایش می کند.
راوی خبر میگوید ، وقتی خبر زلزلهٔ بم را به خامنه ای دادیم ، او گفت : مشکلی نیست مثل دفعه های قبل کوهنوردان را زود به منطقه بفرستید تا جعبهٔ سیاهش را زود پیدا کنند و بیاورند ...!

▪ملا حسنی در خطبه های نماز جمعه گفت : این خامنه ای هم خرابکاری میکند ، چگونه میشود یکبار گفت این زلزله آزمایش الهی بوده و بار دیگر گفت فاجعهٔ ملی بوده است ؟یعنی خداوند با آزمایشاتش فاجعهٔ ملی درست می کند ؟که نباید این کار کند چون کار بدی است ، پس من یک استراژدی دارم و به خدا میگویم که این بار آخرت باشد که از این آزمایشات الهی هسته ای میکنی که فاجعهٔ ملی درست میکند و اگر گوش نکنی به مردم میگویم که در انتخابات رای ندهند .

▪هاشمی رفسنجانی گفت :آهای آقایان وزیران دولت و نمایندگانی که استعفاء میدهید ، توجه داشته باشید که ما حقیقتاً در شورای تشخیص مصلحت نظام ، نه تنها هیچ صندلی خالی نداریم بلکه حتی چارپایهٔ خالی هم نداریم که شما بی کاران را جا دهیم و اصولا این وظیفهٔ دولت است که فکری برای بی کاران خودی بکند ، ما همش ۲ صندلی خالی داریم که آنها هم توسط خاتمی و .... رزرو شده است ، که به صورت شریکی استفاده خواهند کرد .

▪خامنه ای در مورد کشتار مردم مظلوم شهرک بابک و خاتون آبادِ کرمان گفت :
چون خداوند مهربان ، مردم خوب و مسلمان این دو شهرک را فراموش کرده بود که آزمایش الهی کند ، ما خودمان این مهم را انجام دادیم ... و آحاد ملت هم میدانند که اینها آزمایشات الهی است چون ما مسلمانیم ...!

▪ رئیس ستاد غیر مترقبهٔ کشور گفت :
با توجه به کمبودهایی که در امداد رسانی به بازماندگان شهرستان بم اعلام میشد خوشبختانه این بار در مورد این دو شهرک ما کاملا آماده بودیم و نیروهای امداد رسانی خیلی سریع تر از دفعهٔ قبل به منطقه رسیدند و از زمین وهوا با امکانات کافی از جمله هلی کوپتر مردم باز مانده و بیچاره را امداد کردیم و در انجام این وظیفهٔ مهم از سگان زنده یاب خارجی نیز استفاده کردیم ، این سگان امدادگر به دستور مقام معظم رهبری از کشورهای ...وارد شده اند و بخوبی توانستند مردم را قتل عام کنند و این فاجعهٔ ملی و آزمایش الهی را به مقام معظم رهبری تبریک و تسلیت میگویم .

▪ شورای نگهبان اعلام کرد : بعضی از بازیکنان تیم ملی فوتبال را رد صلاحیت میکند . چرا که ممکن است بعضی از آنها به اصل نظام معتقد نباشند و در بازی های ملی گل بزنند .

▪ پیشنهاد یک شهروند به ولی فقیه :
یک شهروند تهرانی در مصاحبه با خبر نگار مجله پیشنهادی را به ولایت فقیه اعلام داشت این شهروند به حضرت آیت الله خامنه ای پیشنهاد کرد جهت اطمینان بیشتر و نشاندادن محبت مردم نسبت به خودشان همانند آقای رفسنجانی با حفظ سمت ، خود را کاندیدای مجلس شورای اسلامی کند تا مردم با رای خود ایشان را نیز به شورای تشخیص مصلحت نظام بفرستند .

▪ ملا حسنی در خطبه های نماز جمعه گفت :
این آمریکا هم هی می گوید ما به ایران چادر فرستادیم ، یعنی می خواهد بگوید ما چادر نداریم ، تو آمریکا اگر چادر داری برو سر زنان خودت کن تا ما را به گناههای بد بد نیندازند ، و این استراژدی بوش است و ما به همین خاطر این چادر ها را سر نمی کنیم و همش را میفروشیم و امام گفته این طوری پولش حلال میشود و خمسش را هم میدهیم ، باز هم میگویید من ...

بنام ایزد یکتا

خدایان هم می میرند

زمانیکه انسان خود را از تونل تاریخ گذر می دهد اجساد تکه تکه شدهٔ خدایان قدری را می بیند که چه مفلوک و بی تحرک سر در زمین فرو برده اند و مقبره های« فرمان و تکبرشان» با سکوت و خاموشی در میان زوزه های حیوانات و ویز ویز حشرات محو شده است . ولی باز خدایان مغرور و بی اندیشه هرگز به سرنوشت شوم اجداد خویش نمی اندیشند . باز هم حکومت و قدرت را غیر متغیر و ابدی و جاودانی می پندارند ، بندگان خود را به تعظیم و کرنش امر می کنند و نیز برای لاشهٔ بی جان خویش بارگاه و معبد عظیم و گران می سازند تا شاید آسوده بیارامند . مجسمهٔ خدای « نینوا» با افساری به پائین کشیده شد ، در میان هلهله و خشم و نفرت بردگان و بندگان خویش لگد کوب شد ، حتی مردوک «خدای بابل »و الله «خدای کعبه »هم نتوانست او را از شر سپاه اهریمن نجات دهد چگونه دیدیم آن مسجدی «که مجسمه اش در میدانی رو بروی آن بر افراشته بود» و خداوندش پاسدار او بود، نتوانست از فرو افتادن ذلت بارش در پیشگاه ملحدان جلوگیری کند ، او را در خیابان ها می کشاندند . بر او لعن و نفرین نثار می کردند. واقعا این مرد قدرتمند عرب که خود را سردار قادسیه می نامید و در قلع و قمع و نابودی عزیزان و ثروت و تجاوز به نوامیس ما از هیچ قباحت و لجاجتی دریغ نمی کرد. ما را دگر باره بیاد نیاکان او می اندازد :

آشور بانیپال به شوش ، پایتخت عیلام لشکر کشی کرد و شهر را ویران و خدایان و الهه را همراه با خدمتگزاران مقدس ایشان و ثروتهایشان تبعید کرد ، برای محروم کردن مردگان بزرگ عیلام از آرامش، دستور تجاوز به مقبره های آنها را داد. « ظرف یکماه تمام عیلام را در هم کوبیدم ، روستاهای آن را از صدای انسان محروم کردم ، گاوها و برده ها را لگد کوب کردم و شادمانی را از میان برداشتم » به نظر می رسید نینوا ویران نشدنی است. اما بنوپلسر، آشوریان را غولی با پاهای چوبین می دانست ، او توانست کمر این غولی را که با ستم و برده کشی و باج گیری محکم شده بود بشکند و او را به عدم گسیل دارد .

کوروش شاه بزرگ چهار گوشه جهان نیز توانست مجسمهٔ خدای کاذب « بلشعر » را از زیر پای سم اسبان خود قطعه قطعه کند و بابلی را فاتح شود که هزاران یهودی خسته و رنجور و بی گناه در آن به تبعید و زنجیر کشیده شده بودند ، بله پارسیان بدون آنکه نیازی به نبرد پیدا کنند از برج و بارو گذشتند تا شهر خاموش را اشغال کنند در حالی که در کاخ شاه ضیافتی که بلشعر بر پا کرده بود جریان داشت ، بابل بدون نبرد و به رغم قدرت نظامی ، معنوی و منابع اقتصادی اش مغلوب شد.

هر ساله فرزند بر حق هارون الرشید ،« صدام حسین » جشن بابل را با شکوه و هیجان خاصی برگزار میکرد. تا خود را پادشاه جدید عالم بنامد. در حالیکه مردمانش از گرسنگی و بدبختی با مرگ دست و پنجه نرم میکردند. مردمی که بر زوال خدای خویش نه تنها اشک نریختند بلکه قربانی و گل هدیه میدادند و از فرط شادمانی نمی خوابیدند .

در تاریخ انسانهایی که خود را مقدس اعظم می شمرند کم نیستند ، هیتلر که جنون مالیخولیائی او دهها میلیون را به خاک و خون کشید. چنان با ذلت و ترس و تحقیر به حیات شوم خود پایان داد که ... ، و استالین که مرگ و کشتن روشنفکران و مخالفانش خوراک لذیذ روزمره اش شده بود ، در زمان مرگ مفلوکانه اش چنان آبی از ترس زیر پای خویش روان کرده بود که هیچ بودنش را به وضوح ثابت میکرد .

خمینی را هم دیدیم که چگونه جام زهر را سر کشید تا زبونی و خفت آشکارش را مخفی کند .

تاریخ مملو از درسها و عبرتهایی از این قبیل است ولی انسانهای جاه طلب ، همچون دانش آموزان کند ذهن و فراموش کاری هستند که درس را یاد نمی گیرند !

آغاز سال جدید میلادی با بسته شدن پروندهٔ طالبان ، حکومتی که وصلهٔ ناجوری بر تاریخ متمدن ، مدرن و پویا بود آغاز شد . طالبانی که به پیروی از برادرانش در ایران در صدد احیای عصر فرسوده و سنگ حجری قوانین اسلام ناب محمدی بود ، اسلام طالبانی و خمینی ، اسلامی بود که کمترین ارزش و حرمت به مفهوم و مختصات انسانی داشت .

دومین دیکتاتوری که در سال گذشته با تمام هیاهو و ارتش قدرتمند چهارصد هزار نفری ، همچون تپه ای کاه به آتش کشیده شد . دیکتاتور خونخوار آن با ربع قرن ایجاد وحشت و مرگ ، همچون موشی به سورخهای عراق پناه برده بود . تنها ناله های مذبوحانه او گاهی گوش های بی اعتنای عالم را نوازش میداد . عراقیان گرسنه به غارت و چپاول اموال عمومی و شخصی پرداختند. به گروههای اشغالگر گل دادند و لبخند زدند ، نسیم آزادی بر لبان تشنه و صورتهای زرد ، گرسنه ، بدنهای خسته ، آزرده ، شکنجه ، شلاق دیده، قلوب غم و ماتم دیده وزیدن گرفت.

مردم ایران نیز این آزادی را جشن گرفتند و امید آنها چندین برابر گشت که زمان مرگ خدایان فرا رسیده است. خدایانی که نزدیک ربع قرن به تاراج و ویرانی پرداخته اند و نفس و عشق و امید را از ایرانیان عاشق و امیدوار گرفتند.

ولی بازهم غرور خدایی بر چشم حقیقت سایه می افکند. این خدایان ایرانی نما چنان در عشق خدایی و مالکیت بر جان و نوامیس بندگان و بردگان ذیل خود عشق و لذت می ورزند که هرگز به اطراف و مسائل پیرامون خویش بعنوان یک پند و تجربه و درس نمی اندیشند و آنها را سطحی و زود گذر و تنها برای خدایان دیگر می پندارند. آنها از همه سو در محاصره هستند، در کویت ، ترکیه، قطر ، افغانستان و پاکستان ، آسیای میانه، عربستان و عراق،اما عقابان، دجالان خسته و ناتوان را احاطه کرده اند. خدایانی که دیگر هیچگونه پایگاه و منزلتی در میان مردم خویش ندارد.

خدایان جمهوری اسلامی درگیر نبردی سنگین و مهلک در سه جبهه هستند: جبهه اول که بیشترین صف آرایی را در برابر آنها کرده است مردم ایران زمین هستند. بیست و پنج سال مقابله با طوفان انتظارات

بقیه در صفحه ۳۲

بقیه از صفحه ۹

هنوز بدنش گرم بود ولی نبضش نمی زد ، بی اختیار محکم تکانش می دادم و می گفتم : بهارم ، بهار جون بابا یه چیزی بگو ، بابا بهار ، بابابهار ... ولی انگار صدای منو نمیشنید !

بهرام با گریه : بابا چرا با بهار این جوری می کنی ، خب حالا بیدار میشه دیگه ، بابا نکن ، بابا نکن ...

ولی پسر بیچارم نمی دونست که خواهرش بهار، دیگه هرگز بهاری نخواهد داشت و دیگه هیچ بهاری را نمی تونه ببینه....!

و بعد هم به دنبالش بابک را یافتم ...!

بهرام گریه می کرد و یواشکی من به بابک می گفت : داداش بابک تورو خدا زنده شو ، بلند شو کمک بابا کن تا مامانی رو پیدا کنه ، ببین بابا داره گریه می کنه ، بلند شو ، داداشی ...

بهرام رو در آغوش گرفتم و گفتم بابات دیگه گریه نمی کنه ، قول می دهم که گریه نکنم ... گریه نکنم ....!

هم وطنم چی بگم ؟ ! از من ناراحت نشو ، آخه اگه با تو درد و دل نکنم ، به کی بگم ؟ به کی بگم که من و بهرام چه شبهای سردی را بدون هیچ سر پناهی و تنها به امید رسیدن نیروهای امداد دولتی سپری کردیم ...! ولی افسوس که ...؟

به کی بگم که چه احمقانه دنبال هلی کوپتر هوانیروز می دویدم و فریاد می زدم تو را خدا فقط یک بیل دستی برای من بیندازید ، شده بود مثل یک رویا ، فکر میکردم که الآن صدای منو می شنوند و کمک می کنند !ولی بی فایده بود ، بی فایده ....!

هم وطنم به کی بگم که امروز بهرام رو هم ندارم ؟ بهرامم رو هم از من گرفتند ...!

نمی دونم شاید تقصیر دل کوچکش بود که طاقت دوری خواهرش رو نداشت و این جوری منو تنها گذاشت و رفت !

آخه میدونی بهرام ، خواهرش رو خیلی دوست داشت . همیشه به من و مامانش می گفت : « من آرزو دارم که خدا یک خواهر کوچولو بمن بده ! »

و وقتی خدا بهار را به ما داد ، بهرام همش فکر می کرد که بهار مال اونه و یک احساس علاقه عجیبی به بهار داشت ، به طوری که یکبار وقتی بهار مشقهای مدرسه بهرام را پاره پاره کرده بود ، بهرام نه تنها ناراحت نشده بود بلکه رفته بود و بقیه کتابهایش را نیز آورده بود تا بهار پاره کند و بخندد.

بهرام ، پول توجیبی مدرسه اش را جمع می کرد و برای بهارش شکلات می خرید . بهرام ....!

نمی دونم دکترش که می گفت : «از ضربهٔ مغزی مرده ،خدا صبرت بدهد !»

ولی من میدونم که دکتر نمی خواست حقیقت را بگوید ! نمی خواست بگوید که اگر بچه ات را به بیمارستان می رساندند شاید زنده میماند ، نمی خواست بگوید که اگر دولت با امداد رسانهای مردمی همکاری می کرد شاید ... ! نمی خواست بگوید که جان بچهٔ تو و بچه های بم برای رهبران حکومت ارزشی ندارد ! نمی خواست بگوید که چند شب بدون هیچ سر پناه ، در این سرمای شدید خوابیدن ، برای یک بچهٔ ۱۰ ساله یعنی مرگ ، نمی خواست بگوید که اگر یکی از آن هزاران چادر اهدایی بدستم می رسید ، شاید فرزندم زنده می ماند ، او نمی خواست بگوید که ... ، ولی ! ولی نگاه دردمندش فریاد می زد .

هم وطنم امروز من ماندم و من ! و تنها آشنایی که برایم مانده تو هستی .اولش به خدا خیلی کفر می گفتم ، که چرا من یکی رو هم نبرد تا این همه غم و ناراحتی را نبینم ، چرا منو با یک کوه غم و غصه باقی گذاشته ؟ اولش واقعا نمی دانستم چرا ؟ ولی حال یافتم که هر کار خداوند حکمتی دارد ! و بی علت نیست که از هر فامیلی چند نفر باقی ماندند .

آری هم وطن ما زنده ماندیم تا تقاص خون عزیزان از دست داده امان را پس گیریم ! ؟

می دانم آنقدر فهیم و عادل هستی که بدانی از کی و برای چی !

از همان مسئولین بی کفایت و پول پرستی که فقط به فکر اندوختن ثروت های نا مشروع خود هستند ، همان هایی که با وجود چند زمین لرزهٔ روز قبل ، اعلام هشدار نکردند ، همان هایی که چادرها و کمکهای مردمی را بجای اینکه در اختیار ما مردم بم بگذارند در بازارهای آزاد میفروشند ، با همان هایی که وقتی رفته بودم به امدادگران خارجی بگویم :« اینها چادر و امکانات را به ما نمی دهند ! » مرا گرفتند و به مترجم آنها گفتند : این خانواده اش را از دست داده و دیوانه شده ، خطرناک است باید ببریمش !

اگر با کمک مردم موفق به فرار از دست این مزدوران دولتی نشده بودم الآن حتما اسم من هم جزءِ لیست کشته شدگان زلزله بود ، مثل خیلی از بمی های دیگر ... !

همان هایی که می گویند بودجه نداریم ولی می بینیم که چگونه پولهای مملکت ما را خرج تبلیغات و برگزاری دههٔ ، مثلا فجرشان می کنند ، همین ستاد فجرشان که ...!

آری هم وطن فاجعه بس عظیم تر از آن است که بتوانیم بر روی کاغذ بیاوریم ، ما بازماندگان بم هستیم ، ما هم قسم شدیم که تا آخرین قطرهٔ خونمان جلوی ظلم رهبران این حکومت ظالم ایستادگی کنیم و با از بین بردن این ظالمان که با بی کفایتی و بی مسئولیتی اشان باعث مرگ عزیزانمان شدند ، روح از دست رفتگانمان را در آرامش قرار دهیم .

هم وطن و هم میهن

پیشاپیش از شرکت نکردنت در انتخابات دروغین رژیم تشکر می کنیم و اعلام می داریم دست خائنین و نا هموطنانی که برای منافع پست و نا مشروع خود در انتخابات شرکت میکنند به خون کودکان ما آغشته خواهد شد و شامل همان رفتاری که بامسئولین بی مسئولیت رژیم خواهیم داشت ، خواهند شد .ما همه چیزمان را از دست داده ایم و برای نابودی قاتلان فرزندانمان از هیچ کاری کوتاهی نخواهیم کرد ، حتی اگر لازم باشد عملیات انتحاری انجام خواهیم داد . ما بمی هستیم هیچ وقت غیرتمان اجازه نمی دهد مهر بی رگی بر ما قرار بگیره ....!

هم وطنم ، آیا هیچ می دانی میزان تحصیلات شهردار و استان دار و مسئولین شهر سازی شهرستان ما چقدر بوده است ؟

آقایان فقط برای اینکه چند صباحی در خدمت حاج آقا ....؟ !

متاسفانه به دلیل کمبود جا از چاپ ادامه درد و دلهای این هم وطن به نام آقای نادر امیر آبادی از شهرستان بم ، در این شماره معذوریم ، ادامه در شمارهٔ آینده ...

بقیه از صفحه ۳۰

و خواسته های مردم، خدایان را خسته و بی رمق کرده است. دومین جبهه نبرد وجنگ در جبهه خارجی است که دیگر روز بروز بر انزوای بین المللی این خدایان می افزاید. آمریکا و جوامع بین المللی قدرت و بلندپیروازیهای این خدایان را در همه جا محدود و منکوت کرده است. دیر یا زود آزادیخواهان خدایان توخای را خواهند بلعید. سوین نبرد در قسمت درونی خویش است که جناحهای سیاسی برای کسب سهم بیشتر به جنگ فرسایشی و درگیری تمام عیار و همه جانبه با خود روی آورده اند. همچون اژدهای چند سری که به خوردن سرهای دیگر خود روی آورده اند. حتی سران رژیم هم با نا امیدی مرگ حکومت و خود را فریاد زده اند.

حکومت ملایان که تا دیروز کشتن سربازان عراقی را حلال و مبارک می خواند، حال از سردرگمی و ترس از ورود نیروهای آمریکا به قلمرو خدایی خود، سربازان عراقی را قدرتمند ترین و منظم ترین ارتش خاورمیانه قلمداد می کند که باید آنها را برای دفاع از خاک و ناموس و اسلام و مسلمین به مقابله با نیروهای کفر و ضد الهی کمک کرد. این روش کور و ناعقلانه همیشه منافع ملی کشور ما را در همه جای جهان حتی در اطراف کشورمان نظیر افغانستان، دریای خزر و خلیج فارس نابود کرده است.

اقتدار گرایانی که اقتدار خود را واژگون می پندارند حال سعی در حفظ آخرین سنگر خود به هر قیمت و بهایی می باشند.

وحشت و رعب بر تمام اعضای خدایان زور و فریب رعشه انداخته است. باز عداوت ، قدرت و ثروت از یکسو و جهالت موروثی این خدایان آنها را اصرار بر حفظ این عروس هزار داماد می کند. اینها چون با زور به مسند قدرت نشستند و با زور و خشونت و قتل و عام به حیات خویش ادامه می دهند قطعاً و مسلماً با نیرویی غیر از زور و اجبار و جنگ از میدان بدر نخواهند رفت. اصلاحات و رفروم کار عبث و بیهوده ای است چون نظامی که بر پایه نفرت، خشونت و خون و قتل بنیان شده است چگونه با گفتگو و صلح و دوستی، اسلحه بر زمین می نهد.

سرنوشت خدایان جهل و نادانی و زور همچون هم قطاران خویش سرنوشتی شوم و تلخ و همراه با گم شدن در صفحات تاریک و آلوده تاریخ خواهد بود. آزادی ما همچون همسایه ما افغانستان و عراق بزودی نزدیک است ولی امیدواریم هزینه گرفتن این آزادی با هوشیاری و متانت احزاب سیاسی و گروه ها و اقوام مختلف ایران عزیز ما به کمترین حد ممکن نزدیک باشد.

به امید رستگاری و بهروزی و آزادی کشورمان ایران

فرامرز بیگدلی

توجه توجه توجه.....! اخطار اخطار.....!

از خوانندگانی که به جوکهای خنده دار حساس اند ، تقاضا داریم این فرمایش رهبر کبیر انقلاب اسلامی را ندیده گرفته و نخوانند...!؟ در غیر این صورت اگر از خنده غش کردند مسئولیت آن با علی خامنه ای می باشد....!

رهبر کبیر و عظیم جمهوری اسلامی فرمودند : شرکت نمایندگان مجلس در اعتراضات و تحصن های مجلس و همچنین تقاضای استعفاء در شرایط کنونی خلاف قانونی و شرعی می باشد و حرام است....!

ها ها ها ها ها ها ها....

خب بس دیگه ! بابا اون بندهٔ خدا هم یه وقت از دستش در میره دیگه ! خودت که میخندی تا حالا از دستت در نرفته ؟

مگر اطلاعیه دفعهٔ قبلشان یادت نیست که گفتند : دیدن برنامه های ماهواره ای و خرید دیش و رسیور در خارج از کشور جهت دیدن برنامه هایشان در شبکهٔ جام جم حلال است و در داخل کشور حرام است به همین مناسبت هر وقت که اوباششان بی پول میشوند و سر گرمی ندارند برای رضایت خاطر رهبر به منازل مردم زجر کشیده حمله میکنند و دیش و رسیور آنها را ضبط کرده تا دوباره توسط عناصر خود در بازار به فروش برسانند در ثانی بر طبق احادیث موجود و مستند و کلام صریح قرآن فرد ناقص العضو (ناقص العقل بودن که بجای خود) شرایط امامت نماز معمولی را هم ندارد چه رسد به رهبری !

■■■

سخنگوی شورای نگهبان جمهوری اسلامی

دلیل رد صلاحیت خانم زهرا اشراقی ، نوهٔ خمینی ، همسر محمد رضا خاتمی نائب رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از برادران رئیس جمهور را این چنین اعلام کرد :

طرز لباس پوشیدن و آرایش ایشان در مسافرتهای خارج از کشور بسیار زشت و وقیحانه بوده که در شان یک زن آخوند زاده نمی باشد .

فائزهٔ رفسنجانی در یک خود شیرینی اعلام کرد :

حاج عمو جون ، سخنگوی شورای نگهبان حتما طرز لباس پوشیدن و آرایش همسر و دخترآقای دکتر حبیبی معاون اسبق رئیس جمهورهای ایران و عضو فعلی شورای مصلحت نظام را ندیده یا اگر هم دیده حتما توجه نکرده ، چه خانم سوفیالورن ، هنر پیشهٔ سکسی نیز از توصیف آن عاجز است و اعلام داشته : آخه بابا هر چیزی یه حدی داره . فائزه رفسنجانی اعلام داشت ، حاج عمو جانهای عضو شورای نگهبان می بایست به نوع و طرز لباس پوشیدن خانمها کاری نداشته باشند چه این موضوع لباس پوشیدن و آرایش و خال کوبی لبها و ابرو ها ممکن است برای خود حاج عموها هم یک دردسر خانوادگی ایجاد بکند و بهتر و شاید مناسب تر بود که علت رد صلاحیت خانم اشراقی را به دلیل حضور همسرشان به عنوان نماینده مجلس اعلام میکردند ، چون آخه مگر از یک خانه چند نفر میتوانند همزمان نماینده مجلس باشند بالاخره یکی باید مواظب بچه ها باشد ، من پیشنهاد میکنم آنها شیر و خط کنند تا قال قضیه کنده شود و حق ما هم برای شرکت در مجلس از بین نرود . در ضمن حقوق مجلس برای یک زندگی عادی کفایت میکند ، پس اگر یکی از آنها هم در مجلس کار کند مشکلی در مخارج منزلشان پیش نخواهد آمد .

■■■

فائزه رفسنجانی علت اخراج خواهرش از حلال احمر را چنین توضیح داد:

خواهرم در حلال احمر هیچ گونه اختلاصی نکرده است و علت اخراجش ، طرز لباس پوشیدنهای نامناسب دوست و رئیسش خانم شفیقهٔ حبیبی (همسر دکتر حبیبی) بوده است که به خواهر من نسبت داده اند.خواهرم فقط در چند مسافرت خارجی به فرانسه ایشان را همراهی کرده اند و در هیچکدام از پارتی هاو مجالس آنچنانی شفیقه خانم شرکت نکرده است . در ضمن از فرصت استفاده میکنم و از شفیقه خانم می خواهم که آن قرآن خطی که به تازگی از کشور خارج کرده اند را در محل امنی نگهداری کنند چون متعلق به پدر من میباشد .

قهرمان کشتی فرنگی ایران، از چنگال رژیم خونخوار ایران گریخت:

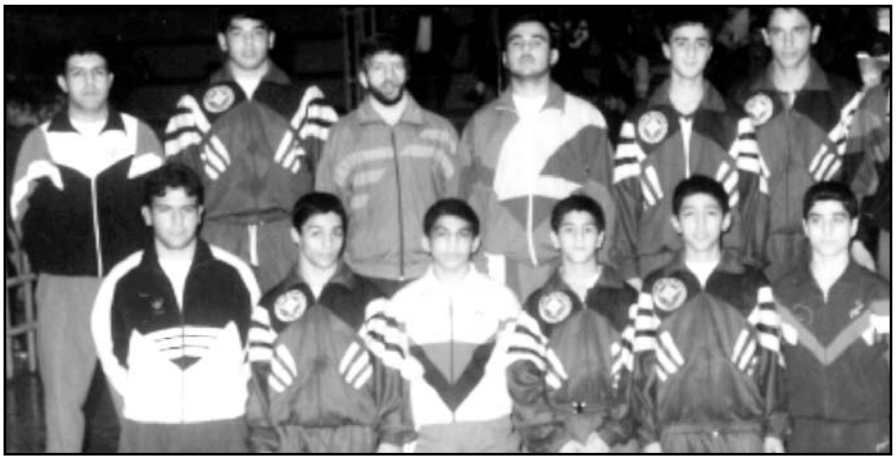

کارن نظیری معروف به سعید نظیری در گفتگویی با مجله بامداد ایران ضمن معرفی بیشتر خود ، علت گریختنش از دست جلادان روحانی نما را چنین توضیح داد :

با سلام خدمت شما و همهٔ خوانندگان مجله ، من کارن نظیری مهدی پور هستم ، ورزش کشتی را در سن ۱۱ سالگی از محله های پائین شهر آغاز کردم و پس از ۲ سال در سن ۱۳ سالگی مقام اول تهران را کسب نمودم و به مسابقات کشوری نونهالان ایران در تاکستان اعزام شدم . موفقیتهای من در تیم بزرگسالان هم همچنان و پی در پی ادامه داشت تا هم اکنون که در خدمت شما می باشم .همانطور که می دانید کشتی یک ورزش باستانی و پهلوانی ما ایرانیان می باشد و مسلماً یک کشتی گیر ایرانی باید تا آنجا که می تواند به این اصول پایبند باشد ، و این همان چیزی است که حاکمان رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی با آن کاملا مخالف هستند ، نمی دانم تا چه حد از وضعیت بچه های تیم ملی در سایر رشته ها اطلاع دارید ؟ ولی عزیزان باور کنید کسانی که لباس تیم ملی ایران را بر تن میکنند زیر بار شدیدترین فشارها قرار می گیرند !در یک بازی به اجبار می گویند باید ببازی ! ؟ باید این لباسی که شعار ای رهبر آزاده ... روی آن نوشته شده را در مسابقه ات بپوشی ! ؟ اگر می خواهی در تیم باقی بمانی باید در نماز جمعه و تظاهرات ضد مردمی شرکت کنی ؟ ! باید در همه مصاحبه هایت از رهبر تشکر کنی و در جلسات تدارک دیده شده بمنظور دست بوسی رهبر شرکت کنی ...! و در واقع برای باقی ماندن در تیم باید هر گونه خفت و خواری را تحمل کنی ، باید به جای یک ورزشکار یک سیب زمینی شوی !

البته ممکن است در بعضی از رشته های ورزشی ، خودفروشانی باشند که این مسائل برایشان مهم نباشد ولی این قضیه برای کشتی و کشتی گیر ننگ است ، ورزشی که جهان پهوان تختی ، اصول آنرا بر اساس مردانگی و آزادگی قرار داده است ، زیر بار اینگونه خفتها نخواهد رفت .

و چنین ظلمهای آشکار رژیم و کشتار مردم بی گناه ، روحیه مبارزه و عدالت خواهی را روز به روز در ما جوانان ورزشکار تقویت کرد تا بدانجا که بر حسب وظیفه ملی با کمک و یاری سازمانهای سیاسی داخل کشور توانستیم به مبارزه علیه دیکتاتورهای حاکم بپردازیم و در اینجا از فرصت استفاده میکنم و از کلیه ورزشکاران ایرانی ، به عنوان یک برادر کوچکتر می خواهم که به یاری ملت مظلوم و تحت ستم ایران بپردازند و پیشاپیش ملت در این حرکت ملی شرکت کنند تا دِین خود را به عنوان یک ورزشکار از تبار پوریای ولی به میهن خود ادا کرده باشند .

بیش از این مزاحم خوانندگان مجله نمی شوم و البته امیدوارم در آینده نیز توفیق همکاری با مجله را پیدا کنم تا بتوانم نحوهٔ مبارزاتم و مواردی چند از جنایات بی شمار رژیم را باهموطنان عزیزم در میان بگذارم .پاینده ایران ، سر فراز باد پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران

اطلاعیه

سازمان حمایت از زندانیان سیاسی

جهت حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده آنها نیازمند به کمک های مالی و معنوی شما می باشیم. در صورتیکه خواستار کمک به هموطنان مبارز هستید لطفاً با تلفن:

۰۲۰ ۸۳۶۵۰۸۸۰

تماس بگیرید.

اطلاعیه

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

هموطنان عزیز،
بعلت مسائل امنیتی

«دفتر مرکزی سازمان»

به محل جدید منتقل شده است.

اطلاعیه

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

هموطنان عزیز،
جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران از ملاقات و پذیرفتن افرادی که بدون وقت قبلی به دفتر سازمان مراجعه کنند معذور است.
لطفاً برای اطلاعات و تعیین وقت ملاقات با تلفن زیر تماس بگیرید.

۰۷۹۵۷۳۵۷۱۴۷

قهوه خانه

مش قنبر

بزودی

در مرکز لندن

با پارکینگ

اختصاصی

افتتاح می شود

انجمن ایرانیان انتاریو، در خدمت هموطنان عزیز و تازه واردین به کانادا می باشد.
کمك و راهنمایی در امور: پناهندگی - مهاجرت
تشکیل کلاسهای مختلف آموزشی:
کامپیوتر - زبان
کمك در تهیه مسکن و کاریابی در خدمت هموطنان می باشد.

Iranian Community Association of Ontario
501 A - 1315 Lawrence Avenue. East
Toronto, Ontario, M3A. 3R3
Canada

روز توطئه برای گرفتاری و فریب ملت بزرگ ایران

به مناسبت ۲۲ بهمن روز توطئه بزرگ برای فریب دادن و در بند کردن ملت بزرگ ایران وسیله گروههای مافیایی و چپاولگر و جنایتکاران بین المللی با همدستی و هدایت چند ملای بی وطن و عامل و همدستانشان، در مقابل سفارت اشغالی ایران در لندن به تظاهرات می پردازیم و از همه هم میهنان گرامی با هر مرام و عقیده درخواست می کنیم شرکت در این تظاهرات اعتراضی را وظیفه ملی خود بدانند و با شرکت و حضور خود به آن رونق بخشند.

زمان: ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ بهمن برابر ۱۱ فوریه ۲۰۰۴.
مکان: مقابل سفارت اشغالی ضلع جنوبی هاید پارک PRINCES GATE

نزدیکترین ایستگاه آندرگراند: High Street Kensington - South Kensington

تلفن اطلاعات: ۰۷۹۵۷ ۳۵۷ ۱۴۷

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران - حزب مشروطه ایران شاخه لندن

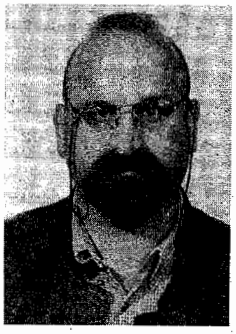

رامین مستقیم

اگر از یک انگلیسی زبان بپرسید که خروس چگونه سپیده دم را بشارت می دهد ، فرد انگلیسی زبان صدایی از خود در می آورد که اگر بخواهیم با الفبای فارسی آوانگاری کنیم به این صورت در می آید : کیلی کیلی

و اگر همین پرسش را با یک فارسی زبان در میان بگذاریم خواهد گفت : قوقولی قو

از خود می پرسیم که مگر خروس انگلیسی ها با خروس فارسی زبان ها فرق دارد یا ساختمان تولید صدا در خروس های انگلیسی با فارسی زبانها تفاوت می کند؟ پاسخ زبان شناسان و پرنده شناسان به این پرسشها منفی است. تفاوت در ظرفیت شنیدن و بازتولید هر زبان است . هر زبانی، از جمله زبان فارسی، طبیعت بیرونی را به گونه ویژه‌ای می بیند و می شنود. و این نوع ویژه باز تولید واقعیت بیرونی به گویشور این زبان، جهان و بینی ویژه‌ای را تحمیل می کند .برای مثال در یک متن فارسی می خوانیم که شب پا ورچین پاورچین آمد. از نظر گویشور فارسی شب شخصیت انسانی دارد و مانند هر انسانی گام می زند . اما در ذهن یک انگلیسی زبان Night falls یعنی شب فرو می افتد . در واقع فرد انگلیسی زبان، شب را پرده نمایش می بیند که به پائین فرو می افتد. با مشاهده این نمونه ها در زبانهای مختلف است که این پرسش فلسفی و زبانشناختی مطرح می شود که آیا نخست

خانه عفاف:
واپسین دروغ رسمی در زبان فارسی

بقیه در صفحه ۳۷

زبان بود و بعد تفکر آمد؟ یا بالعکس؟ این همان حکایت قدیمی مرغ و تخم مرغ است. این جمله از لایب نیتز فیلسوف آلمانی زبان است: زبان بهترین آینه فکر انسان است.

در هر زبان اشکال و کلمات مختلفی برای گفتن یک واقعیت بیرونی و یا درونی وجود دارند. اشکال و کلمات مترادف هیچ وقت با هم در همه وجوه یکسان نیستند.بلکه حوزه های معنایی متفاوتی را اشغال می کنند .

کسانی که بیمار مشرف به مرگ در بیمارستان داشته اند خوب می دانند که وقتی از پزشک معالج درباره وضع بیمار رو به مرگ خود می پرسند. پزشک در پاسخ می گوید: حالش اصلا خوب نیست. یا: امیدی نداشته باشید. در واقع پزشک به عمد از بکار بردن فعل مرگ خودداری می کند. این نوع بکارگیری را خوش نگریستن یا حسن تعبیر Euphemism می نامند . اصلا همین کلمه فارسی بیمار در خود حسن تعبیر دارد . یعنی نا میرا. به عبارت دیگر گویشور فارسی وقتی کسی را بیمار می نامد تلویحا آرزوی زنده ماندن او را ابراز می کند. در جنگ ویتنام، بعضی از مطبوعات وابسته به حاکمیت آمریکا از واژه های مختلف برای مرگ ویتنامی ها و سربازان آمریکایی استفاده می کردند. زمانی وزارت کشاورزی آمریکا به دام های دامداران و کشاورزان نام واحدهای جانوری مصرف کننده غلات اعطا کرد. در زبان انگلیسی به این کاربرد زبان Double Speaking (به حقه بازی سخن گفتن) می گویند. نمونه های فارسی از این دست را خوانندگان نیک بخاطر می آورند.!! حسن تعبیر از زهر واقعیت می کاهد، اما همانند خود زبان، هم برای گفتن حقیقت و هم برای پوشاندن حقیقت استفاده می شود.

با این دیباچه کوتاه به این نتیجه می رسیم که با بررسی شیوه بکار گیری یک زبان و حوزه های معنایی کلمات و واژگان، می توان به نگرش گویشوران یک زبان پی برد.

نگارنده بر این باور است که گویشوران فارسی زبان، از این زبان برای دروغ گفتن به خود و دیگران بیشتر استفاده می کنند تا بیان حقیقت.

نمونه های این دروغ گویی بسیارند: بعد از انقلاب اسلامی به اسیر سابق در جنگ گفتند آزاده و به مدارسی که با وام دولتی ساخته یا تاسیس می شدند و می شوند و بابت پذیرش دانش آموز شهریه های هنگفت دریافت می کنند می گویند غیرانتفاعی. در حالی که موسسان این مدارس سود می برند و اگر هم ضرر بدهند مدرسه خریداری شده با وام بانکی را به قیمت روز می فروشند و ارزش افزوده جبران همه ضررها را می کند. به بلیط های بخت آزمایی پیش از انقلاب گفته شد: ارمغان بهزیستی و به برندگان جوایز نام نیکوکار اول و دوم و غیره اسم دادند. همه می دانند که به ربای بانکی هم نام بی گناه کارمزد می دهند و روزنامه کیهان هر هفته خبرهایی از مبارزه با ربا خواران را منتشر می کند!

جرئت زدن مثال های بیشتر را ندارم. خوانندگان از صنعت کنایه زبان فارسی استفاده کنند و خود حدیث مفصل از این مجمل بخوانند. و اما برای آن دسته از منتقدان و مخالفان انقلاب اسلامی هم یادآور شوم که پیش از انقلاب هم فارسی زبانان از فارسی همیشه برای گفتن حقیقت استفاده نمی کردند. نمونه ها فراوان هستند: مدارس هدف و خوارزمی که غیردولتی و خصوصی بودند ملی Nationalized نامیده می شدند و مترجمان و فرنگی ها را گیج می کردند. زیرا معادل این مدارس در غرب خصوصی Private بود و هست. یادمان باشد در زبان فارسی همیشه به کچل زلفعلی گفته اند و بر زنگی، کافور نام نهادند.

واپسین دروغ رسمی که در زبان فارسی ضرب شد خانه های عفاف بود. محله ای که این خانه ها در تهران پیش از انقلاب در آن واقع بودند قلعه نام داشت و پس از نوسازی، به آن شهر نو می گفتند که آنهم نام بی مسمایی بود.

وقتی چند سال پیش دریافتم که در افغانستان به چنین محله های خرابات می گویند به این نکته ظریف پی بردم که دست کم گویشوران فارسی دری و پشتو از همسایگان مرفه تر خود بیشتر زبان را برای گفتن حقیقت بکار می گیرند. آن وقت بود که فکر کردم شاید فارسی زبانان از خلاف آمد Paradox عادت جمعیت خاطر می یابند. زیرا حافظ می گوید : در خلاف آمد عادت به طلب کام که من /کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم. باز همین حافظ است که رندانه در همان خرابات مغان نور خدا می بیند.

اگر برخی از خوانندگان فکر می کنند چون قرار است در این خانه ها زنان به اصطلاح عده نگاه دارند و صیغه جاری شود، پس همه چیز با گذشته فرق دارد، باید به عرض برسانم که اگر مراجعه کنندگان به این خانه ها از زبان فارسی برای راست گویی استفاده کنند ودر شعب بانک خون پیش از اهدا خون خود آشکار کنند که مثلا در یک سال گذشته، ونه حتی ۳ ماه قبل ، خانمی را صیغه کرده اند، از آنها خون گیری نمی شود، زیرا خطر آلودگی به ویروس ایدز وجود دارد.

نگارنده اخلاقیات ترویج نمی کند، فقط قصد دارد خطر دروغ گویی را گوشزد کند و نیک می داند که هیچ یک از جوامع بشری عرضه و تقاضای ثابتی برای فرو نشاندن آتش غریزه جنسی ندارد. به زبان پرنده شناسان و زیست شناسان همیشه عده‌ای نر یا ماده پرچین نشین وجود دارند که به علل مختلف بخت داشتن سهم در گنجینه ژنی Gene Pool هم گونه های خود را ندارند . از این افراد نمی توان انتظار داشت گردن کج کنند و گوشه پرچین (بخوان حاشیه جامعه) توی لک بروند تا برخاطر خطیر اخلاق مندان گردی ننشیند.

در متون ادبیات فارسی در باره زنان این خانه ها کلمه روسپی، تن فروش یا عشق فروش بکار می بردند که دست کم به حقیقت نزدیک تر است و دست کم اشخاص بهره کش از این زنان آگاهانه خطر می کنند. با نام گذاری دروغین واقعیت عوض نمی شود. یا قضا را تغییر دهید و یا واقعیت را بی پرده پوشی بپذیرید.

دروغ کلمه‌ای باستانی است و در پهلوی دروج تلفظ می شد. نخستین بار در کتیبه های بیستون این کلمه نکوهش می شود.

کتیبه های بیستون پس از قلع و قمع چند بردیای دروغ گو که خودرا به جای برادر مقتول کمبوجیه پاده شاه اعلام کرده بودند، بر سینه کوه بیستون کنده شدند.

می توان به دلیل وجود این کتیبه ها وارثان زبان پهلوی و خط آرامی یعنی ما پارسی زبانان را راستگو نامید . اما به حکم عقل سلیم می دانیم هرکجا که اخلاق را با بوق و کرنا تبلیغ می کنند، در عمل از آن نشانی نیست.

برشت، نمایش نامه نویس آلمانی در کتاب اندیشه متی می گوید.: اگر درجامعه ای مردم از شرف دم زدند، بدانید آن را ندارند.

پس نخست نام آن خانه های عفاف را به واقعیت نزدیک کنید و بعد بحث در باره بود یا نبود آنها را ادامه دهید!

دانشجوی ایرانی و ...

امروز هیچ وجدان بیداری نمی تواند حضور دانشجویان ایرانی را در جایگاه سیاسی نادیده بگیرد. جنبش دانشجویی داخل بر ضد آخوندهای نا بخرد دستور فرما در تاریخ پر عزت جاودان ایران مایه دلگرمی و نیرو دادن به اپوزیسیون خارج است. در این راستا اگر بگوییم پیدایش بسیاری از پسرفت های ملی در نتیجه خاموشی جوشهای دانشجویی بوده است یاوه سرایی نکرده و در واقع، کنه واقعیت را ادا کرده ایم.

تک محوری، خود سری، استبداد ارتجاعی دینی اندک گروه ملایان حاکم بر ایران بیشتر از هر عاملی از ترس خیزش فراگیران آموزش دانشگاهیان سرچشمه می گیرد. در ایران امروز خفقان از زوایای گوناگون قابل حس است و آنچه بیش آشکار می نماید اضطراب ملی سیاسی است. غلیان خون دانشجوی آزادی خواه و مبارز در زمان یا مکان خاص نمی گنجد. دانشجوی ملت خواه و میهن پرست احساس دانشجویی را فقط در ۱۶ آذر نمی داند و حرکت سیاسی خویش را فراتر از حدود زمانی باز دارنده می داند.

دانشجویان باید در شناسایی و معرفی عامل یا عوامل فرصت طلب، دم جنبان و افراط گران مرتجع و به طور کلی گروه ها و جماعت انحصار طلب و تمامیت خواه که در همه امور جاری کشور خود را و نه ملت را محور قرار داده اند و به خیل مردم توجهی ندارند بیش از گذشته و حال تلاش نمایند، در غیر اینصورت، جنبش دانشجویی عقیم و بی نتیجه خواهد ماند. حرکت های دانشجویی امروز دانشگاهیان ایرانی در تمام خبرگزاری های بین المللی در اروپا، آسیا، آمریکا، استرالیا و آفریقا بازتاب دارد. مجامع جهانی مدافع حقوق بشر در اثر مبارزه سیاسی دانشجویان ایرانی رژیم واپسگرای سراپا تبعیض آخوندی را به عقب نشینی مجبور کرده است.

ملایان فرمانفرما بر ملت ایران به هر روی و از سر ناگزیری به کنواسیون بین المللی خلع سلاح اتمی پیوست تا به این طریق بتواند احترامشان را به اصول بین الدول و نه بین الملل اثبات کنند! به عبارت دیگر، رژیم در صدد است با این ترفند سرکوب دانشجویی داخل را از فهرست اعمال ضد بشری خود محو کند. این قرار دادی است که جمهوری اسلامی به آن اندیشیده است. اما غافل از آن آیا رژیم ددمنش به این نکته نیز توجه کرده اند که به بند کشیدن، شکنجه، اعدام، ترور، قتل های پنهانی و زندانی نمودن هزاران دانشجو به هیچ روشی جای اختفا ندارد؟ آیا آخوندها که بعضاً ایرانی هم نیستند و مسؤلیت ملی و بین المللی به اصطلاح، امنیت کشوری را بر عهده دارند می دانند که وجود بی وجودشان برای ملت چون گاوان شکمخواره بر گلزار ایران است.

سرکوبگران زمامدار ایران امروز بداهت خویش را نشانه تصدیق عقلی خویش می پندارند و بر آن نیز پای می فشارند از آن حیث که معنای واژه حقوق بشر یا حقوق را اعمّ از مرکب و انتزاعی درک نمی کنند. علاوه بر آن، منکر فضای باز سیاسی و بر قراری جامعه مردم سالار و مدنی هستند و بر عکس به حاکمیت ارزش های واپسگرانه دینی معتقدند و تداخل سیاست و دین را منفک ناپذیر می دانند.

در برهه زمانی کنونی دانشجو نمی تواند خاموشی اختیار کند و پر مسلم است اگر تفکر ظلم ستیزی دانشجو بر مبنای حدود مبارزات سیاسی غیر قابل تسخیر، منسجم، بی وقفه و مستحکم باشد در نتیجه، اشراف اندیشه و عمل دانشجویان نیز ظالم سوز خواهد بود.

رخداد ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه تهران و به تبع آن حرکت های اعتراض آمیز مملو از انزجار دانشجویان کشورمان در شهرها و استانهای مختلف نشانه اثبات اندیشه دانشجویی غیر قابل تسخیر، منسجم، بی وقفه و مستحکمی است که در واقه بیانگر خشم ها و نفرت های پنهانی روشنفکران سیاسی ما در میدان های علم، صنعت و هنر است. پس از مدت زمانی کوتاه از زمان ظهور واقعه ۱۸ تیر احکام صادر شده از سوی شیاطین آدم نمای منصوب در قوه قضاییه که خود بر گزیدگان شیطان اکبر هستند به حکم اعدام شماری از دانشجویان از جمله احمد باطبی، مهرداد لهراسبی و اکبر محمدی منجر شد.

فواصل ۱۳۸۲ - ۱۳۷۸ خیزش دانشجویی بسیار مشهود تر از قبل است، طی هر اعتراض صدها و هزاران دانشجو باز داشت، شکنجه، زندانی و اعدام شده اند و مجامع حقوق بشر جهانی همچنان تبصره و بخشنامه بین المللی انتشار می دهند. از زمان دولت خاتمی اوضاع حقوق بشر در ایران به قول آنها در حال بهبودی است !؟ در حالی که واقعیت آن است که ما جز حقوق ضایع شده مردم اثری از بهبود نمی بینیم.

جناب خاتمی نه تنها وضعیت نا بسامان ایران را به ضرر ملت ایران آشفته تر کرد بلکه هنگامه را به نفع رژیم نیز سامان داد.

در واقع ایشان همان گرگ آدمخور بود که به گله اعتماد مردم حمله کرد. آری، این واقعیت وجود سید افضل، خاتمی است. آقای رییس جمهور خاتمی با توسل به حربه فریب، دانشجویان را تحریک کرد تا مخالفین سیاسی را در دانشگاها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور شناسایی کند و تا حدی هم موفق شد و توانست با هماهنگی مقام معظم رهبری - کشتارهایی را برنامه ریزی کند که حق بود جایزه نوبل - دیگری هم به مبتکر گفت و گوی تمدن ها می دادند!

آری، این واقعیت وجود سید افضل، خاتمی است:

گوسپند سلیمش بینی در مقابل گرگ آدم خوار.

مشارکت و نقش سردار سازندگی، آیت الله رفسنجانی (!) در پس پرده سرکوب دانشجویی شرحی دگر دارد و در این مقال نمی گنجد.

جهانگیر حاجی پور
دانشجوی فوق لیسانس حقوق کیفری

به عکس خانوادگی روبرو خوب دقت کنید ...!

چون نمایش کمدی ـ سیاسی « مجلس تحصن میکند » در داخل کشور مورد استقبال مردم قرار نگرفته است ، لذا به دستور کارگردان فنی آن (ملقب به اسم هنری **آقا**) قرار شده است کلیه پلاکاردهای تبلیغاتی ، به زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شود ، تا بلکه تماشاگران خارجی محو این اثر هنری شوند و باور کنند که در ایران آنقدر آزادی بیان موجود میباشد که هنر پیشه های سیاسی اش می توانند چنین فیلمی را حتی بازی کنند ... !

خودمونیم ، راستش ما که نفهمیدیم اینها نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند یا نمایندگان مجلس انگلستان و ... ولی این اولی را خوب میشناسیم :داداش مملو ست

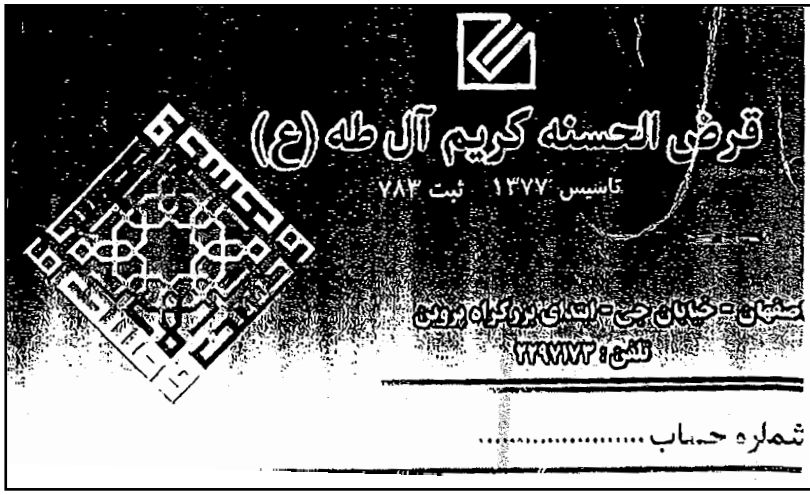

هشداری به همهٔ هموطنان

از آنجایی که سران رژیم جمهوری اسلامی در یافته اند که دیگر رفتنی هستند و در مقابل موج مردمی یارای مقاومت ندارند ، متاستفانه در چپاول و غارت هر چه بیشتر اموال عمومی بایکدیگر مسابقه گذاشته اند !

به طوری که طبق اطلاعات رسیده موجودی بسیاری از بانکها را به حسابهای شخصی خود در خارج منتقل کرده اند و یا از طریق تاسیس موسسه های قرض الحسنه پولهای مردم را کلاه برداری میکنند ، که عکس روبرو گواه مستند یکی از این کلاه برداری های دولتی میباشد لذا بر حسب وظیفه به کلیه هموطنان توصیه میکنیم هر چه زودتر پولهای خود را از بانکهای جمهوری اسلامی خارج نمایند تا بدین ترتیب دارایی آنها از گزند این راهزنان در امان بماند

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران
متشکل است از:

۱- سازمان حمایت از زندانیان سیاسی و خبرنگاران و روزنامه نگاران ایران
۲- سازمان دانش آموزان و آینده سازان ایران
۳- سازمان معلمان و دبیران راه اتحاد ملی و میهنی ایران
۴- سازمان زنان پیش تاز ایران
۵- اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران
۶- حزب ایران فردا

UNITED FRONT OF IRANIAN NATIONALISTS
جبهه اتحاد ملّی و میهنی ایران

دفتر روابط عمومی
جبهه اتّحاد ملّی و میهنی ایران

Tel: 020 8365 0880 / Fax: 020 8365 0117

تلفن سازمان حمایت از زندانیان سیاسی
۰۰۴۴-۰۲۰-۸۳۶۵۰۸۸۰

www.ufin.org
email: info@ufin.org

Po Box 25900 London N18 4WP- England

پیروزی نهایی
از آن مردم مبارز ایران است
تا آخرین قطره خون از دانشجویان قهرمان
حمایت می کنیم

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

از سایت اینترنت ما دیدن کنید
بزودی رادیو هفتگی ما را از طریق اینترنت خواهید شنید

مجله بامداد ایران
هموطن مبارز

کمک های مادی شما، ما را در رسیدن به هدف مقدسمان که آزادی ایران از چنگ دیو صفتان روحانی نما است یاری خواهد کرد.

حکمت و حکومت

آخرین اثر و تحقیق
دکتر مهدی حائری یزدی
منتشر شد
بهترین اثر در ابطال ولایت فقیه بر اساس متون اسلامی

این کتاب در جمهوری اسلامی ممنوع الانتشار می باشد
این کتاب فقط از طریق پست قابل خرید می باشد
لطفاً مبلغ ۷ پوند برای هر جلد کتاب به آدرس زیر ارسال دارید.
لطفاً چک یا حواله بانکی را در وجه UFIN صادر کنید

Po. Box. 25900
London N18 4WP
England

فال ماه

فروردین

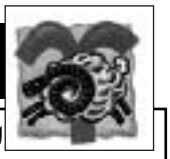

انتظار شما در این ماه به پایان خواهد رسید. آینده ای روشن و مملو از خبرهای خوب و امید بخش به شما نوید زندگی بهتر را خواهد داد. مراقب سلامتی خود باشید. مسافرت های زیادی در پیش دارید.

اردیبهشت

صبر و شکیبایی که بزرگترین سرمایه شما است در این ماه باعث آسودگی خاطر شما می شود. از خرج های بی علت جلوگیری کنید. در خرید و فروش املاک دقت بیشتری بکنید.

خرداد

نگران آینده نباشید. پشتکار و همت شما خود باعث تامین و تضمین آینده خواهد بود. از کدورتی که با اقوام دارید دلگیر نشوید بزرگان فامیل اعتماد به حرف های شما دارند. از کمک هایی که به شما می شود استقبال کنید.

تیر

حوادث مهمی در این ماه خواهد افتاد که به نفع شما چرخش روزگار را تغییر خواهد داد. از خود پسندان دوری کنید و سرمایه های خود را در راه های تکنولوژی به مصرف برسانید. در راه و کسب جدید موفق خواهید شد.

مرداد

عشق های دوران جوانی و خاطرات خوش گذشته تمامی قدرت تفکر شما را به خود اختصاص داده است. کمی هم به فکر ساختن و محکم کردن فردای خود باشید. از مخارج زیادی و غیر ضروری دوری کنید.

شهریور

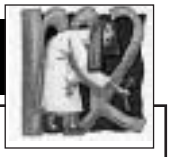

خواستن توانستن است. شما از دیگر نزدیکان چیزی کمتر ندارید. اگر به نصیحت های بزرگان توجه کرده بودید الان نگرانی نداشتید. بیماری شما بزودی خوب خواهد شد و در کسب کار موفقیت بدست خواهید آورد.

مهر

به صدای درونی خود گوش بدهید. امروز زمان سرعت و استفاده از امکانات موجود است. با دکتر خود مشورت کنید و تا دیر نشده شرایط را به نفع خود تغییر بدهید. از مسافرت های بیجا خود داری کنید.

آبان

متولدین این ماه با توجه به همه امکاناتی که خداوند برای آنها مهیا کرده همیشه در میدان زندگی حیران هستید. امروز روز برخاستن و نشان دادن چهره واقعی خود به دیگران است. تصمیم های ضروری را هرچه زودتر بگیرید.

آذر

عدم اطمینان به خود باعث همه نگرانی های شما است. در دنیای خیالی خود همه را دشمن میبینید. اگر به آینده خود و نزدیکان علاقه دارید رفتار خود را عوض کنید و مهر اطمینان را بر صفحه تفکرات خود بزنید.

دی

لبخند دنیا مدتی است که بر روی شما زده شد.حرکات شما خود نشانگر روحیه شما است. دیگران همه چشم به شما دوخته اند. از این فرصت طلایی استفاده کنید. همسر آینده شما در سالن های دیسکو پیدا نمی شود. به اصل و بدل توجه کنید.

بهمن

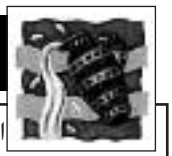

امید های شما در این ماه از دست رفت و در همین ماه هم همه درها دوباره بروی شما باز خواهد شد. اگر تحصیل می کنید موفقیت زیادی در این راستا بدست خواهید آورد که شگفت انگیز است.

اسفند

عدم تعادل روحی شما بخاطر دلشوره های بیجا و غیر منطقی شما است. خانواده خود را در نگرانی نگه ندارید. با دوستان رابطه عاطفی بر قرار کنید و از ریسک کردن نترسید.

جهت اطلاع اعضاء رسمی سازمان

بدینوسیله به اطلاع می رساند جهت حمایت از زندانیان سیاسی و افرادی که به جرائم نقدی محکوم شده اند و همچنین خانواده های آنها نیاز فوری به کمک شما می باشد.
میزان کمک و مبلغ آن مهم نیست. مهم این است که در حد توان به زندانیان دربند در ایران کمک شود.
در صورت تمایل، لباس و هر گونه کمک غیر نقدی برای این خانواده ها و ارسال آنها می توانید بسته های خود را به جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران داده تا ما آنها را به نام خودتان به دفتر سازمان ملل تحویل دهیم.

یاد آور می شویم کمک های شما برای آنها که در زندانهای حکومت استبدادی آخوندی بسر می برند بسیار با ارزش است.

به امید پیروزی و آزادی زندانیان سیاسی
روابط عمومی جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

هموطن

داروهای مصرف نشده خود را به دفتر
جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران
آورده تا پس از بازدید و تشخیص نوع آن توسط یکی از داروسازان ایرانی
جهت مصرف و معالجه
آن گروه از هموطنانی که شدیداً به دارو احتیاج دارند به ایران ارسال شود.

Po. Box. 25900
London N18 4WP
England
Tel: 020 8365 0880

آشنا منتشر شد
مجله آشنا با کمک و همکاری ارزند ترین روزنامه نگاران آزاده با مطالبی برای همه افراد اجتماع
«آشنا» را از روزنامه فروشی ها و مراکز ایرانی و بین المللی تهیه نمایید
مجله آشنا رایگان است.
برای آگهی و کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۰۷۹۷۰ ۵۳۳ ۲۱۸ تماس حاصل کنید.

چاپخانه ایرانی
با ۲۰ سال سابقه فعالیت
آماده انجام همه گونه کارهای چاپی و طراحی است چاپخانه ایرانی با مدرن ترین دستگاه ها کامپیوتری آماده همکاری با نویسندگان و ...می باشد چاپخانه ایرانی در خدمت فرهنگ و هنر ایرانی است.
برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۰۷۹۷۰ ۵۳۳ ۲۱۸ تماس حاصل کنید.

Shia leader survives gun attack

The ayatollah is thought to be safe

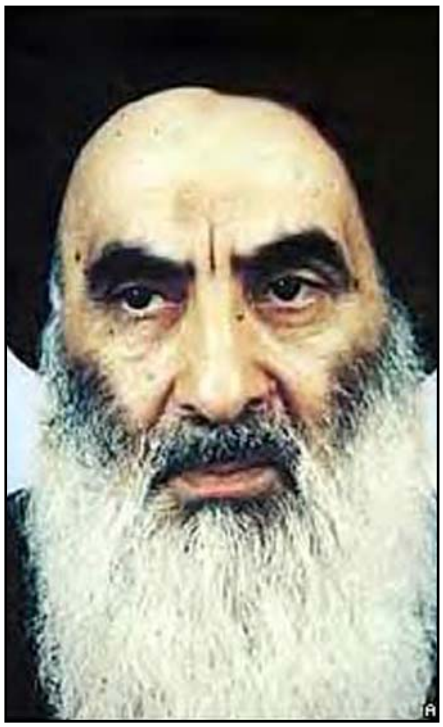

after the attack

The spiritual leader of Iraq's Shia Muslims, Ayatollah Ali al-Sistani, has survived a reported attack on him.

The nature of the attack is unclear, but one report said gunmen opened fire as he greeted people in the holy city of Najaf on Thursday morning.

Ayatollah Sistani has recently criticised US plans to transfer power to an unelected authority in Iraq.

He has led calls for direct elections to be held to choose an interim government for the country.

The attack comes a day before the expected arrival of a United Nations mission in Iraq aimed at resolving the row.

No revenge

Ayatollah Sistani lives in austere surroundings in a narrow alleyway in the pilgrimage city of Najaf, a city always thronged with people.

Security guards at the entrance to the alleyway said it was a dangerous time but that the level of security was relatively normal.

This horrible act aims only to divide the Iraqi people but it will fail
Naseer al-Chaderchi,
Sunni IGC member

"[Ayatollah Sistani] is safe and sound," one of his colleagues, Mowaffaq al-Rubaie - who is also a member of Iraq's Governing Council (IGC) - said without giving details of the attack.

Mr Rubaie urged fellow Shias not to engage in a "confessional backlash" against members of the country's former Sunni elite following the incident.

Ayatollah Sistani has rejected the US plan - agreed with the US-appointed Iraqi Governing Council - that allows for the transfer of sovereignty to a provisional government in June 2004.

This government is supposed to draft a provisional constitution.

A Sunni IGC member denounced the attack on the spiritual leader.

"This horrible act aims only to divide the Iraqi people but it will fail," said Naseer al-Chaderchi.

He dismissed a possible link with Ayatollah Sistani's insistence on elections.

"Everyone wants elections in Iraq, some want them before the transfer of power and some after."

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

به دلیل رشادت

و مقاومت دلیرانه

احمد باطبی

در برابر شکنجه های

وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی

او را بعنوان

مرد آزادهٔ

سال ۲۰۰۴ میلادی بر می گزینند.

خاتمی

حق مرا خوردند...!

خاتمی در گفتگویی خصوصی با مجله بامداد در مورد حق خورده شده اش چنین گفت :

آقایان مطبوعاتی ، همان طور که میدانید جایزهٔ صلح نوبل حق من بود که به نا حق به خانم شیرین عبادی دادند و من هم به خاطر مسائل جامعهٔ مدنی سکوت کردم ! ولی آخر تا کی باید نا حقی و بی عدالتی را تحمل کرد و هیچ نگفت ؟همش میگویند تو حرف نزن!

نه ، نه آقایان این بار من از حق خودم گذشت نمیکنم ! ! این جایزهٔ اوسکار بهترین نقش **زن** مال من است که دوباره به نا حقی میخواهند به شهره آغداشلو بدهند ،و منکر این همه هنر های نمایشی من بشوند !

من بهترینم چون ....

خود علی خامنه ای وقتهایی که با من خلوت میکند میگوید :«**ای مملوی نامرد، ما هنر پیشه ای به نامردی و با استعدادی تو نداریم...!**» یعنی آقا هم دروغ میگوید ؟پس آن همه رای که برایتان آوردم را چه میگویید ؟ کدامتان عرضه داشتید در یک چنین نقش سختی بازی کنید ؟ تازه مگر نمایش جدیدمان را ندیده اید ، که همهٔ دنیا را سر گرم کرده است ، کدام نمایشنامه ای در طول تاریخ اینقدر تماشاچی داشته است؟

من از مسئولین بر گزار کننده جایزهٔ اوسکار می خواهم تجدید نظر کنند و یک نگاهی به عکسهای تبلیغاتی من بکنند که چقدر میتوانم نیشم را باز کنم ، فیگورهای مرا در مجلس ببینید ، مگر ندیدید که چقدر هنرمندانه به صورت چهار دست و پا در روز ۱۲ بهمن به پا بوس قبر خمینی رفتم در حالی که روز قبل خودم را به کمر درد زده بودم و خبرش را نیز به همهٔ خبرگزاریها اعلام کرده بودم .

ultimately in the hands of the right wing, which holds much of the real power.

The question is whether it really intends to go for broke and cripple the reformists in advance of the polls, or whether the pragmatic, moderate conservatives can persuade the leader and the GC that a compromise must be sought.

Thrown into the balance on the side of moderation will be the argument that the wholesale elimination of reformist candidates could force those who want change to move outside legal frameworks, with potentially violent consequences.

A one-sided field would also be highly likely to produce an extremely low voter turnout, raising an immediate question of legitimacy for a minority right-wing government.

That in turn would be expected to put the regime under increased international pressure and isolation. Both the US and the European Union have already expressed concern over the high level of disqualifications.

Pragmatic trend

If the GC stands rigid, it could well leave President Khatami and his reformist administration with no choice but to resign, with further consequences for Iran's international position.

Reformists like Mehdi Karroubi may gain from sympathy votes

Mr Khatami has promised to stay true to his pledge to safeguard the rights of the people to elect and be elected. He has dissuaded top officials from resigning now, and tried to call off the MPs' sit-in, on assurances that the GC would exercise moderation.

If those assurances prove misplaced, he would feel doubly obliged to stand down.

Some hardliners - who believe ultimately that authority comes from God through the leader, and not from the people - would undoubtedly be prepared to shrug aside such concerns.

But the recent trend in Iranian politics has favoured the pragmatic conservative moderates. The crisis late last year over the country's nuclear programme was resolved - at least temporarily - with their support and that of the leader for compliance with the International Atomic Energy Agency, and the real hardliners were obliged to stifle their strident objections.

If that trend prevails, a reasonable number of reformist candidates would be re-qualified and allowed to run.

Reformist leaders have said that in such a situation, they would expect to win at least half the seats.

Sympathy vote

Even before the current crisis, the reformists' electoral prospects were not looking bright. Many reformist officials feared a repeat of last February's local council elections, which saw widespread popular disillusion reflected in a massive abstention - voter turnout in Tehran itself was around 12%.

As the conservatives can always count on a bedrock vote of regime loyalists, they regained Tehran city council and others.

The mass disqualification could win a sympathy vote for surviving reformist candidates - though it also underlines the impotence that has been forced on them by right-wing obstructionism during their years in office.

Looking for silver linings in a decidedly black cloud, some reformist leaders said that if the current situation produces a parliament heavily influenced by pragmatic conservatives, it would be a major reformist achievement as it would take power away from the real hard-liners.

The outcome of the poll is by no means certain even once the list of candidates is finalised. The Iranian electorate has in the past produced many surprises, not least the landslide election of Mr Khatami himself in 1997.

All recent national votes have shown at least a solid 70% favour reform and that is unlikely to change. The huge and unpredictable variable is how many will bother to vote. Many people have said they would not - but a late swing back, as happened in Mr Khatami's second election in 2001, can by no means be excluded.

tougher inspections of its nuclear facilities.
21 October, 2003: Iran's Foreign Minister Kamal Kharrazi promises "total transparency" over the country's nuclear programme during talks with his counterparts from Britain, France and Germany.
Shortly afterwards, a diplomat in Tehran says Iran has agreed to suspend the enrichment of uranium, and will sign an agreement allowing tougher UN inspections of its nuclear sites - two key demands of the IAEA.
24 October, 2003: Protest in Tehran against the decision to sign up to inspections.
31 October, 2003: The IAEA says Iran has submitted a "comprehensive" declaration on its nuclear programme.
10 November, 2003: Iran states again that it is suspending uranium enrichment and intends to allow tougher UN inspections of its nuclear facilities.
11 November, 2003: The IAEA says in a report that Iran has admitted that it has produced plutonium - a material that could be used in nuclear weapons, but adds there is no evidence that the country is trying to build an atomic bomb.
13 November, 2003: Washington dismisses the report, which it says it finds "impossible to believe". The UN stands by the report.
25 November, 2003: Britain, France and Germany reach an agreement with the US on a UN resolution to warn Iran over its nuclear activities.
26 November, 2003: The IAEA votes to pass the resolution censuring Iran, but stops short of recommending sanctions.

Iran's power struggle deepens

By Jim Muir
BBC correspondent in Tehran

Any national election in today's Iran provides a crucial test of the balance of power between the country's two broad political camps, the reformists and the conservatives.
To that extent they are always a bitterly contested watershed, setting the rough parameters within which the ongoing struggle will move on to the next stage.

Mr Khatami has dissuaded top officials from resigning

Much of the real contest happens well in advance of polling day, in this instance 20 February for election to the seventh Majlis (parliament) since the Islamic Republic was established in 1979. Actual campaigning only lasts a week, and probably has little actual impact on the eventual outcome.
This election is no exception. Nearly six weeks before the ballot, a fierce battle erupted after it became clear that vetting committees under the unelected and highly conservative Council of Guardians (GC) had disqualified more than 3,500 of the 8,000 or so would-be candidates nationwide, the majority of them believed to be reformists.
The speaker of the outgoing, reformist-dominated Majlis, Mehdi Karroubi - a moderate reformist whose election credentials were approved - accused the GC's vetting committees of planning the disqualifications systematically in order to ensure a conservative victory.
Some hardliners have made it clear they would like to see the reformists, whom they regard as little more than traitors pandering to the West, eliminated from political life.
Threats, bluffs and bargaining
The mass disqualifications issued by the GC on 10 January represented the opening bid by the right-wingers in a campaign of pressures, threats, bluffs and hard bargaining that is now under way.

Mr Khamenei alone has the authority to resolve a deadlock

It was a high bid indeed. At this stage in the 2000 general election, 758 would-be candidates were disqualified out of 6,860 who registered nationwide. While the registrations this time are somewhat higher, the number of disqualifications is nearly five times as many.
On Friday, the council reinstated a third of the candidates, but this falls far short of the full reinstatement demanded by reformist MPs, 80 of whom are themselves on the blacklist.
The reformists are obliged to make as much noise as they possibly can, to try to maximise the pressure they can exert, through leaders such as President Khatami and Mr Karroubi, on Supreme Leader Ayatollah Ali Khamenei and the GC itself.
Arbiter's role
It is Mr Khamenei who will act as the fulcrum around which the balance settles. He alone has the authority to intervene in case of deadlock or a danger of tensions exploding out of hand.
His influence with the GC cannot be gainsaid - of its 12 members, he appoints six outright, and the other six (although endorsed by parliament) are appointed by the head of the judiciary, himself a Khamenei appointee.

The outcome of the poll is by no means certain - the Iranian electorate has in the past produced many surprises, not least the landslide election of Mr Khatami himself in 1997

Ayatollah Khamenei is not a power figure with an independent base in his own right. His authority is drawn from his position, but in reality he is an arbiter trying to balance conflicting pressures and use his influence to persuade or dissuade.
While the reformist side can try to maximise pressure, the decision is

find themselves ejected from the system, they may take up more active but still peaceful ways of promoting change, such as calling for strikes or civil disobedience.
How much is ultimately at stake here? The future of the reform movement in elected office is certainly hanging in the balance.
One disqualified MP said the country stands at a crossroads between outright dictatorship and democracy. If the hardliners insist on pushing ahead with elections in a disputed situation, it could bring about instability and a minority, right-wing government that might be shunned internationally and reverse much of the détente which President Khatami has fostered in Iran's external relations.
It seems to be showdown time between the elected but hamstrung reformist majority and the powerful, entrenched hardline minority - but in the past, the system has always somehow managed to pull back from the brink at the last moment.
A lot depends on how the Supreme Leader, Ayatollah Ali Khamenei, performs, as only he has the authority - but does he have the power? - to step in and settle the issue of mass disqualifications.

UN issues Iran nuclear reminder
Iran's burgeoning nuclear industry is based on Russian technology

The head of the UN's nuclear agency has warned Iran to continue to cooperate over inspections of its nuclear industry or face serious consequences.
Mohammad ElBaradei said Iran must prove its plans were not weapons-related.
"It will have serious implications if they do not continue to co-operate fully," he told reporters at the World Economic Forum in Davos.
Iran has hit back at the EU after suggestions that it was not honouring a recent promise to admit inspectors.

The three European states - Britain, Germany and France - must fulfil their promises to Iran

Iranian radio
UK Foreign Secretary Jack Straw said after talks with Iranian President Mohammad Khatami in Davos on Wednesday that the country had still to deliver on its promises to allow outside inspectors to examine its nuclear sites.
Mr Straw and his French and German counterparts, Dominique de Villepin and Joschka Fischer, reached agreement in Tehran in October on Iranian compliance with the requirements of Mr ElBaradei's agency, the International Atomic Energy Agency (IAEA).
On Thursday, Iranian radio reported that President Khatami had told Mr Straw that Iran had fulfilled its commitments and was calling on EU states to do likewise.
Mr ElBaradei said it was "very important for the IAEA to come to a conclusion that the Iran programme is for peaceful purposes".
The agency, UN's top nuclear inspector said, had found no recent indications that Iran had been seeking enrichment technology abroad and was now checking if Iran had sought to manufacture such technology domestically.
"We are working with them to verify the suspension of all enrichment activities and I think we are making good progress and I hope we will continue to be able to make further progress," the IAEA chief added

Timeline: Iran nuclear crisis

Tehran has admitted producing plutonium, the IAEA says
After the UN's nuclear watchdog votes to censure Iran over its nuclear programme, BBC News Online looks at some of the key moments in the crisis.
September 2002: Russia begins preparations for a reactor worth $800m near Iran's south-western port of Bushehr. The plan at this stage is to have the plant up and running by the end of 2003.
December 2002: The US accuses Iran of seeking to develop a secret nuclear weapons programme and publishes satellite images of two nuclear sites under construction at Natanz and Arak.
February - May 2003: The UN's International Atomic Energy Agency (IAEA) conducts a series of inspections in Iran. The country confirms that there are sites at Natanz and Arak under construction, but insists that these - like Bushehr - are designed solely to provide fuel for future power plants.
16 June, 2003: IAEA head Mohammed ElBaradei states that inspections showed "Iran failed to report certain nuclear materials and activities" and urges "co-operative actions" on the part of Iran. However the report does not declare Iran in breach of the Non-Proliferation Treaty.
EU foreign ministers meanwhile call on Iran to allow tougher nuclear inspections.
19 June, 2003: White House spokesman Ari Fleischer refuses to rule out the "military option" in dealing with Iran.
July 2003: IAEA begins a fresh round of inspections in Iran.
September 2003: Washington says Iran is not complying with international non-proliferation accords but agrees to support a proposal from Britain, France and Germany to give the country until the end of October fully to disclose nuclear activities and allow surprise inspections.
13 October, 2003: Russia says it has delayed plans to start up a nuclear reactor in Iran by a year but stresses this is for technical reasons, not because of external political pressure.
19 October, 2003: Officials in Tehran hold negotiations with IAEA envoys on signing an agreement to allow

Khamenei, reports there was a "commotion" after students at a sit-in over the election stand-off objected to the unrepresentative nature of the statement put out on their behalf.
They "started to voice their criticisms and said that those statements were written by one person in the name of all the students", Kayhan reports.
Optimistic voice
A commentator in the English-language Iran Daily writes that the public is being put off voting by a combination of disappointment with the status quo, a lack of trust in politicians and decline in the popular belief of the legitimacy of civil society.
However, noting the fact that "a large number of relatively young aspirants have nominated themselves for the legislature", his is one of the few relatively optimistic voices.
"If the people really feel free and confident that they can vote for their candidates of choice, voter turnout could be impressive on 20 February," he believes, "provided the ongoing controversy over the performance of the electoral supervisory boards is resolved without further delay."
BBC Monitoring, based in Caversham in southern England, selects and translates information from radio, television, press, news agencies and the Internet from 150 countries in more than 70 languages.

Q&A: Iranian election row

Mr Khamenei alone has the authority to resolve a deadlock

A crisis has developed in Iran over the disqualification of thousands of reformist candidates from the 20 February elections by the hardline has Council of Guardians.
The BBC's Jim Muir looks at the issues behind the dispute.
Will the elections go ahead?
Nobody knows. President Khatami's reformist government has already asked the Council of Guardians, the unelected, right-wing body which supervises elections, for a postponement, but it refused.
The government has now asked again.
The Interior Ministry, which actually administers the polling, has said free and fair elections are not possible.
Provincial governors and other officials who would be involved in running the elections, have all put their resignations on the table because of the high number of candidates disqualified by the Council of Guardians.
Reformists suspect the hardliners may be planning to call in Revolutionary Guards or other pro-regime bodies to administer the polls if they do go ahead.
If that happens in the current circumstances, it is quite possible that President Khatami and his administration might resign en masse.
Is what we are seeing just political brinkmanship?
At the beginning that seemed likely or at least possible.
But the hardline Council of Guardians has given little ground and some of its elements seem determined to eliminate the reformists from office.
Despite apparent advice from the Supreme Leader, Ayatollah Ali Khamenei, whose word should be decisive on such matters, it did not reinstate any of the 80 or so sitting reformist members of parliament, who include the reform movement's leading figures.
But there is still a way out. There is a second-phase appeals process for disqualified candidates, and the final list will not emerge until 10 February.
If the Council of Guardians can be induced - primarily by the Supreme Leader - to reinstate a lot more reformist candidates, the elections might still go ahead in a relatively normal atmosphere, although the biggest reform faction has said it will not compete now in any case.
How much interest is there in this row among the population at large?
Not a lot, it seems. Some people have voiced the suspicion that the whole crisis has been cooked up as a scenario to kindle interest in a lacklustre election.
Others see it as a family squabble.
There have been no spontaneous shows of support for the embattled reformist MPs from the public.
It is largely disillusioned with the reformists' performance in office, where they have been unable to prise loose the grasp on power of the entrenched hardline minority.
Ironically, the crisis stirred up by the mass disqualifications could help the reformists at the polls if enough of them are reinstated to give them a fighting chance.
How popular are the reformists?
It is hard to tell. Last year's disastrous showing in local elections - when conservatives regained Tehran city council by default because only their hard core of support showed up - might not necessarily be repeated in a national poll.
While the reformists have been blocked from achieving much in office, some voters may see re-electing them as better than leaving the field open for a right-wing return to parliament and government.
What can they do if they do not get their way?
President Khatami's brother Mohammad Reza Khatami - who heads the biggest reform faction, is deputy Speaker of the outgoing parliament, who won more votes than any other candidate in the 2000 general elections but has still been disqualified - has said that "under the present structure of the ruling system, this is the end of the reform movement".
But some reformists believe they should continue seeking access to any official bodyies they can under any conditions, as this is the only alternative to a resort to violence to bring about the change which a large majority of Iranians appear to want.
If large numbers of reformist figures

programme, Abdul Qadeer Khan, has apologised to the "traumatised" Pakistani nation for transferring nuclear secrets to other countries.
Dr Khan admitted sole responsibility and said his subordinates had been carrying out his orders, and that the Pakistani Government was unaware of his activities.
His recorded apology was broadcast on national television in Pakistan.

My dear ladies and gentlemen: Assalam-o-Alaikum [peace be upon you].
It is with the deepest sense of sorrow, anguish, and regret that I have chosen to appear before you in order to atone for some of the anguish and pain that has been suffered by the people of Pakistan on account of the extremely unfortunate events of the last two months.
I am aware of the vital criticality of Pakistan's nuclear programme to our national security and the national pride and emotions which it generates in your hearts. I am also conscious that any untoward event, incident, or threat to this national security draws the greatest concern in the nation's psyche.
It is in this context that the recent international events and their fallout on Pakistan have traumatised the nation. I have much to answer for it.

My dear brothers and sisters, I have chosen to appear before you to offer my deepest regrets and unqualified apologies to a traumatized nation

The recent investigation was ordered by the Government of Pakistan consequent to the disturbing disclosures and evidence by some countries to international agencies relating to alleged proliferation activities by certain Pakistanis and foreigners over the last two decades.
The investigation has established that many of the reported activities did occur, and that these were inevitably initiated at my behest.
In my interviews with the concerned government officials, I was confronted with the evidence and the findings. And I have voluntarily admitted that much of it is true and accurate.

It pains me to realize... that my entire lifetime achievement... could have been placed in serious jeopardy
My dear brothers and sisters, I have chosen to appear before you to offer my deepest regrets and unqualified apologies to a traumatised nation. I am aware of the high esteem, love, and affection in which you have held me for my services to national security. And I am grateful for all the awards and honours that have been bestowed upon me.
However, it pains me to realise in retrospect that my entire lifetime achievement of providing foolproof national security to my nation could have been placed in serious jeopardy on account of my activities, which were based in good faith, but on errors on judgement related to unauthorised proliferation activities.

I give an assurance, my dear brothers and sisters, that such activities will never take place in the future

I wish to place on record that those of my subordinates who have accepted their role in the affair were acting in good faith like me, on my instructions.
I also wish to clarify that there was never ever any kind of authorisation for these activities by the government.
I take full responsibility for my actions and seek your pardon.
I give an assurance, my dear brothers and sisters, that such activities will never take place in the future.
I also appeal to all citizens of Pakistan, in the supreme national interest, to refrain from any further speculations and not to politicise this extremely sensitive issue of national security.
May Allah keep Pakistan safe and secure. Pakistan Paindah Baad [Long Live Pakistan].
BBC Monitoring, based in Caversham in southern England, selects and translates information from radio, television, press, news agencies and the Internet from 150 countries in more than 70 languages.

Press reflects Iran election turmoil
Uncertainty over the future of next month's parliamentary elections in Iran continues to worry the country's press.
One daily believes the turmoil will deter the electorate from voting, and another urges the powerful Guardians Council to state openly what it is seeking to achieve by banning a large number of candidates from standing.
The reformist daily Sharq warns that unless swift action is taken, MPs will resign en masse.
"This option seems the more likely unless leaders take immediate and effective steps to end the crisis."
Why vote?
The conservative daily Khorasan points its finger at all sides in the stand-off, blaming them for what it sees as "the people's sense of despondency and disenchantment".
"The people are asking themselves a serious question: Why should we vote?"
In a criticism aimed at the reformists, it accuses them of behaving "like drowning people clutching at straws".

If the people really feel free and confident, voter turnout could be impressive

Iran Daily commentator

"The people have a right to ask: why now? Why, when the knife is held to your neck, have you started to protest?"
A centre-right daily, Entekhab, insists that Guardian Council "should be transparent and should provide an explanation for its reasoning".
Entekhab also takes to task the state-run radio and television channels which it calls "supporters of the Guardian Council".
It says they "imagine that they are supporting the institution, but instead they are destroying its image".
A hardline daily which supports the country's spiritual leader, Ali

Pakistan pardons 'father of bomb'

Khan is widely seen in Pakistan as a hero for his nuclear work

Pakistani President Pervez Musharraf has pardoned the disgraced founder of the country's nuclear programme.

Abdul Qadeer Khan stunned the nation when he confessed on television to leaking nuclear weapons secrets to Iran, Libya and North Korea.

"You cannot shield a hero and damage the nation," the president said.

The head of the UN's atomic agency, Mohamed ElBaradei, described Mr Khan's revelations as just the "tip of the iceberg" of illegal trafficking.

But General Musharraf said Pakistan would not hand over any documents to the International Atomic Energy Agency (IAEA) or allow the United Nations to supervise Pakistan's nuclear programme.

No supervision

The nuclear scientist, a national hero, made his public confession on Wednesday after meeting General Musharraf.

Mr Khan told the nation he had acted without authorisation and begged forgiveness.

There was never ever any kind of authorisation for these activities by the government - I take full responsibility

Abdul Qadeer Khan

Khan's apology in full

General Musharraf announced his final decision at a news conference following his cabinet's recommendation to grant clemency to the scientist.

He said he had tried to balance Pakistan's domestic interests and international demands that proliferation activities be brought to light.

"Whatever I have done, I have tried to shield him," Mr Musharraf said.

But "one has to balance between international requirements and shielding".

Click here to see how a gas centrifuge works

Speaking to the BBC, a spokesman for Pakistan's Foreign Ministry, Masood Khan, denied the decision was lenient, saying Mr Khan had "made a contribution to Pakistan's nuclear programme".

Correspondents say there was huge public opposition to putting him on trial.

They say pardoning him avoids the potential embarrassment that could result from a public prosecution - even though it could spark allegations of a cover-up.

The BBC's Jim Fish says experts are deeply sceptical that Mr Khan's alleged proliferation network could have spread so far without the complicity of some in the government.

Khan said Musharraf was not to blame

Raza Rabbani, a former government minister and acting secretary-general of Benazir Bhutto's opposition Pakistan People's Party, demanded more information about Mr Khan's activities.

The secret network may not have been government-sponsored, he said, but "one could say maybe the ambit is slightly larger than a single individual.

"That is why the opposition in Pakistan and particularly the People's Party has been demanding that there be a parliamentary inquiry into this whole episode," he told the BBC.

But Mr Musharraf said no independent inquiry would be allowed.

Urgent task

Mr ElBaradei - the head of the UN's International Atomic Energy Agency - told reporters Mr Khan was "just the tip of the iceberg for us".

He said Mr Khan was "not working alone".

Later, an IAEA spokeswoman told the BBC urgent work was needed to cut off the so-called "end-users" of proliferated weapons information.

Pakistan began an inquiry into possible illegal transfers late last year after the UN passed on information it had gathered about Iran and Libya's nuclear programmes.

Officials say Mr Khan ran a network that systematically smuggled nuclear equipment to third countries using chartered planes.

They say the network shared secret designs for centrifuges capable of producing weapons-grade uranium.

Mr Khan, it is alleged, also secretly travelled abroad to explain to Iranian, Libyan and North Korean scientists how to make nuclear bombs.

More than 15 people from the nuclear enrichment facility that Mr Khan used to run, Khan Research Laboratories (KRL), are still being questioned in the nuclear transfers investigation.

Their relatives say they are innocent.

Washington, which pressed Islamabad to investigate the suspected nuclear proliferation, may now exhort it to join the nuclear Non-Proliferation Treaty, say correspondents.

Nuclear scientist apologises

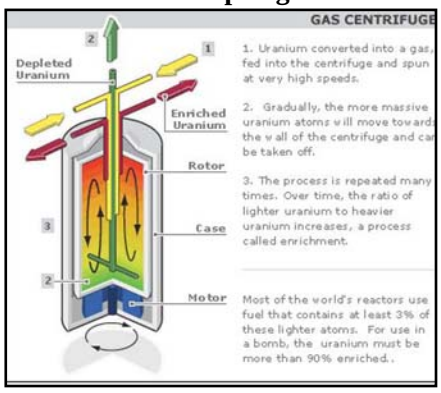

"I seek your pardon"

The architect of Pakistan's nuclear

W3 Digital

Print & Design

Unit 24, Freshway House
16 Eastman Road W3 7YG

Tel: 020 8746 7707
Fax: 020 8932 1810

email: W3digitalprint@talk21.com

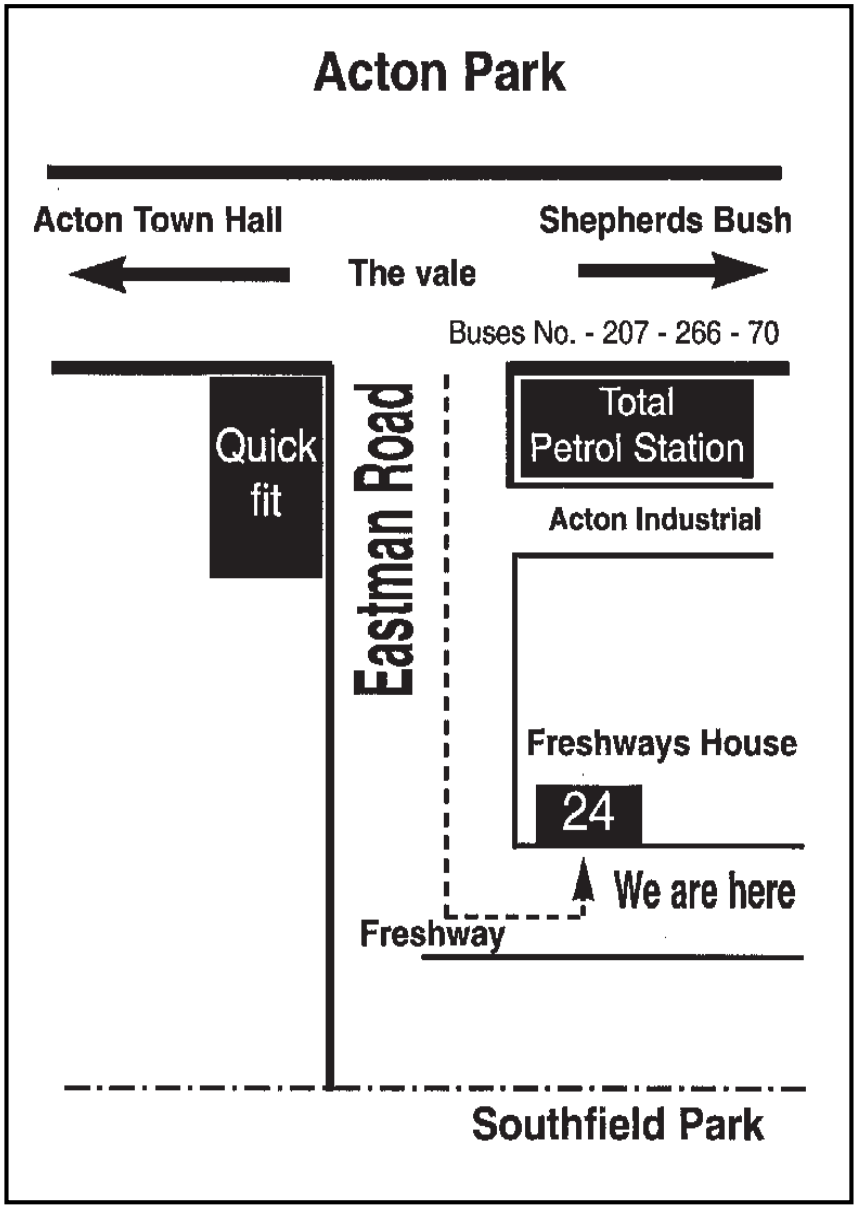

چاپخانه ایرانی
با بیش از ۲۰ سال
تجربه در خدمت
شما است
حروفچینی، طراحی،
چاپ کتاب، مجله، روزنامه،
سرکاغذ،
فورم های بازرگانی،
برگ های تبلیغاتی
تقویم و....
مشورت با ما قبل از انجام هر نوع
کار چاپی بنفع شما و ما است.
از تخفیف های ویژه نوروزی ما
استفاده کنید.